

سنتها و اذکار روزمره نبی اکرم صلی الله وسلم



با مقدمه‌ی
د. خالد بن علی المشیقح

نویسنده
دکتر عبد الله بن حمود فریح

سنتها و اذکار

روزمره‌ی نبی اکرم

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

الله ﷺ در حدیث قدسی می‌فرماید:
«وما یزالُ عَبْدِي یَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ»
بنده‌ام پیوسته بوسیله نوافل به من تقرب می‌جوید، تا اینکه او را
دوست می‌دارم.

نوشته‌ی

دکتر عبد الله بن حمود فریح

مقدمه

د. خالد بن علی المشیقح

چاپ اول

۱۴۳۹هـ / ۲۰۱۸م

این کتاب به بیش از ده زبان ترجمه شده است.

چاپ ونشر غیر تجاری یا ترجمه‌ی آن به زبان‌های دیگر، برای همگان بلا مانع است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه و پیشگفتار

صفحه	موضوع
۱۵	مقدمه‌ی دکتر خالد بن علی مشیق
۱۷	مقدمه
۲۰	پیشگفتار
۲۰	معنای سنت
۲۰	نمونه‌هایی از اشتیاق صحابه <small>رضی الله عنهم</small> نسبت به سنت
۲۲	ثمرات پیروی سنت

سنت‌هایی که زمانی مشخص دارند



صفحه	موضوع
۲۶	اول: وقت قبل از فجر
۲۶	بخش اول: بیدار شدن از خواب و کارهایی که نبی اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> بعد از آن انجام می‌دادند
۲۶	۱ دهانش را با سیواک می‌شست
۲۷	۲ ذکر ثابت شده در هنگام بیداری از خواب
۲۷	۳ با کشیدن دست‌ها بر چهره خواب را از خود دور می‌کرد
۲۷	۴ و به آسمان نگاه می‌کرد
۲۷	۵ و ده آیه‌ی آخر سوره‌ی آل عمران را تلاوت می‌نمود
۲۸	۶ دستانش را سه بار می‌شست
۲۸	۷ سه بار عمل استنشاق و استنثار انجام دهد

صفحه	موضوع
۲۹	۸ سپس وضو می گرفت
۲۹	◀ از جمله سنت‌های وضو
۳۰	۱ مسواک زدن
۳۰	۲ بسم الله گفتن
۳۰	۳ سه بار شستنِ دو کفِ دست
۳۱	۴ از راست شروع کردن شستنِ دست‌ها و پاها
۳۱	۵ شروع کردن با مضمضه و استنشاق (آب را در بینی نمودن)
۳۱	۶ مبالغه در مضمضه و استنشاق برای کسی که روزه نیست
۳۲	۷ مضمضه و استنشاق با یک کفِ (دست)
۳۲	۸ در مسح سر، روش ثابت سنت است
۳۲	۹ سه بار شستنِ اعضا (ی وضو)
۳۳	۱۰ دعای ثابت بعد از وضو
۳۴	◆ بخش دوم: نماز شب، وتر
۳۴	۱ سنت است که نماز شب در وقت افضل آن ادا شود
۳۷	۲ سنت است که با یازده رکعت شب زنده‌داری کند
۳۷	۳ سنت است که نماز شب را با دو رکعتِ کوتاه آغاز نماید
۳۷	۴ سنت است در نمازِ شب، دعاهای استفتاحِ وارد شده در نماز شب را بخواند
۳۸	۵ سنت است که قیام نماز، رکوع و سجده‌ی آن طولانی گردد. و...
۳۸	۶ سنت‌های ثابت در مورد قرائت (پیامبر ﷺ) را انجام دهد
۳۹	۷ سنت است بعد از هر دو رکعت، سلام دهد
۴۰	۸ سنت است در سه رکعت آخر سوره‌های معینی قرائت شود
۴۰	۹ سنت است گاه‌ها در وترش قنوت بخواند
۴۱	۱۰ دعا در یک‌سوم آخر شب



صفحه	موضوع
۴۲	۱۱ سنت است بعد از سلام دادن از وتر سه بار بگوید: (سبحان الملك القدوس...)
۴۲	۱۲ سنت است که خانواده‌اش را برای قیام اللیل بیدار کند
۴۳	۱۳ سنت است که شب زنده‌دار راحت‌ترین حالت را برای خود برگزیند تا...
۴۴	۱۴ سنت است هرکس نماز شب وی (وتر) فوت شد، آن را در روز به صورت...
۴۵	دوم: وقت سپیده‌دم
۴۵	۱ تبعیت از مؤذن
۴۶	۲ گفتن این ذکر بعد از شهادتین
۴۶	۳ درود فرستادن بر رسول الله ﷺ بعد از اذان
۴۷	۴ خواندن دعای ثابت بعد از اذان
۴۷	۵ دعای بعد از اذان
۴۸	۶ سنت صبح؛ و آن دارای چندین سنت است
۴۸	۷ سنت‌های روایتی که از تاکید بیشتری برخوردارند
۴۹	۸ ویژگی‌های سنت فجر که سبب تمایز آن از سایر سنن می‌باشد
۵۰	رفتن به مسجد؛ در آن چندین سنت وجود دارد:
۵۰	۱ زود رفتن به مسجد سنت است
۵۰	۲ با وضو از خانه خارج شود تا اجر گام‌هایش ثبت شود
۵۱	۳ با آرامش و وقار برای نماز در مسجد خارج شود
۵۱	۴ وارد شدن به مسجد با پای راست و خارج شدن از آن با پای چپ
۵۲	۵ هنگام ورود و خروج از مسجد دعای موردنظر را بخواند
۵۲	۶ خواندن دو رکعت تحية المسجد
۵۲	۷ سنت است که مردان به سوی صف اول میادرت ورزند
۵۳	۸ سنت است که مقتدی نزدیک به امام بایستد
۵۴	سنت‌هایی در نماز:

صفحه	موضوع
۵۴	ا < ستره و در این مورد سنت است که:
۵۴	۱ < (برای نماز) ستره قرار داده شود
۵۵	۲ < نزدیک شدن به ستره سنت است
۵۵	۳ < عبور از (پشت ستره) از جلوی نمازگزار سنت است
۵۶	۴ < مسواک زدن هنگام هر نماز سنت است
۵۶	ب < هنگام بلند شدن، موارد زیر سنت است:
۵۶	۱ < رفع الیدین (بلند کردن دست‌ها) هنگام تکبیر تحریمه
۵۷	۲ < سنت است که در هنگام رفع الیدین انگشتان راست و کشیده باشد
۵۷	۳ < سنت است، دست‌ها تا محل سنت، بلند شود
۵۸	۴ < برای نمازگزار سنت است که بعد از تکبیر تحریمه دست راست را بر دست ...
۵۸	۵ < سنت است که با دست راست دست چپ را بگیرد
۵۹	۶ < سنت است که دعای افتتاح (شروع نماز) را بخواند
۶۰	۷ < پناه جستن
۶۰	۸ < بسم الله الرحمن الرحيم گفتن
۶۱	۹ < آمین گفتن با امام
۶۱	۱۰ < قرائت سوره بعد از فاتحه
۶۲	ج < سنت‌هایی در حین رکوع:
۶۲	۱ < سنت است دست‌ها بر زانو‌ها قرار گیرد. چنانکه دو زانو را بگیرد و ...
۶۲	۲ < سنت است که نمازگزار در رکوع کمرش را صاف (موازی) نماید
۶۳	۳ < برای نمازگزار سنت است که در رکوع آرنج‌ها را از پهلوهایش دور نگه دارد
۶۳	۴ < سنت است که اذکار وارده در رکوع را بخواند
۶۴	د < سنت‌هایی در بلند شدن از رکوع:
۶۴	۱ < طولانی کردن این رکن



صفحه	موضوع
۶۵	۱ تنوع در الفاظ (رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْد)
۶۵	۲ سنت است بعد از بلند شدن از رکوع اذکار وارد شده در این حالت را بخواند
۶۶	هـ سنت‌هایی در سجده:
۶۶	۱ برای سجده‌گزار سنت است که دو بازویش را از پهلویش دور نگه دارد و...
۶۷	۲ سنت است که در سجده سرانگشتانش را به سوی قبله کند
۶۸	۳ سنت است اذکار وارده در سجده را بخواند
۶۹	۴ سنت است که در رکوع و سجده زیاد دعا شود
۶۹	و سنت است که میان دو سجده بنشینند
۶۹	۱ سنت این است که پای چپش را پهن نموده و بر آن بنشینند و پای راست را...
۶۹	۲ طولانی نمودن این رکن
۶۹	۳ سنت است که قبل از برخاستن برای رکعت‌های دوم یا چهارم، مقداری...
۷۰	ز از سنت‌های تشهد:
۷۰	۱ سنت است نمازگزار در تشهد پای چپش را فرش نماید و پای راست را نصب کند
۷۱	۲ سنت است در تشهد، دست‌ها را به صورت‌های متنوعی که در حدیث وارد...
۷۲	۳ سنت است کیفیت قرار دادن انگشتان در تشهد بر اساس حالت‌هایی که...
۷۳	۴ سنت است نمازگزار تشهد را با الفاظ مختلف و به صورت متنوع بخواند
۷۳	۵ سنت است که در تشهد آخر نمازهای سه و چهار رکعتی، به حالت تَوَرُّک بنشینند
۷۴	۶ سنت است نمازگزار صیغه‌ها و الفاظ درود بر رسول الله ﷺ را به صورت...
۷۵	۷ سنت است که نمازگزار قبل از سلام دادن و خارج شدن از نماز، از چهار...
۷۶	ح اذکار مشروع بعد از سلام دادن از نمازهای فرض، سنت است
۷۹	ط نشستن بعد از نماز فجر در محل نماز تا طلوع خورشید سنت است
۸۱	اذکار صبح:
۸۱	اذکار صبح و شب

صفحه	موضوع
۸۶	◆ سوم: وقت ضحی (چاشت)
۸۹	◆ چهارم: وقت ظهر
۸۹	◆ اول: نماز سنت قبل و بعد از فرض
۸۹	◆ دوم: سنت است که رکعت اول نماز ظهر طولانی شود
۹۰	◆ سوم: در هنگام شدت گرما، سنت است که نماز ظهر تاخیر شود تا گرما برطرف شود
۹۱	◆ پنجم: وقت عصر
۹۲	◆ اذکار صبح و شب
۹۲	◆ وقت اذکار صبح
۹۲	◆ وقت اذکار شب
۹۴	◆ ششم: وقت مغرب
۹۴	◆ اول: سنت است در ابتدای وقت مغرب از بیرون رفتن کودکان جلوگیری شود
۹۴	◆ دوم: سنت است در ابتدای وقت مغرب دربها بسته شود و بسم الله گفته شود
۹۵	◆ سوم: دو رکعت قبل از مغرب
۹۶	◆ چهارم: خوابیدن قبل از عشاء مکروه (ناپسند) است
۹۷	◆ هفتم: وقت عشاء
۹۷	◆ نخست: سخن گفتن و شب نشینی بعد از آن، مکروه است
۹۷	◆ دوم: بهتر است نماز عشاء با تأخیر خوانده شود؛ البته مادامی که بر مقتدیان سخت نباشد
۹۹	◆ سنت‌های خواب
۹۹	◆ خواب و سنت‌های آن:
۹۹	◆ بستن درها هنگام خواب
۹۹	◆ خاموش کردن آتش قبل از خواب
۱۰۰	◆ وضو قبل از خواب



صفحه	موضوع
۱۰۰	❖ تکاندنِ بسترِ قبل از خوابیدن بر آن
۱۰۱	❖ بر پهلوی راست خوابیدن
۱۰۱	❖ دست راست را زیر گونه‌ی راست نهادن
۱۰۱	❖ خواندن اذکار خواب
۱۰۷	❖ خواندن سوره اخلاص در هر شب سنت است
۱۰۸	◆ سنت‌هایی در باب خواب دیدن
۱۱۰	◆ کسی که شبانه از خواب برخاست، سنت است این ذکر را بخواند





سنت‌هایی که مقید به وقت خاصی نیستند

صفحه	موضوع
۱۱۴	سنت‌هایی در مورد غذا خوردن:
۱۱۴	۱ بسم الله گفتن در ابتدای غذا
۱۱۵	۲ خوردن از جلوی رو
۱۱۶	۳ برداشتن لقمه‌ای که افتاده است و پاک نمودن آن و خوردنش
۱۱۶	۴ لیسیدن انگشتان
۱۱۷	۵ تمیز کردن ظرف غذا با انگشت
۱۱۷	۶ غذا خوردن با سه انگشت
۱۱۸	۷ تنفس بیرون غذا
۱۱۸	۸ الحمد لله گفتن بعد از غذا
۱۱۹	۹ غذا خوردن دسته جمعی
۱۱۹	۱۰ تعریف کردن از غذا اگر رضایت بخش بود
۱۲۰	۱۱ دعا کردن برای صاحب غذا. (میزبان)
۱۲۰	۱۲ مستحب است کسی که نوشیدنی می نوشید، قبل از سمت چپ به...
۱۲۱	۱۳ کسی که به دیگران می نوشاند، خود آخرین نفر است که می نوشد
۱۲۱	۱۴ پوشیدن سر ظرف‌ها و بسم الله گفتن هنگام غروب
۱۲۳	سنت‌هایی در مورد سلام، ملاقات و هم‌نشینی:
۱۲۳	۱ یکی از سنت‌ها، سلام کردن است
۱۲۴	۲ اگر نیاز بود، سه بار سلام کردن مستحب است
۱۲۵	۳ سلام کردن به صورت عمومی بر کسی که او را می‌شناسی یا نمی‌شناسی
۱۲۵	۴ سنت این است که کسی ابتدا سلام کند که احادیث بدان اشاره دارد
۱۲۶	۵ سلام نمودن بر کودکان سنت است



صفحه	موضوع
۱۲۶	۶ سلام نمودن هنگام ورود به خانه، سنت است
۱۲۷	۷ سنت است وقتی نزد گروهی می‌رویم که برخی خواب هستند، آهسته سلام کنیم
۱۲۸	۸ (ابلاغ) رساندن سلام به دیگران
۱۲۸	۹ سلام کردن هنگام ورود به مجلس و هنگام خروج از آن
۱۲۹	۱۰ هنگام ملاقات مصادفه کردن همراه با سلام گفتن سنت است
۱۲۹	۱۱ تبسم و خوش‌رویی هنگام ملاقات، سنت است
۱۲۹	۱۲ سخن نیک و شایسته سنت است و صدقه می‌باشد
۱۳۰	۱۳ استحباب ذکر الله ﷻ در جلسه
۱۳۰	۱۴ سنت است مجلس را با (کفاره‌ی مجلس) به پایان رساند
۱۳۱	◆ سنت‌هایی در باب لباس و آرایش:
۱۳۱	۱ پوشیدن کفش از پای راست سنت است
۱۳۲	۲ پوشیدن لباس سفید سنت است
۱۳۲	۳ استعمال خوشبویی سنت است
۱۳۳	۴ هنگام شانه زدن از راست شروع کردن سنت است
۱۳۴	◆ سنت‌هایی در باب عطسه و خمیازه:
۱۳۴	◆ سنت‌های عطسه
۱۳۴	۱ سنت است عطسه کننده، « الحمد لله » بگوید..
۱۳۵	۲ سنت است اگر عطسه کننده الحمد لله نگفت، جوابش داده نشود
۱۳۶	◆ سنت‌های خمیازه
۱۳۶	◆ سنت است در حد توان جلوی خمیازه را گرفت، یا با دست جلوی ...
۱۳۸	◆ دیگر سنت‌های روزمره
۱۳۸	◆ گفتن ذکر ثابت شده هنگام ورود و خروج از توالت

صفحه	موضوع
۱۳۹	◆ نوشتن وصیت‌نامه سنت است
۱۳۹	◆ تسامح و انعطاف در خرید و فروش
۱۴۰	◆ خواندن دو رکعت نماز بعد از وضو
۱۴۰	◆ انتظار کشیدن برای نماز
۱۴۱	◆ مسواک زدن
۱۴۲	◆ وضو گرفتن برای هر نماز
۱۴۲	◆ دعا کردن
۱۴۲	◆ ۱ با وضو دعا نماید
۱۴۳	◆ ۲ روی آوردن به قبله
۱۴۳	◆ ۳ بلند نمودن دست‌ها
۱۴۳	◆ ۴ آغاز کردن دعا با ستایش الله ﷻ و درود فرستادن به رسول الله ﷺ
۱۴۴	◆ ۵ خواندن الله [تعالی] را با نام‌های نیکش
۱۴۴	◆ ۶ تکرار دعا و پافشاری بر آن
۱۴۵	◆ ۷ پنهانی و آهسته دعا کردن
۱۴۵	◆ در دعایم چه بگوییم؟
۱۴۶	◆ سنت است انسان پشت سر برادرش برای او دعا نماید
۱۴۶	◆ و از سنت‌های روزمره ذکر الله ﷻ است
۱۴۷	◆ ذکر حیات قلب است
۱۴۸	◆ الله ﷻ در آیات زیادی بر یاد و ذکر خویش تشویق می‌نماید
۱۴۹	◆ از اذکاری که در سنت پیامبر ﷺ ذکر شده‌اند بسیارند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المحمدسه وهدوه والصلاة والسلام على من لا نبي بعده ، وبعد :
 فقد قرأت في هذا المؤلف للشيخ عبدالرحمن بن حمود
 الفريخ (المنهج العلمي في بيان السنن اليومية)
 فقد ألفتته مؤلفاً مفيداً يحمل على استقصاء السنن
 اليومية (الفعلية والثقلية) في الليل والنهار المنفردة
 والناجئة لغيرها مما ثبت بالليل مجزاه الله خيراً
 ونفع بحولنا آمين ، وبالله التوفيق .

كتبه

د. خالد بن علي المشيقح

خلفاً
 ١٤٣٤/١١/٥ هـ

مقدمه‌ی دکتر خالد بن علی مشیقح

تمام ستایش‌ها مخصوص الله یگانه است و درود و سلام بر کسی که بعد از وی پیامبری نیست. اما بعد:

کتاب «المنح العلیّة فی بیان السنن الیومیة» نوشته‌ی شیخ عبدالله بن حمود فریح را مطالعه نمودم. آنرا کتاب مفیدی یافتم که سنت‌های فعلی و قولی روزمره را با دلیل جمع‌آوری نموده است. الله به او پاداش نیک عنایت کند! و با کتابش (به دیگران) سود رساند. و توفیق از جانب الله ﷻ است.

نوشته

دکتر خالد بن علی مشیقح

استاد و دکتر در دانشگاه قصیم. مدرس در حرم مکه و مدینه



مقدمه

تمام ستایش‌ها مخصوص الله ﷻ است که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱] (یقیناً برای شما در زندگی رسول الله سرمشق نیکویی است، برای آنان که به الله و روز آخرت امید دارند و الله را بسیار یاد می‌کنند).

خداوندی که به پیروی از رسول خدا ﷺ دستور داد. و درود و سلام بر بهترین کسی که امت را به کمال اطاعت و پیروی از سنت راهنما بود.

اما بعد؛ در رساله‌ی پیش رو به سنت‌های روزانه رسول خدا ﷺ از هنگام بیداری تا خواب می‌پردازیم. ابتدا به ترتیب و برحسب اوقات مشخص به این مهم می‌پردازیم و در ادامه سنت‌هایی را که روزانه رسول خدا انجام می‌دادند و مقید به وقت خاصی نبوده، بیان می‌کنیم. و منظور از سنت امور مستحبی است که خداوند متعال به آنها امر کرده است اما نه بر وجه الزام؛ بلکه از باب کمال و افزایش در اعمال به آنها دستور داده است و امر او تعالی در این زمینه از نوع الزام‌آور آن نیست. این کتاب مختصری از کتاب «المنح العلیّة فی بیان السنن الیومیّة» می‌باشد که مسائل علمی و فوائد مربوط به سنت‌ها را از اصل کتاب حذف نمودم و این چکیده را جهت بیان سنت‌ها با ذکر دلیل آنها گرد آوردم. چراکه برخی از برادران پیشنهاد به اختصار کتاب دادند و مختصری از آن برای کسانی که وقت کافی یا توان لازم برای مطالعه اصل کتاب ندارند، آسان‌تر و در دسترس بیشتر بود. و اینگونه نشر آن در تعداد بالا جهت توزیع



هرچه بیشتر میسر می‌باشد. اما عامل و انگیزه‌ی بررسی سنت‌های روزانه رسول خدا ﷺ و گردآوری و بیان آنها در این مختصر، شوق اظهار راه و روش رسول خدا بود و سبب دیگر تلبیس غریبی‌ها و جلوه‌ی بدی بود که از سنت و راه و روش رسول خدا نشان می‌دهند. علاوه بر این عامل و باعث دیگر آن تفریط و کوتاهی در انجام سنت‌ها در این عصر و زمان بود که بر کسی پوشیده نیست و واقعیت گواه این مطلب است، آنهم به این دلیل که اگر کسی سنت را ترک کند مجازات و کیفری نخواهد داشت؛ و اینگونه خیر بزرگی فوت شده و از دست می‌رود. در این مختصر تلاش نویسنده معطوف به این بوده که فقط سنت‌های صحیح و روزانه مقرون به دلایل شرعی ذکر شود.

از خداوند متعال می‌خواهم که ما را از کسانی قرار دهد که از راه و روش رسول خدا پیروی می‌کنند و دنباله‌رو او بوده و با او محشور می‌شوند.

نوشته‌ی محتاجِ آموزش پروردگارش

دکتر عبد الله بن حمود فریح

محدوده شمالی رفحاء

پست الکترونیکی جهت ارتباط

A0504975170@hotmail.com



معنای سنت

سنت به معنای مستحب و مندوب است.

پس سنت عبارت است از آنچه شارع (الله متعال یا پیامبرش ﷺ) بدون الزام، به آن دستور داده باشد. و نتیجه‌اش این است که: انجام دهنده‌ی سنت پاداش دارد و تارک آن مجازات نمی‌شود^(۱).

نمونه‌هایی از حرص صحابه رضی الله عنهم بر سنت:

۱ مسلم در صحیح خود حدیث نعمان بن سالم از عمرو بن اوس رضی الله عنهما را روایت کرده است که می‌گوید: عنبسه بن ابوسفیان گفت: شنیدم که ام حبیبه رضی الله عنها می‌گوید: از

(۱) این معنا، معنای اصولی سنت است که سنت را از نگاه حکمی در میان احکام پنجگانه تعریف کرده است. سنت به شکل عام، به معنای قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ است که احکام مختلفی از جمله سنت، مستحب و واجب را شامل می‌شود.

رسول الله ﷺ شنیدم که می فرماید: «مَنْ صَلَّى اثْنِي عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، بُيِيَ لَهُ بِهِنَّ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ» (کسی که در هر شبانه روز دوازده رکعت (سنت رواتب) بخواند، به پاس این نمازها برای وی خانه‌ای در بهشت بنا می‌شود). [مسلم (۱۷۲۷)]. ام حبیبه رضی الله عنها می‌گوید: از زمانی که آن نمازها را از رسول الله ﷺ شنیدم ترک‌شان نکردم. و عنبسه می‌گوید: از زمانی که از ام حبیبه در مورد آن نمازها شنیدم ترک‌شان نکردم.

عمرو بن اوس می‌گوید: از زمانی که از عنبسه (در این مورد شنیدم) ترک‌شان نکردم. و نعمان بن سالم می‌گوید: آنها را از زمانی که از عمرو بن اوس شنیدم رهایشان نکردم.

❖ حدیث علی رضی الله عنه: فاطمه به خاطر آثار (فشار) آسیاب که بر دستش مانده بود اظهار ناراحتی کرد. تعدادی اسیر نزد رسول الله ﷺ آورده شد و او رضی الله عنها (نزد پیامبر ﷺ) رفت و وی را ندید. عایشه رضی الله عنها را ملاقات کرد و او را (از این مساله) مطلع نمود. وقتی رسول الله ﷺ تشریف آوردند، عایشه رضی الله عنها جریان آمدن فاطمه رضی الله عنها نزد وی را مطرح کرد. (علی رضی الله عنه می‌گوید) پیامبر ﷺ نزد ما آمد و ما بر بستر خواب بودیم. خواستیم برخیزیم. پیامبر ﷺ فرمودند: «عَلَى مَكَانِكُمْ» (سر جایتان بمانید (راحت باشید)) میان ما دو نفر نشست تا جایی که سردی پای مبارک را بر سینه‌ی خود احساس کردم. سپس فرمود: «أَلَا أَعْلَمُكُمْ خَيْرًا مِمَّا سَأَلْتُمْ؟ إِذَا أَخَذْتُمْ مَضَاجِعَكُمْ، أَنْ تُكَبِّرَ اللَّهُ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَتُسَبِّحَهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَتَحْمَدَهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ خَادِمٍ» (آیا به شما چیزی بهتر از آنچه درخواست کردید نیاموزم. و آن اینکه وقتی بر بستر خواب قرار گرفتید، سی و چهار بار الله اکبر بگویید، سی و سه بار سبحان الله بگویید و سی و سه بار الحمد لله بگویید. این برای شما از خادم بهتر است). [بخاری (۳۷۰۵) و مسلم (۲۷۲۷)]

و در روایتی علی رضی الله عنه چنین گفته است: از زمانی که آن را از رسول ﷺ شنیدم، عمل به آن را ترک نکردم. به وی گفته شد: حتی شب صفین؟ گفت: حتی شب صفین. [بخاری (۵۳۶۲) و مسلم (۲۷۲۷)]

و معلوم است که شب صفین همان شبی بود که جنگ صورت گرفت. و علی رضی الله عنه در آن جنگ فرمانده بود. با این همه از این سنت غافل نشد.

۳ ابن عمر رضی الله عنهما نماز جنازه می خواند، سپس محل را ترک نموده و می رفت، و به این گمان که سنت کامل، فقط همین نماز بوده و بس، در تشییع جنازه شرکت نمی کرد. و نسبت به فضیلت وارده در مورد تشییع جنازه تا لحظه ی دفن، اطلاع نداشت؛ و چون حدیث ابوهریره رضی الله عنه به او ابلاغ شد، در از دست دادن سنت افسوس خورد. اما دقت کن چه گفت!!

ابن عمر رضی الله عنهما سنگریزه هایی که در دست داشت بر زمین کوبید و گفت: قیراطهای زیادی را از دست دادیم (یعنی اجر و ثواب عظیمی را از دست دادیم). [بخاری (۱۳۲۴) و مسلم (۹۴۵)]
 نووی رحمته الله علیه می گوید: این جریان حکایت از میل و رغبت صحابه رضی الله عنهم در انجام طاعات و عبادات پس از اطلاع یافتن از آنها دارد و اینکه چون عبادتی را از دست می دادند هرچند از بزرگی قدرش چیزی نمی دانستند، تأسف می خوردند. [المنهاج (۱۵/۷)]

ثمرات پیروی سنت:

پیروی سنت فواید بسیاری دارد؛ از جمله:

۱ دست یابی به درجه ی محبت. بنده با تقرب جستن به الله تعالی به وسیله ی نوافل، به محبت الله تعالی نایل می آید.

ابن قیم رحمته الله علیه می گوید: هرگز الله تو را دوست نخواهد داشت مگر زمانی که در ظاهر و باطن از محبوبش پیروی کنی، سخنش را تصدیق نمایی، دستورش را اطاعت کرده و به دعوتش پاسخ مثبت دهی، با رضایت کامل او را ترجیح دهی، حکم او را بر حکم دیگران برتری دهی، محبت او را بر محبت دیگر مخلوقات مقدم نمایی و به جای دیگران از او اطاعت کنی. اگر چنین نبود خودت را خسته نکن و برگرد به همان جایی که بودی و به دنبال نور باش که تو بر هیچ چیزی نیستی. [مدارج السالکین (۳۷/۳)].

۲ بهره مند شدن بنده از «معیت: همراهی» الله تعالی. در این صورت الله تعالی او را توفیق انجام خیر می دهد. بنابراین جز کاری که الله متعال از آن راضی باشد، از او سر نمی زند. چرا که اگر او به محبت الله تعالی دست یابد، به معیت او تعالی نایل آمده است.

۳ اجابت دعا که متضمن دست یافتن به محبت باشد. هرکس با نوافل تقرب جوید، به

محبت دست یافته است و هرکس به محبت دست یابد، به اجابت دعا دست می یابد.

دلایل زیر بر این ثمرات سه گانه دلالت می کند:

حدیث ابوهریره رضی الله عنه که می گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ، فَإِذَا أَحَبَّهُتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْظِيئَتِهِ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأَعْيُنَتِهِ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ» «به راستی الله صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس با دوست من دشمنی ورزد، با او اعلان جنگ می کنم. و بندهام با هیچ چیز محبوبی نزد من به اندازه‌ی انجام آنچه بر او فرض قرار داده‌ام، به من نزدیک نمی شود و همواره بندهام با (انجام) نوافل به من تقرب می جوید تا دوستش می دارم. و وقتی دوستش بدارم گوش او می شوم که با آن می شنود؛ و چشمش می شوم که با آن می بیند و دستش می شوم که با آن می گیرد و پایش می شوم که با آن گام بر می دارد؛ و اگر از من بخواهد، به او می دهم. اگر به من پناه جوید، پناهِش می دهم. و در هر کاری که می خواهم انجام دهم، به اندازه‌ی قبض روح مؤمنی که مرگ را نمی پسندد و من هم آزارش را نمی پسندم، متردد نمی شوم». [بخاری: ۶۵۰۲]

◆ جبران نقص در فرایض؛ نوافل خلل های وارده در فرایض را جبران می کند.

و دلیل آن روایت ابوهریره رضی الله عنه است که می گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْءٌ، قَالَ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ: انْظُرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَيُكَمَّلُ بِهَا مَا انْتَقَصَ مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَكُونُ سَائِرُ عَمَلِهِ عَلَىٰ ذَلِكَ». «به راستی اولین عملی که انسان در روز قیامت در مورد آن محاسبه می شود، نماز است. اگر (حساب نمازش) درست باشد که رستگار شده و نجات یافته است. وگرنه ناکام مانده و زیان دیده است. و اگر از فریضه اش چیزی ناقص باشد، خداوند عز و جل می فرماید: ببینید بندهام نافلة ای دارد؟ و با آن نقص فریضه اش جبران می شود. سپس در مورد سایر اعمالش چنین عمل می شود». [احمد (۹۴۹۴)، ابوداود (۸۶۴)، ترمذی (۴۱۳) و شیخ آلبنی رحمته الله علیه در صحیح الجامع (۴۰۵/۱) آن را صحیح می داند].



سنت‌هایی که زمانی مشخص دارند

منظور از این نوع سنت‌ها: سنت‌هایی است که وابسته به اوقاتی معین در شبانه‌روز است و در بازه‌ی زمانی خاصی انجام می‌شوند که به هفت وقت و زمان تقسیم شده‌اند: قبل از فجر، وقت فجر، وقت ضحی (چاشت)، وقت ظهر، عصر، مغرب و وقت عشاء.





اول: وقت قبل از فجر



به اعتبار بیدار شدن از خواب، این وقتِ اوّل محسوب می‌شود. می‌توان سنت‌های این وقت را به دو بخش تقسیم نمود:

بخش اول: بیدار شدن از خواب و کارهایی که نبی اکرم ﷺ بعد از آن انجام می‌دادند:

۱ دهانش را با سِوَاک می‌شست یعنی: دهانش را با سِوَاک (چوب درخت اِراک) می‌مالید.

حذیفه رضی الله عنه می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ - إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَشُورُ فَأَهُ بِالسَّوَاكِ» «چون رسول خدا ﷺ شبانه از خواب برمی‌خاست، دهانش را با سِوَاک (مسواک) می‌شست و تمیز می‌کرد». [بخاری (۲۴۵)، مسلم (۲۵۵)]. و در روایتی از مسلم آمده است: «كَانَ رَسُولُ



اللَّهِ - إِذَا قَامَ لِيَتَهَجَّدَ، يَشُوصُ فَاهُ بِالسَّوَاكِ»
 «چون پیامبر ﷺ برای تهجد برمی‌خاست، دهانش را با سواک می‌شست». [مسلم (۲۵۵)]. الشوص: مالیدن دندان‌ها با سواک به صورت عرضی می‌باشد. (بالا پایین).

۲ ذکر ثابت شده در هنگام بیداری از خواب

این ذکر در صحیح بخاری از طریق حذیفه رضی الله عنه روایت شده است که می‌گوید: وقتی رسول خدا ﷺ می‌خواست بخوابد، می‌فرمود: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ

وَأَحْيَا». وَإِذَا اسْتَيْقَظَ مِنْ مَنَامِهِ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» (بار الها، به نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم). و هنگامی که از خواب بر می‌خواست، می‌فرمود: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را بعد از اینکه میراند، زنده نمود و به سوی او حشر خواهیم شد»). [بخاری (۶۳۲۴)، و مسلم از حدیث براء رضی الله عنه (۲۷۱۱)].

۳ با کشیدن دست‌ها بر چهره خواب را از خود دور می‌کرد.

۴ و به آسمان نگاه می‌کرد.

۵ و ده آیهی آخر سورهی آل عمران را تلاوت می‌نمود.

و این سه سنت در حدیث متفق علیه ابن عباس رضی الله عنه آمده است: «أَنَّهُ بَاتَ لَيْلَةً عِنْدَ مَيْمُونَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ وَهِيَ خَالَتُهُ فَاضْطَجَعَتْ فِي عَرْضِ الْوِسَادَةِ، وَاضْطَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأَهْلُهُ فِي طَوْلِهَا، فَنَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى إِذَا انْتَصَفَ اللَّيْلُ، أَوْ قَبْلَهُ بِقَلِيلٍ، أَوْ بَعْدَهُ بِقَلِيلٍ، اسْتَيْقَظَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَجَلَسَ يَمْسَحُ النَّوْمَ عَن وَجْهِهِ بِيَدِهِ، ثُمَّ قَرَأَ الْعَشْرَ الْآيَاتِ الْخَوَاتِمَ مِنْ سُورَةِ آلِ عِمْرَانَ، ثُمَّ قَامَ إِلَى شَنْ مُعَلَّقَةٍ فَتَوَضَّأَ مِنْهَا فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ، ثُمَّ قَامَ يُصَلِّي» (ابن عباس رضی الله عنه شبی را نزد میمونه همسر رسول الله ﷺ که خاله‌ی وی بود ماند، و در عرض زیرانداز دراز کشید. و رسول الله ﷺ و همسرش در طول بستر خواب دراز کشیدند. پیامبر ﷺ تا نیمه شب یا اندکی قبل یا بعد از آن خوابید؛ سپس از خواب بیدار شد و نشست و با کشیدن دست به صورتش خواب را

از خود دور نمود. سپس ده آیه‌ی آخر سوره‌ی آل عمران را خواند. سپس برخاست و به سمت مشک آویزانی رفت و از آن به بهترین شکل وضو گرفت؛ سپس برخاست و نماز خواند». [بخاری (۱۸۳) و مسلم (۷۶۳)].

و در روایتی از مسلم (۲۵۶) آمده است: پیامبر خدا ﷺ در آخر شب بلند شد؛ سپس خارج شده و به آسمان نظر افکند؛ سپس این آیه‌ی آل عمران را خواند: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰] «به راستی در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های (آشکاری) برای خردمندان است».

اینکه در حدیث آمده: «يَمْسُحُ النَّوْمَ عَنْ وَجْهِهِ بِيَدِهِ» یعنی «با دست چشمانش را می‌مالید تا خواب‌آلودگی را از خود دور کند»؛ و شَنِّ هَمَانَ مَشْكَ است.

و روایت مسلم بیانگر این مطلب است که رسول خدا ﷺ از این آیه آغاز می‌نمود: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ تا آخر آل عمران.

پیامبر ﷺ این آیات را قبل از وضو تلاوت می‌نمود و دلیلی است بر جواز تلاوت قرآن بدون وضو.

۶ دستانش را سه بار می‌شست.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ، فَلَا يَدْخُلُ يَدَهُ فِي الْإِنَاءِ حَتَّى يَغْسِلَهَا ثَلَاثًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَيْنَ بَاتَتْ يَدُهُ» «هرگاه یکی از شما از خواب بیدار شد، دستانش را وارد ظرف آب نکند تا سه بار آنها را بشوید. چرا که نمی‌داند در حال خواب دستش با چه چیز و کجا تماس پیدا کرده است». [بخاری (۱۶۲)، مسلم (۲۷۸)].

۷ سه بار عمل استنشاق (آب در بینی کردن) و استنثار (آب را با نفس

از بینی بیرون دادن) انجام دهد.

به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى خِيَاشِمِهِ» «وقتی یکی از شما از خواب

سنت‌هایی که زمانی مشفص دارند

بیدار شد؛ باید سه بار عمل استنثار را انجام دهد. چرا که شیطان شب را در انتهای بینی‌اش می‌گذراند». [بخاری (۳۲۹۵)، مسلم (۲۳۸)]. و در روایت بخاری آمده است: «إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَتَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثًا...» «وقتی یکی از شما از خواب بیدار شد باید وضو گرفته و سه مرتبه عمل استنثار را انجام دهد...» [بخاری (۳۲۹۵)].

۸ سپس وضو می‌گرفت.

و دلیل آن حدیث پیشین ابن عباس است که وقتی پیامبر ﷺ تصمیم نماز خواندن می‌گرفت، به سمت مشک آویزانی می‌رفت و از آن وضو می‌گرفت.



از جمله سنت‌های وضو:



و در اثنای سخن از وضو، به صورت مختصر نه مفصل و کامل، سنت‌های وضو را بیان می‌داریم. چرا که سنت‌های وضو واضح و آشکار هستند اما فقط به عنوان تکمیل بحث سنت آن را یادآور می‌شویم.

۱. مسواک زدن.



و این قبل از وضو یا قبل از مضمضه (آب را در دهان چرخاندن) می‌باشد. و این دوّمین جایی است که مسواک زدن در آن سنت است. (جای اول پیش‌تر بیان شد). پس سنت است کسی که می‌خواهد وضو بگیرد، مسواک بزند. دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَوْلَا أَنْ أَشَقَّ عَلَيَّ أُمَّتِي لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ وُضُوءٍ» «اگر بر امتم دشوار نمی‌بود، آنان را دستور می‌دادم با هر وضو مسواک بزنند». [احمد

(۹۹۲۸)، ابن خزیمه (۱۴۰/۷۳/۱) و آن را صحیح می‌داند، حاکم (۲۴۵/۱) و بخاری به صورت معلق با صیغهی جزم در باب: سواک الرطب و الیابس للصائم].

و به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها که گفت: «كُنَّا نَعِدُّ لَهُ سِوَاكَهُ وَطَهْرَهُ، فَيَبْعَثُهُ اللَّهُ مَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَهُ مِنَ اللَّيْلِ، فَيَتَسَوَّكُ وَيَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي...» «(سواک و آب وضوی او صلی الله علیه و آله را برایش مهیا می‌کردیم؛ خداوند متعال هر وقت از شب که می‌خواست او را از خواب بیدار می‌کرد؛ پس مسواک می‌زد و وضو گرفته و نماز می‌خواند...». [مسلم (۷۴۶)].

۲. بسم الله گفتن:

دلیل آن حدیث مرفوع ابوهریره رضی الله عنه می‌باشد: «لَا وُضُوءَ لِمَنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ» «برای کسی که [عمداً] بسم الله نگوید، وضویی نیست». [احمد (۱۱۳۷۱)، ابوداود (۱۰۱) و ابن ماجه (۳۹۷)].

۳. سه بار شستنِ دو کفِ دست.



دلیل آن حدیث عثمان رضی الله عنه در توصیفِ وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد که در آن آمده است: (عثمان رضی الله عنه) آب وضو طلب نمود؛ دو کفِ دستش را سه بار شست... سپس گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که این‌گونه همانند من وضو می‌گیرد. [بخاری (۱۶۴) و مسلم (۲۲۶)].

۴ از راست شروع کردن شستن دست‌ها و پاها:



ام المومنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُعِجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي تَعْلِهِ وَتَرْجُلِهِ وَطُهُورِهِ وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ» (پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پوشیدن کفش، شانه کردن موها، وضو گرفتن و همه کارهایش، شروع کردن از سمت راست را می‌پسندید). [بخاری (۱۶۸) و مسلم (۲۶۸)].

۵ شروع کردن با مضمضه و استنشاق (آب)

را در بینی نمودن):

زیرا در حدیث عثمان رضی الله عنه در توصیف وضوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «...فَمَضْمَضَ، وَاسْتَنْثَرَ، ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ...»، ... «سپس مضمضه و استنثار نمود و سه مرتبه چهره‌اش را شست...». [بخاری (۱۹۹) و مسلم (۲۲۶)]. و اگر مضمضه و استنشاق را بعد از شستن صورت انجام داد جایز است.

۶ مبالغه در مضمضه و استنشاق برای کسی که

روزه نیست.



در حدیث لقیط بن سمره رضی الله عنه آمده است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: «أَسْبِغِ الْوُضُوءَ، وَخَلِّ بَيْنَ الْأَصَابِعِ، وَبَالَغْ فِي الْأَسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا» «وضو را کامل کن، میان انگشتانت را خلال کن، و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه‌دار باشی». [احمد

(۱۷۸۴۶)، ابوداود (۱۴۲)]. ابن حجر می‌گوید: این حدیث صحیح

است، الإصابة (۱۵/۹). و مبالغه‌ی در مضمضه از این سخن رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استنباط شده است: «أَسْبِغِ الْوُضُوءَ».

۷ مضمضه و استنشاق با یک کف (دست).



به دلیل حدیث عبدالله بن زید رضی الله عنه در توصیف وضوی نبی اکرم صلی الله علیه و آله که می‌گوید: «...أَدْخَلَ يَدَهُ فَاسْتَخْرَجَهَا، فَمَضَمَضَ وَاسْتَنْشَقَ مِنْ كَفِّ وَاحِدَةٍ، فَفَعَلَ ذَلِكَ ثَلَاثًا...» «... دستش را داخل نمود، سپس خارجش کرد و از کف یک دست (آب) مضمضه و استنشاق نمود. و این کار را سه بار تکرار کرد». [بخاری (۱۹۲) و مسلم (۲۳۵)].

۸ در مسح سر، روش ثابت سنت است.



و آن اینکه در مسح سر باید دست‌ها را در جلوی سر قرار دهد، سپس هر دو را به پشت سرش ببرد. بعد هر دو دست را به همان جایی برگرداند که از آن مسح را آغاز کرده است. زن هم دقیقاً به همین روش عمل کند. مویی که از گردن زن بلندتر است، نیاز به مسح ندارد.

و دلیل آن: عبدالله بن زید رضی الله عنه در توضیح روش وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید: «بَدَأَ بِمُقَدِّمِ رَأْسِهِ ثُمَّ ذَهَبَ بِهِمَا إِلَى قَفَاهُ، ثُمَّ رَدَّهُمَا حَتَّى رَجَعَ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي بَدَأَ مِنْهُ» «(مسح را) از جلوی سرش شروع نمود و دو دستش را به پشت سرش (تا گردن) برد. سپس آن دو را به همان جایی که از آن شروع کرده بود، برگرداند». [بخاری (۱۸۵)، مسلم (۲۳۵)].

۹ سه بار شستن اعضا (وضو):

یکبار شستن اعضای وضو واجب است. اما بار دوم و سوم، سنت است. نباید بر سه بار افزود.
دلیل آن: حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است که بخاری رحمته الله آن را روایت می‌کند: «أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله تَوَضَّأَ مَرَّةً، مَرَّةً» «پیامبر صلی الله علیه و آله یکبار یکبار وضو می‌گرفت». [بخاری (۱۵۷)].
 همچنین در بخاری از عبدالله بن زید ثابت است که: «أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله تَوَضَّأَ مَرَّتَيْنِ،

مَرَّتَيْنِ» «رسول الله ﷺ دوبار دوبار وضو می‌گرفت». [بخاری (۱۵۸)].

و در صحیحین از حدیث عثمان رضی الله عنه وارد است که: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا» «نبی اکرم ﷺ سه بار سه بار وضو گرفته‌اند». [بخاری (۱۵۹)]. به این ترتیب، تنوع بهتر است؛ گاه هر عضو وضو را یک بار و گاهی دوبار و گاهی سه بار بشوید. و گاه در عدد تغییر ایجاد می‌کردند. مثلاً صورت را یک بار می‌شست و دست‌ها را دو بار و پاها را یک بار، چنان که در صحیحین در حدیثی دیگر از عبدالله بن زید رضی الله عنه ثابت است. [زاد المعاد (۱۹۲/۱)]. اما اغلب سه بار بشوید، چرا که این روش رسول الله ﷺ است.

۱۰ دعای ثابت بعد از وضو.

عمر رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيُبَلِّغُ - أَوْ يَسْبِغُ - الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، إِلَّا فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ، يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ» «کسی از شما نیست که وضو بگیرد و وضویش را کامل - یا به نحو احسن - انجام دهد و سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ» مگر اینکه درهای هشتگانه‌ی بهشت برایش گشوده شده که از هر کدام بخواهد داخل می‌شود». [مسلم (۲۳۴)].

یا در حدیث مرفوع ابوسعید رضی الله عنه آمده است: «مَنْ تَوَضَّأَ فَفَرَّغَ مِنْ وَضُوئِهِ فَقَالَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِطَابِعٍ، ثُمَّ رُفِعَتْ تَحْتَ الْعَرْشِ فَلَمْ تُكْسَرْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» «هرکس وضو بگیرد و پس از فراغت از وضو بگوید: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ: بار الها تو پاک و منزهی و ستایش مخصوص توست، گواهی می‌دهم که معبود بر حقی جز تو نیست، از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو توبه می‌کنم؛ خداوند متعال با مهوری بر آن مهر می‌نهد، سپس به زیر عرش بالا برده می‌شود و تا روز قیامت باز نمی‌شود». [انسائی در کتاب عمل الیوم و اللیلة (ص ۱۴۷)، حاکم (۷۵۲/۱)، ابن حجر رحمته الله سند آن را صحیح می‌داند، نتائج الأفكار (۲۴۶/۱)، و می‌گوید: اگر مرفوعاً صحیح نباشد، موقوف است. و این در حدیث مشکلی ایجاد نمی‌کند چرا که در حکم مرفوع است. و این از موضوعاتی است که رأی و نظر نمی‌تواند در آن دخالت نماید].



◆ بخش دوم: نماز شب، وتر؛ و در آن چندین عمل وجود دارد که جزئی از راه و روش و سنت پیامبر ﷺ است.

◆ ۱ سنت است که نماز شب در وقت افضل آن ادا شود.

◆ و اگر گفته شود: وقت افضل آن چه موقع است؟

در جواب باید گفت: واضح است که وقت نماز وتر (قیام اللیل) بعد از نماز عشاء شروع می‌شود تا طلوع فجر. لذا وقت نماز وتر ما بین نماز عشاء و فجر می‌باشد.

حدیث عایشه رضی الله عنها که می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فِيمَا بَيْنَ أَنْ يَفْرَغَ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى الْفَجْرِ، إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يُسَلِّمُ بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ، وَيُوتِرُ بِوَاحِدَةٍ» «رسول الله ﷺ ما بین نماز عشاء تا فجر یازده رکعت می‌خواند. میان هر دو رکعت سلام

می‌داد و یک رکعت وتر می‌خواند». [بخاری (۲۰۳۱)، مسلم (۷۳۶)؛ متفق علیه]

◆ اما در مورد بهترین وقت نماز شب (باید گفت) یک سوم پایانی شب می‌باشد.

هدف: انسان باید شب را به بخش‌هایی تقسیم نماید. یک سوم نیمه‌ی دوم شب برخیزد و در آخر شب بخوابد. یعنی: در یک‌ششم چهارم و پنجم برخیزد و در یک‌ششم بخش ششم بخوابد.

به دلیل: حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ أَحَبَّ الصِّيَامِ إِلَى اللَّهِ صِيَامُ دَاوُدَ، وَأَحَبُّ الصَّلَاةِ إِلَى اللَّهِ صَلَاةُ دَاوُدَ، كَانَ يَتَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ، وَيَقُومُ ثُلُثَهُ، وَيَتَامَ سُدُسَهُ، وَكَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا» «محبوب‌ترین روزه نزد الله صلی الله علیه و آله روزه‌ی داود صلی الله علیه و آله است؛ و محبوب‌ترین نماز نزد خداوند متعال نماز داود است. نیمی از شب را می‌خوابید، یک سومش را برمی‌خاست و یک ششمش را می‌خوابید؛ و یک روز روزه می‌گرفت و یک روز (هم) می‌خورد». [بخاری (۳۴۲۰) و مسلم (۱۱۵۹)].

◆ اما اگر کسی بخواهد به این سنت عمل کند، شب را چگونه محاسبه نماید؟

شب را از غروب خورشید تا طلوع سپیده‌دم در نظر بگیرد و آن را تقسیم بر شش نماید، سه قسمت اول نیمه‌ی اول شب هستند؛ بعد از آن بلند شود، یعنی در یک‌ششم چهارم و پنجم. چرا که این وقت، یک سوم (شب) محسوب می‌شود. سپس در یک‌ششم آخر بخوابد. و این قسمت یک‌ششم ششم است. بر همین مبنا عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «مَا أَلْفَاهُ السَّحَرُ - أَي النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله - عِنْدِي إِلَّا نَائِمًا» «من همیشه رسول الله صلی الله علیه و آله را در سحر نزد خود در خواب می‌یافتم». [بخاری (۱۱۳۳)، مسلم (۷۴۲)].

و با این روش در بهترین وقت نماز شب، قرار دارد. چنان‌که در حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه که پیش‌تر بیان شد، آمده است.

◀ خلاصه‌ی کلام: **افضلیت در وقت قیام اللیل دارای سه مرتبه است:**

مرتبه‌ی اول: اینکه نیمی از شب را بخوابد، سپس در یک سوم شب برخاسته و بعد از آن یک‌ششم شب را می‌خوابد. چنان‌که توضیح آن پیش‌تر گذشت.

و دلیل آن: حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است که کمی پیش‌تر بیان شد.

مرتب‌هی دوم: اینکه در یک‌سوم آخر شب بر می‌خیزد.

دلیل آن: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، فَيَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، وَمَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ وَمَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرُ لَهُ» «هرشب هنگامی که یک‌سوم آخر شب باقی می‌ماند، پروردگاران تبارک و تعالی به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا پاسخش دهم، چه کسی از من می‌طلبد تا به او بدهم؛ و کیست که از من آمرزش بخواهد تا او را ببامرزم». [بخاری (۱۱۴۵)، مسلم (۷۵۸)] همچنین حدیث جابر رضی الله عنه که خواهد آمد.

اما اگر ترس آن داشت که مبدا آخر شب برنخیزد، ابتدای شب نماز بخواند. یا در هر بخش از شب که برایش میسر شد. و این مرتبه‌ی سوم است.

مرحله‌ی سوم: اینکه اول شب نماز بخواند. یا هر بخش از شب که برایش میسر شد..

دلیل: حدیث جابر رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ خَافَ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ وَمَنْ طَمِعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ، فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ، وَذَلِكَ أَفْضَلُ» «کسی که می‌ترسد آخر شب برنخیزد، باید اول شب وتر بخواند. و کسی که امیدوار است آخر شب بلند می‌شود، آخر شب نماز بخواند. چرا که نماز آخر شب محل حضور (فرشتگان) است و این، بهتر است». [مسلم (۷۵۵)].

همچنین وصیت رسول الله صلی الله علیه و آله به ابوذر رضی الله عنه هم بر همین حمل می‌شود که می‌گوید: «أَوْصَانِي خَلِيلِي بِثَلَاثٍ» «دوست صمیمی‌ام مرا به سه چیز وصیت نمود» و یکی از آن سه را این ذکر می‌کند که: «وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنْامَ» «قبل از اینکه بخوابم وتر بخوانم». [انسائی در سنن کبری (۲۷۱۲) و آلبانی آن‌را صحیح دانسته است. (سلسله احادیث صحیحہ ۲۱۶۶). و ابورداء (احمد ۲۷۴۸۱)، ابو داود (۱۴۳۳) و آلبانی آن‌را صحیح خوانده است. (صحیح ابو داود ۱۴۳۳)، با تصحیح آلبانی در (ابو داود ۱۷۷/۵) و ابوهریره رضی الله عنه در روایت مسلم (۷۳۷)].

۲ سنت است که با یازده رکعت شب زنده‌داری کند.

و این کامل‌تر است. بنا بر حدیث عایشه رضی الله عنها که می‌گوید: «مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ، وَلَا فِي غَيْرِهِ، عَلَيَّ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً» «رسول الله ﷺ در رمضان و غیر رمضان بر یازده رکعت نمی‌افزودند». [بخاری (۱۱۴۷) و مسلم (۷۳۸)]

و از ام‌المومنین عایشه در کتاب صحیح مسلم روایت است که رسول الله ﷺ سیزده رکعت خواندند.

و این روش‌ها از باب تنوع بوده است، ولی غالباً رسول الله ﷺ وتر را یازده رکعت می‌خواندند، و گاهی سیزده رکعت وتر می‌خوانده است. و این‌گونه میان احادیث وارده، جمع می‌نماییم.

۳ سنت است که نماز شب را با دو رکعت کوتاه آغاز نماید.

به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها که می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ لِيُصَلِّيَ، افْتَتَحَ صَلَاتَهُ بِرَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ» «وقتی رسول الله ﷺ برای نماز شب برمی‌خاست، نمازش را با دو رکعت کوتاه شروع می‌کرد». [مسلم (۷۶۷)].



۴ سنت است در نماز شب، دعاهای استفتاح وارد شده در نماز شب را بخواند. از جمله:

أ < در حدیث مسلم از عایشه رضی الله عنها وارد است که می‌گوید: وقتی (پیامبر ﷺ) برای نماز شب برمی‌خاست نمازش را با این دعا آغاز می‌نمود:

«اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تُهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» «بارالها، ای پروردگار جبرائیل و اسرافیل، آفریدگار آسمان‌ها و زمین، دانای غیب و آشکار، تو میان بندگانت در آنچه اختلاف داشتند حکم می‌کنی، با اراده‌ی خود در آنچه از حق

اختلاف شده است ما را رهنمون باش، قطعاً تو هرکس را بخواهی به راه راست راهنمایی می‌کنی». [مسلم (۷۷۰)]

ب) در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که می‌گوید: چون پیامبر صلی الله علیه و آله نماز تهجد می‌خواند، می‌فرمود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قِيَمُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، أَنْتَ الْحَقُّ، وَوَعْدُكَ الْحَقُّ، وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، وَلِقَاؤُكَ الْحَقُّ، وَالْجَنَّةُ حَقٌّ، وَالنَّارُ حَقٌّ، وَالنَّبِيُّونَ حَقٌّ، وَالسَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ، وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ، فَاعْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ، وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» «بار الها! ستایش برای توست، تو نور آسمان‌ها و زمین هستی. ستایش برای توست؛ تو برپا دارنده‌ی آسمان‌ها و زمین هستی. ستایش از آن توست؛ تو آفریدگار آسمان‌ها و زمین و هر آنچه در آن‌هاست می‌باشی. تو حقی. وعده‌ی تو حق است. سخن تو حق است. دیدار تو حق است. بهشت حق است. و جهنم حق است. پیامبران حق هستند. قیامت حق است. الهی! به تو تسلیم شدم. به تو ایمان آوردم. بر تو توکل کردم. به سویت بازگشتم. به کمک تو (با دشمنت) درگیر شدم. قضاوت را به سوی تو آوردم. برایم پیامرز آنچه را پیش فرستادم و آنچه را بعداً انجام دادم. و آنچه را پنهانی و آشکارا مرتکب شدم. تو معبود من هستی. معبود بر حقی جز تو نیست». [بخاری (۷۴۹۹) و مسلم (۷۶۸)]

۵) سنت است که قیام نماز، رکوع و سجده‌ی آن طولانی گردد. و تمام ارکان عملی نماز تقریباً به هم نزدیک باشد.

۶) سنت‌های ثابت در مورد قرائت (پیامبر صلی الله علیه و آله) را انجام دهد. از جمله:

- ا) باید ساده و روان بخواند؛ یعنی نباید با شتاب و تکلف بخواند.
- ب) آیات را با مکث کردن جدا از هم بخواند. یعنی دو یا سه آیه را به هم متصل نکند، بلکه پایان هر آیه توقف نماید.
- ج) وقتی به آیه‌ی تسبیح می‌رسد تسبیح بگوید و چون به آیه‌ی طلب و درخواست رسید، طلب نماید و چون به آیه‌ی پناه‌بردن رسید، پناه جوید.

دلیل آنچه گفته شد: حدیث حذیفه رضی الله عنه است که می‌گوید: «شبی با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزاردم، پس سوره بقره را شروع نمود. گفتم: پس از خواندن صد آیه توقف می‌کند (اما) ادامه داد؛ گفتم: بقره را در یک رکعت می‌خواند؛ (بازهم) ادامه داد. گفتم بعد از اتمامش رکوع می‌کند؛ سپس نساء را شروع کرد و آن را هم خواند؛ سپس آل عمران را شروع کرده و آن را هم خواند. روان و آهسته می‌خواند. اگر بر آیه‌ای می‌گذشت که در آن تسبیح بود، تسبیح می‌گفت و چون به آیه‌ی دعا می‌رسید، دعا می‌کرد. و اگر به آیه‌ی پناه جستن می‌رسید، پناه می‌جست. سپس رکوع کرده و می‌فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»؛ رکوعش هم همانند قرائتش بود. سپس می‌فرمود: «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»؛ سپس برخاست و تقریباً به اندازه‌ی رکوع، ایستاد. سپس سجده کرد و فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى»؛ (مدت زمان) سجده‌اش هم نزدیک به قیامش بود». [مسلم (۷۷۲)]

امام احمد رحمته الله در مسندش از ام سلمه رضی الله عنها روایت نموده که چون از ایشان در مورد قرائت رسول الله صلی الله علیه و آله سؤال شد، گفت: «قرائش را در پایان هر آیه قطع می‌کرد. (آیه آیه تلاوت می‌کرد). ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳﴾ مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ ۴﴾». [احمد (۲۶۵۸۳) و دارقطنی (۱۱۸)]. سندش صحیح است و روایانش همگی تقه (مورد اعتماد) هستند. نووی رحمته الله هم آن را صحیح می‌داند (المجموع: ۳/۳۳۳).

۷ سنت است بعد از هر دو رکعت، سلام دهد.



ابن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: مردی برخاست و گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله! نماز شب چگونه است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى، مَثْنَى، فَإِذَا خَفَتِ الصُّبْحُ فَأَوْتِرْ بِوَاحِدَةٍ» «نماز شب دو رکعت دو رکعت است. و چون ترسیدی که صبح شود، یک رکعت وتر بخوان». [بخاری (۹۹۰) و مسلم (۷۴۹)].

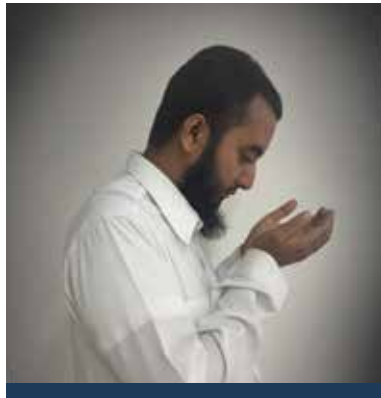
و منظور از (دو رکعت دو رکعت) یعنی: چون دو رکعت خواند، سلام دهد و چهار رکعت پشت سرهم نخواند.

۸ سنت است در سه رکعت آخر سوره‌های معینی قرائت شود:

در رکعت اول ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾، در رکعت دوم: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و در رکعت سوم: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می‌خواند.

دلیل آن: ابی بن کعب رضی الله عنه می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله با سوره‌های ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وتر می‌خواند. [ابوداود (۱۴۲۳)، نسائی (۱۷۳۳)، ابن ماجه (۱۱۷۱) و نووی آن را در (الخلاصة ۵۵۶/۱) و آلبنی در (نسائی ۲۷۳/۱) صحیح می‌داند].

۹ سنت است گهگاهی در وترش قنوت بخواند:



منظور از قنوت در اینجا، دعاست. و این عمل در رکعت سوم که سوره‌ی اخلاص را می‌خواند صورت می‌گیرد و گاهی قنوت خواندن و گاهی ترک آن در وتر، سنت است. چنانکه این امر از صحابه ثابت است. شیخ الإسلام ابن تیمیه رحمته الله این دیدگاه را برگزیده‌اند. و بهتر این است که ترک آن بیشتر باشد.

◆ سؤال: آیا در رکوع دست‌ها بلند می‌شود؟

صحیح این است که: بله دستانش را بلند می‌کند. و این دیدگاه جمهور علما می‌باشد. زیرا در روایت بیهقی از عمر رضی الله عنه به اثبات رسیده است. و بیهقی آن را صحیح دانسته است. بیهقی رحمته الله می‌گوید: تعدادی از صحابه رضی الله عنهم دستانشان را در قنوت بلند می‌کردند. [السنن الکبری (۲/۲۱۱)].

◆ سؤال: قنوت وتر با چه چیز آغاز شود؟

قول راجح این است که [و الله أعلم]: با حمد و ثنای الله تبارک و تعالی آغاز کند و سپس بر رسول الله صلی الله علیه و آله درود فرستد؛ سپس دعا کند. چرا که این روش به استجابت نزدیک‌تر است.

دلیل آن: حدیث فضالة بن عبید رضی الله عنه است که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که شخصی

در نمازش دعا کرد و بر رسول الله ﷺ درود نفرستاد؛ پیامبر ﷺ فرمود: «عَجَلَ هَذَا ثُمَّ دَعَاهُ، فَقَالَ لَهُ وَلِغَيْرِهِ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيُيَدِّدْ بِتَحْمِيدِ اللَّهِ، وَالشَّانِ عَلَيْهِ، ثُمَّ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ، ثُمَّ لِيَدْعُ بَعْدَ مَا شَاءَ» «این مرد (در نماز) شتاب کرد. سپس او را صدا کرد و خطاب به او و دیگران فرمود: هرگاه یکی از شما (قصد) نماز کرد، با حمد و ستایش الله ﷻ آغاز کند؛ سپس بر رسول الله ﷺ درود بفرستد؛ سپس هر چه خواست دعا کند». [ترمذی (۳۴۷۷) و گفته است: این حدیث حسن صحیح است]

ابن قیم رحمته می‌گوید: در دعا مستحب است که هرکس قبل از بیان خواسته‌اش، دعا را با حمد و ثنای الله ﷻ شروع کند سپس نیازش را بخواهد. چنان که در حدیث فضالة بن عبید آمد. [الوابل الصیب (ص: ۱۱۰)].

◆ سؤال: آیا بعد از دعای قنوت دست‌ها به صورت کشیده می‌شود؟

قول صحیح: این است که دست به صورت کشیدن بعد از دعا سنت نیست. چرا که در این مورد دلیل صحیحی وارد نشده است.

از امام مالک رحمته در مورد کسی که در هنگام دعا دست را به صورت می‌کشد، سؤال شد؛ پس این عمل را انکار کرد و گفت: نمی‌دانم (دلیلی ندیدم که آن سنت باشد). [کتاب الوتر، نوشته‌ی مروزی (ص ۲۳۶)].

شیخ الاسلام رحمته می‌گوید: اما در این مورد که (نمازگزار) دستانش را (در پایان دعا) به صورت بکشد، یک یا دو حدیث آمده است که با آنها حجت اقامه نمی‌شود. [الفتاوی (۵۱۹/۲۲)].

◆ ۱۰ دعا در یک‌سوم آخر شب:



از سنت‌هایی که در آخر شب بر (انجام) آن تأکید شده است، دعا می‌باشد. البته اگر در قنوت آخر شب دعا کرد، کافی است. ولی اگر دعا نکرده است، یکی از سنت‌ها این است که در این وقت دعا نماید. چرا که این وقتی است که به اجابت دعا در آن تأکید شده است. در این وقت الله ﷻ آن گونه که لایق اوست، به

آسمان دنیا فرود می‌آید. در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ، يَقُولُ: مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ، مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيَهُ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ» «پروردگاران تبارک و تعالی هر شب در یک سوم باقی مانده شب به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌فرماید: چه کسی مرا می‌خواند تا دعایش را اجابت کنم. چه کسی از من می‌طلبد تا به او بدهم. و کیست از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم». [بخاری (۱۱۴۵) و مسلم (۷۵۸)]

۱۱ سنت است بعد از سلام دادن از وتر سه بار بگوید: (سبحان الملك القدوس: پاک و منزّه است پادشاه بسیار مقدس) و در بار سوم با صدای بلندتر بگوید.

دلیل این کار: حدیث ابی بن کعب رضی الله عنه است که می‌گوید: «رسول الله صلی الله علیه و آله در وتر سوره‌های: ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می‌خواند. وقتی سلام می‌داد، می‌فرمود: «سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ»... [نسائی (۱۷۰۲)] چنان‌که پیش‌تر گذشت نووی و آلبانی رحمهما الله این حدیث را صحیح دانسته‌اند. و در حدیث عبدالرحمان بن ابزی رضی الله عنه آمده است: «وَيَرْفَعُ بِسُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ صَوْتَهُ بِالثَّلَاثَةِ» «در بار سوم که سبحان الملك القدوس می‌گوید صدایش را بلند می‌کند». [احمد (۱۵۳۵۴). نسائی (۱۷۳۴) و آلبانی در تحقیق مشکاة المصابیح (۳۹۸/۱) آن را صحیح می‌داند]

۱۲ سنت است که خانواده‌اش را برای قیام اللیل بیدار کند:

برای مرد سنت است که خانواده‌اش را برای نماز شب بیدار کند. همچنین برای زن هم سنت است که چون برای نماز شب برخاست، همسر و سایر افراد خانواده‌اش را بیدار نماید. و این کار از باب همکاری بر انجام کار خیر است.

دلیل: حدیث عایشه رضی الله عنها است که می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يُصَلِّي صَلَاتَهُ مِنْ اللَّيْلِ كُلِّهَا، وَأَنَا مُعْتَرِضَةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُوتِرَ أَتَيْتُنِي فَأَوْتَرْتُ» «پیامبر صلی الله علیه و آله تمام نمازش را در طول شب می‌خواند و من میان او و قبله دراز کشیده بودم. و وقتی می‌خواست وتر بخواند مرا بیدار می‌کرد و وتر می‌خواندم». [بخاری (۵۱۲) و مسلم (۵۱۲)]
و ام سلمه رضی الله عنها می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از خواب بیدار شده و فرمود: «سُبْحَانَ

اللَّهُ مَاذَا أَنْزَلَ مِنَ الْخَزَائِنِ، وَمَاذَا أَنْزَلَ مِنَ الْفِتَنِ، مَنْ يُوقِظُ صَوَاحِبَ الْحَجَرِ؟ - يُرِيدُ بِهِ أَرْوَاجَهُ - حَتَّى يُصَلِّيْنَ، رَبَّ كَاسِيَةٍ فِي الدُّنْيَا عَارِيَّةً فِي الْآخِرَةِ» «پاک و منزله است الله ﷺ چه گنجینه‌هایی که نازل شده است. و چه اندازه فتنه‌ها و آزمایش‌ها که نازل شده است. صاحبان حجره‌ها را چه کسی بیدار می‌کند. - منظور وی ﷺ همسرانش بود - تا نماز بخوانند. چه بسیارند آنان که در دنیا پوشیده‌اند و در آخرت عریانند». [بخاری (۶۲۱۸)]

۱۳ سنت است که شب زنده‌دار راحت‌ترین حالت را برای خود برگزیند تا بر خشوعش تأثیر نگذارد.

- بنابراین چون خسته و سست شد نشسته نماز گزارد. به دلیل حدیث انس رضی الله عنه که می‌گوید: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمَسْجِدَ، وَحَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ سَارِيَتَيْنِ فَقَالَ: «مَا هَذَا؟» قَالُوا: لِرَيْزَبَ تَصَلِّي، فَإِذَا كَسَلَتْ أَوْ فَتَرَتْ أَمْسَكَتْ بِهِ، فَقَالَ: «حُلُوهُ، لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ، فَإِذَا كَسَلَ أَوْ فَتَرَ فَلْيُقْعِدْ» «پیامبر ﷺ وارد مسجد شد و طنابی میان دو ستون بسته شده بود. فرمود: این چیست؟ گفتند: مال زینب است؛ وقتی کسل یا سست می‌شود، آن‌را می‌گیرد. فرمود: بازش کنید. هر کدام از شما باید با نشاط نماز بخواند؛ وقتی کسل و بی‌حال شد، باید که بنشیند». [بخاری (۱۱۵۰) و مسلم (۷۸۴)]

- و چون او را چُرت گرفت، بخوابد؛ تا با نشاط از خواب برخیزد و بعد از آن نماز بخواند. به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ، فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ. فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَهُوَ نَاعِسٌ؛ لَعَلَّهُ يَذْهَبُ يَسْتَغْفِرُ فَيَسُبُّ نَفْسَهُ». وقتی یکی از شما در نماز چُرت زد، باید بخوابد تا خوابش زایل شود؛ زیرا وقتی یکی از شما نماز می‌گزارد و چُرت می‌زند، چه بسا به جای استغفار علیه خود بددعایی کند. [بخاری (۲۱۲) و مسلم (۷۸۶)]

همچنین اگر به هنگام تلاوت قرآن در شب (در نماز) به او چرت یا حالتی مانند آن دست داد، سنت است که بخوابد تا نیرو بگیرد. به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ، فَاسْتَعْجَمَ الْقُرْآنُ عَلَى لِسَانِهِ، فَلَمْ يَدْرِ مَا يَقُولُ، فَلْيَضْطَجِعْ» «وقتی یکی از شما شب‌هنگام (برای نماز) برخاست و (بخاطر چُرت‌زدن و خواب‌آلودگی خواندن) قرآن بر زبانش دشوار بود و نمی‌فهمید که چه می‌گوید، باید بخوابد». [مسلم (۷۸۷)]

۱۴. سنت است هرکس نماز شب وی (وتر) فوت شد، آن را در روز به صورت تعداد رکعات زوج بخواند:

پس اگر عادت داشت سه رکعت وتر بخواند، اما به دلیل خواب ماندن یا بیماری نتوانست وتر را بخواند، در روز چهار رکعت بخواند. و اگر عادت داشت پنج رکعت بخواند و در اثر خواب ماندن یا بیماری وتر نخواند، در روز آن را شش رکعت بخواند. و به همین منوال. چرا که عملکرد پیامبر ﷺ چنین بوده است. رسول خدا عادت داشت یازده رکعت وتر بخواند؛ عایشه رضی الله عنها در مورد او رضی الله عنه می‌گفت: «وَكَانَ إِذَا غَلَبَهُ نَوْمٌ أَوْ وَجَعَ عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ صَلَّى مِنَ النَّهَارِ ثِنْتِي عَشْرَةَ رَكْعَةً» «چون خواب یا درد (بیماری) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله غلبه می‌کرد و ایشان را از خواندن وتر بازمی‌داشت، (به جای آن) در روز، دوازده رکعت می‌خواند». [مسلم (۷۴۶)]



دوم: وقت سپیده‌دم



در این مورد اعمالی وجود دارد که از راه و روش رسول الله ﷺ است:

اذان؛ و در آن چندین سنت وجود دارد:

۱ تبیّت از مؤذن:

سنت است کسی که اذان را می‌شنود، همانند آنچه مؤذن می‌گوید، بگوید. به جز در حیّ علی الصلاة و حیّ علی الفلاح. (که بعد از آن دو) بگوید: «لا حول ولا قوة إلا بالله». به دلیل حدیث عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنه که شنید رسول الله ﷺ می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ...» «وقتی (صدای) مؤذن را شنیدید، همانند آنچه می‌گوید، بگویید...». [مسلم (۳۸۴)]

و حدیث عمر بن خطاب رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. ثُمَّ قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ

اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ. قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ. قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (وقتی مؤذن گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، یکی از شما از (عمق) دلش بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، و چون مؤذن گفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، او هم بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. چون مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، او نیز بگوید: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. چون مؤذن بگوید: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، او بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. چون مؤذن بگوید: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، او بگوید: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. و چون مؤذن بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، او (هم) بگوید: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. و در پایان چون مؤذن گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، او هم بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وارد بهشت می‌شود». [مسلم (۳۸۵)]

- و هنگامی که مؤذن در اذان صبح «الصلاة خیر من النوم» می‌گوید، کسی که اذان را می‌شنود همانند مؤذن بگوید: «الصلاة خیر من النوم».

۲ گفتن این ذکر بعد از شهادتین:

سنت است بعد از اینکه مؤذن برای بار دوم گفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، کلماتی را بگوید که در حدیث سعد رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شده است و آن اینک: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، عُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ» (اگر کسی که (صدای) مؤذن را شنید بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا: گواهی می‌دهم که معبود (بر حق) جز الله یکتای بی‌شریک وجود ندارد و اینکه محمد بنده و فرستاده‌ی اوست؛ راضی شدم که پروردگارم الله باشد و محمد پیامبرم و اسلام دینم باشد، گناهایم آمرزیده می‌شود». [مسلم (۳۸۶)]

۳ درود فرستادن بر رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از اذان:

و دلیل آن حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْمُؤَذِّنَ فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ، ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا، ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ، فَإِنَّهَا مَنزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ،

وَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ، فَمَنْ سَأَلَ لِي الْوَسِيلَةَ حَلَّتْ لَهُ الشَّفَاعَةُ» «وقتی (صدای) مؤذن را شنیدید همچون کلمات مؤذن بگویید، سپس بر من درود بفرستید؛ چرا که هرکس بر من یک درود بفرستد الله ﷻ در برابر آن بر او ده رحمت می‌فرستد؛ سپس از خداوند برای من وسیله را بخواهید که آن منزلتی است در بهشت و جز برای بنده‌ای از بندگان الله سزاوار نیست. و امیدوارم آن (بنده) من باشم. و کسی که وسیله را برایم بخواهد، شفاعتم برایش حلال می‌شود». [مسلم (۳۸۴)].

و بهترین انواع درود، درود ابراهیمی است: «اللهم صلّ علی محمد وعلی آل محمد، كما صلیت علی ابراهیم...». تا آخر.

۴ دلیل دعای بعد از اذان:

به دلیل حدیث جابر رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ النِّدَاءَ: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةَ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، حَلَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «هرکس پس از شنیدن اذان این دعا را بخواند: بار الها! ای پروردگار این دعای کامل و نماز برپاداشته شده، به محمد صلی الله علیه و آله وسیله و فضیلت بده و او را مقام ستایش شده‌ای که وعده دادی عطا فرما» در روز قیامت شفاعتم برایش حلال می‌گردد». [بخاری (۶۱۴)].

۵ دعای بعد از اذان:

به دلیل حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه که شخصی گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله مؤذن‌ها از ما پیشی گرفتند (و به درجات برتری دست یافتند). رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «قُلْ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا أَنْتَهَيْتَ فَسَلْ تُعْطَهُ» «هرچه آنان می‌گویند تو نیز بگو. و چون از گفتن کلمات اذان فارغ شدی (از الله صلی الله علیه و آله) بخواه داده می‌شوی». [ابوداود (۵۲۴) و ابن حجر رضی الله عنه آنرا حسن می‌داند؛ نتایج الأفكار (۳۶۷/۱) و آلبانی در (صحیح

الکلم الطیب ص ۷۳]



و دلیل دیگر حدیث انس رضی الله عنه است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ لَا يُرَدُّ» «دعای میان اذان و اقامه رد نمی‌شود». [انسائی (۹۸۹۵) و ابن خزیمه آن را صحیح دانسته است (۴۲۵/۲۲۱/۱)]

۶ سنت صبح؛ و آن دارای چندین سنت است:

سنت صبح اولین سنت از سنت‌های روایتی است که بنده در روز انجام می‌دهد. و در آن چند سنت وجود دارد. قبل از بیان آن، باید نکاتی در خصوص سنن رواتب بیان شود. سنت راتبه عبارت است از سنت همیشگی که همراه فرایض است و دوازده رکعت می‌باشد. از ام حبیبه رضی الله عنها روایت است که شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، بُنِيَ لَهُ بِهِنَّ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ» «هرکس در هر شبانه روز دوازده رکعت نماز بخواند، در برابر آن خانه‌ای در بهشت برای او بنا می‌گردد». [مسلم (۷۲۸) و در روایت ترمذی علاوه بر این آمده است: «أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَرَكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ، وَرَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ» «چهار رکعت قبل از ظهر، دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشاء و دو رکعت قبل از نماز صبح». [ترمذی (۴۱۵) و گفته است این روایت «حَسَنٌ صَحِيحٌ» است]

بهرتر آن است که سنت‌های رواتب در خانه خوانده شوند:

از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «فَصَلُّوا أَيُّهَا النَّاسُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ أَفْضَلَ صَلَاةِ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ» «ای مردم! در خانه‌های‌تان نماز بخوانید؛ چرا که بهترین نماز شخص، در خانه‌اش می‌باشد، به جز نماز فرض». [بخاری (۷۲۹۰)، مسلم (۷۸۱)]

۷ سنت‌های رواتبی که از تاکید بیشتری برخوردارند.

از میان سنن رواتب، تاکید سنت فجر بیش از دیگر سنت‌ها می‌باشد. دلیل آن عبارت است از: **أ** حدیث عایشه رضی الله عنها که می‌گوید: «لَمْ يَكُنْ عَلَى شَيْءٍ مِنَ النَّوَافِلِ، أَشَدَّ مُعَاهَدَةً مِنْهُ، عَلَى رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الصُّبْحِ» «(رسول خدا صلی الله علیه و آله) بر هیچیک از نوافل به اندازه‌ی دو رکعت قبل از صبح، پایبند نبود». [بخاری (۱۱۹۶) و مسلم (۷۲۴)].



ب) حدیث عایشه رضی الله عنها که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «رَكَعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» «دو رکعتِ (سنت) صبح از دنیا و هر چه در آن است، بهتر است». [مسلم (۷۲۵)].

۸ ویژگی‌های سنت فجر که سبب تمایز

آن از سایر سنن می‌باشد:

نخست: چنان‌که پیش‌تر بیان شد و در

صحیحین وارد شده است، در اقامت و سفر مشروع

است. اما دیگر سنت‌های رواتب همانند: ظهر، مغرب و عشاء ترک کردن آن در مسافرت، سنت است.

دوم: ثواب آن؛ که از دنیا و آنچه در بردارد، بهتر است؛ چنان‌که پیش‌تر گذشت.

سوم: کوتاه خواندن این دو رکعت؛ دلیل آن پیش‌تر بیان شد.

و دلیل آن: حدیث عایشه رضی الله عنها است که می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُصَلِّي رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ، فَيُخَفِّفُ حَتَّىٰ إِنِّي أَقُولُ: هَلْ قَرَأَ فِيهِمَا بِأَمِّ الْقُرْآنِ أَمْ لَا؟» «رسول الله صلی الله علیه و آله دو رکعتِ (سنت) صبح را چنان کوتاه می‌خواند با خود می‌گفتم: آیا در این دو رکعت ام القرآن (سوره‌ی فاتحه) را خوانده است یا نه؟» [بخاری (۱۱۷۱) و مسلم (۷۲۴)]

لیکن کوتاه خواندن این دو رکعت مشروط به آن است که خللی در واجبات نماز وارد نشود یا منجر به تند تند خواندن آن مانند نوک زدن بر زمین نشود (کنایه از سجده‌ی سریع است). که در این صورت مرتکب عملی شده که از آن نهی شده است.

چهارم: سنت است که در رکعت اول سنتِ صبح، بعد از سوره‌ی فاتحه ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ و در رکعت دوم: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بخواند. و دلیل آن روایت مسلم از ابوهریره می‌باشد. یا بعد از فاتحه در رکعت اول ﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶] را بخواند.

و در رکعت دوم: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿۱۶﴾﴾ [آل عمران: ۶۴] را بخواند. و دلیل آن روایت مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما می‌باشد. و این از سنت‌هایی است که به صورت‌های متنوع وارد شده است؛ بنابراین یک‌بار اینگونه و بار دیگر به گونه‌ای دیگر عمل می‌کند.

پنجم: دراز کشیدن بر پهلو راست بعد از سنت صبح، سنت می‌باشد.

دلیل: حدیث عایشه رضی الله عنها است که: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا صَلَّى رَكَعَتِي الْفَجْرِ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ» «پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی دو رکعت فجر (سنت صبح) را می‌خواند، بر پهلو راست دراز می‌کشید». [بخاری (۱۱۶۰) و مسلم (۷۳۶)].

رفتن به مسجد؛ در آن چندین سنت وجود دارد:

از آنجا که نماز صبح اولین نماز روز است که انسان برای ادای آن به مسجد می‌رود، لذا برای حضور در مسجد سنت‌هایی می‌باشد:

۱ زود رفتن به مسجد.

دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهَجِيرِ لَأَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ» «اگر می‌دانستند در زود رفتن (به نماز) چه (اجری) وجود دارد، به سوی آن (از یکدیگر) سبقت می‌گرفتند». [بخاری (۶۱۵) و مسلم (۴۳۷)] تهجیر یعنی زود رفتن به نماز.

۲ با وضو از خانه خارج شود تا اجر گام‌هایش ثبت شود.

دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَزِيدُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ، وَصَلَاتِهِ فِي سُوقِهِ، بَضْعًا



وَعِشْرِينَ دَرَجَةً، وَذَلِكَ أَنَّ أَحَدَهُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْمَسْجِدَ، لَا يَنْهَازُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ، لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ، فَلَمْ يَخْطُ خَطْوَةً إِلَّا أَرْفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، وَحُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ، فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتِ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْسِبُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ، يَقُولُونَ: اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ، مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ، مَا لَمْ يُحَدِّثْ فِيهِ» (نمازی که شخص با جماعت ادا می‌کند بر نمازی که در خانه و یا بازار می‌خواند، بیست و اندی درجه برتری دارد. بخاطر اینکه اگر شخص، خوب وضو بگیرد سپس، به مسجد برود و هیچگونه انگیزه و هدفی جز نماز نداشته باشد، با هر گامی که بر می‌دارد، یک درجه به درجانش، افزوده می‌شود و یک گناه از گناهانش، کم می‌گردد تا اینکه وارد مسجد شود. پس از ورود به مسجد تا زمانی که بخاطر نماز آنجا نشسته باشد، فرشتگان برایش دعا می‌کنند و می‌گویند: خدایا! به او رحم کن، خدایا! او را بیامرز، خدایا! توبه‌اش را بپذیر...» [مسلم (۶۴۹)]

۳ با آرامش و وقار برای نماز در مسجد خارج شود..

دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْإِقَامَةَ فَأَمَشُوا إِلَى الصَّلَاةِ، وَعَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ، وَلَا تُسْرِعُوا فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمْ فَأْتُمُوا» «وقتی اقامه را شنیدید به سوی نماز (آهسته) گام بردارید. و باید آرام و باوقار باشید. شتاب نکنید؛ آنچه از نماز (همراه امام) دریافتید (با او) بخوانید و رکعاتی را که از خواندن به همراه امام) از دست دادید، کامل کنید». [بخاری (۶۳۶) و مسلم (۶۰۲)]

نووی رحمته الله می‌گوید: ... السکینه یعنی آرامش در حرکات و اجتناب از بیهوده؛ و وقار در هیئت و رفتار همانند کنترل چشم و آهسته سخن گفتن و عدم توجه به این سو و آن سو. شرح نووی بر مسلم (۶۰۲). باب استحباب إتيان الصلاة بوقار، وسكينة، والنهي عن إتيانها سعيًا.

۴ وارد شدن به مسجد با پای راست و خارج شدن از آن با پای چپ.

دلیل آن حدیث انس رضی الله عنه است که می‌گوید: «مِنَ السُّنَّةِ إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى، وَإِذَا خَرَجْتَ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْبُسْرَى» «سنت است وقتی وارد مسجد شدی با پای راست وارد شوی و چون خارج شدی، با پای چپت خارج شوی». [حاکم آن‌را

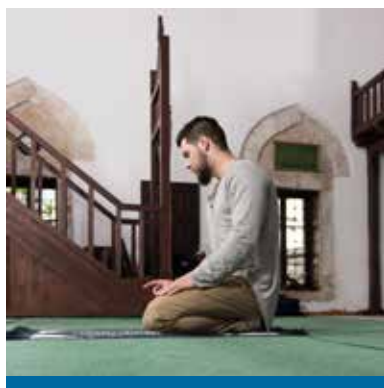
روایت کرده و با شرط مسلم آن‌را صحیح دانسته است (۳۳۸/۱)]

۵ هنگام ورود و خروج از مسجد دعای موردنظر را بخواند.



از ابی حمید یا ابی أسید رضی الله عنهما روایت است که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ، فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَإِذَا خَرَجَ، فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ» «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، باید بگوید: «بار الهی! درهای رحمت را به سویم بگشای» و چون خارج شد، باید بگوید: «الهی! فضلّت را خواهانم»». [مسلم (۷۱۳)]

۶ خواندن دو رکعت تحية المسجد.



و این زمانی است که زودتر از اقامه نماز جماعت در مسجد حاضر شود؛ در این صورت سنت است که ننشیند تا اینکه دو رکعت نماز بخواند. و دلیل آن روایت ابوقتاده رضی الله عنه است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ» «هرگاه یکی از شما وارد مسجد شد، ننشیند تا دو رکعت نماز بخواند». [بخاری (۱۱۶۳) و مسلم (۷۱۴)]

و اگر قبل از نماز فرضی چون نماز صبح و ظهر، سنت قبلی وجود داشت، خواندن این سنت‌ها، نماز تحية المسجد را کفایت می‌کند. و دو رکعت ضحی یا چاشت، چون وقت ضحی وارد مسجد شد چنین است؛ زیرا هدف از تحية المسجد، این است که در مسجد ننشیند تا اینکه نماز بخواند. چراکه در این عمل، آبادانی مساجد نهفته است. تا مبدا بدون نماز وارد آن شود.

۷ سنت است که مردان به سوی صف اول مبادرت ورزند؛ چرا که صف

اول، بهترین صف‌ها است. اما برای خانم‌ها بهترین صف، صف آخر است.

به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خَيْرُ صُفُوفِ الرَّجَالِ أَوْلَاهَا، وَشَرُّهَا آخِرُهَا، وَخَيْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا، وَشَرُّهَا أَوْلَاهَا» «بهترین صف مردان (صف) اول است و

بدترین آن، آخرین صف است. و بهترین صف زن‌ها، آخرین صف (از صفوف زنان) و بدترین صف، صف اول (از صفوف زنان) است. [مسلم (۴۴۰)]. بهترین آن یعنی صفی که بیشترین ثواب و فضیلت را دارد. و بدترین آن یعنی صفی که کم‌ترین ثواب و فضیلت را دارد.

و این حدیث در صورتی است که مردان و زنان باهم به جماعت نماز بخوانند. و در میان آنان مانعی از قبیل دیوار و یا چیزی دیگر موجود نباشد. در این صورت بهترین صف خانم‌ها آخرین صف آنها می‌باشد. زیرا این حالت آنان را از چشم مردان بهتر محفوظ می‌دارد. اما اگر میان‌شان مانعی همانند دیوار یا غیره وجود داشت، یا همانند امروز که برای خانم‌ها محلّ مستقّلی برای نماز در نظر گرفته‌اند، بهترین صف برای خانم‌ها صف اول است. زیرا در این حالت علت که نزدیک بودن به مردها می‌باشد، منتفی است. زیرا حکم بسته به وجود علت است. چه علت موجود باشد یا نباشد. و عموم احادیث وارده در فضیلت صف اول بیانگر این دیدگاه می‌باشد. از قبیل:

حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ، ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهْمُوا، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهَجِيرِ لَأَسْتَبِقُوا إِلَيْهِ، وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ - أَيْ الْعِشَاءِ - وَالصُّبْحِ، لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا» «اگر مردم می‌دانستند در اذان و صف اول چه (اجر و پاداشی) نهفته است، سپس راهی جز قرعه‌کشی برای آن نمی‌یافتند، (حتما) قرعه‌کشی می‌کردند. و اگر می‌دانستند در زود رفتن به (نماز) چه (پاداشی) نهفته است، به سوی آن سبقت می‌گرفتند. و اگر می‌دانستند در نماز عشاء و صبح چه (ثوابی) نهفته است، در آن دو حضور می‌یافتند حتی شده خزیده خزیده». [بخاری (۶۱۵) و مسلم (۴۳۷)].

۱. سنت است که مقتدی نزدیک به امام بایستد.

چنانکه پیش‌تر گذشت بهترین صفوف برای مقتدی صف اول است. سپس بکوشد که نزدیک امام بایستد. و افضل آن است که از دو سمت راست و چپ به امام نزدیک باشد.

دلیل آن: حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لِيلِنِي مِنْكُمْ أَوْلُو الْأَحْلَامِ وَالنَّهْيِ» «باید که افراد عالم و خردمند شما، به من نزدیک شوند». [ابوداود (۶۷۴)، ترمذی (۲۲۸)]. کلمه‌ی «لِيلِنِي» یعنی به من نزدیک شوند. از این مطلب فهمیده می‌شود که نزدیک بودن به امام از هر طرف که باشد، مورد نظر است.

سنت‌هایی در نماز



◆ سهل انگاری در نماز را به جماعت در مسجد خواندن، باعث از دست دادن فضیلت‌های زیادی می‌شود. حتی قدم‌هایت به سمت مسجد، باعث رفع درجات در نزد الله می‌شود و باعث محو شدن گناهان می‌گردد.

نماز دارای سنت‌های فراوانی است؛ از جمله آنچه در زیر بیان می‌داریم:

﴿ ا ﴾ ستره (قرار دادن مانعی میان نمازگزار و عابر) و در این مورد سنت است که:

۱ (برای نماز) ستره قرار داده شود.

ستره برای امام و کسی که به تنهایی نماز می‌خواند سنت است. اما ستره‌ی امام برای مقتدی هم کفایت می‌کند. لذا قرار دادن ستره سنت است.

به دلیل حدیث مرفوع ابو سعید خدری رضی الله عنه که در آن آمده است: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى شَيْءٍ يَسْتُرُهُ مِنَ النَّاسِ...» «هرگاه، یکی از شما، چیزی را بین خود و مردم، ستره قرار داد...». [بخاری (۵۰۹)، مسلم (۵۰۵)]. احادیث در مورد سنت بودن ستره فراوانند. پیامبر صلی الله علیه و آله تخت‌خواب، دیوار، تنه‌ی درخت خرما، چوب، نیزه، عصا، سواری و غیره را ستره قرار دادند.

ستره در ساختمان و محیط باز و در اقامت و سفر سنت است. فرقی ندارد که ترس آن باشد که کسی بگذرد یا نه. چرا که احادیث میان ساختمان و محیط باز فرق قایل نیست. و به این دلیل که رسول الله ﷺ در حالت اقامت و سفر ستره قرار می‌دادند. چنان که در حدیث ابوجحیفه رضی الله عنه آمده است. [بخاری (۵۰۱)، مسلم (۵۰۳)].

۲ نزدیک شدن به ستره سنت است.



و چون به ستره نزدیک شد، سنت است که میان ستره و سجده‌گاهش به اندازه‌ی عبور یک گوسفند فاصله باشد.

به دلیل حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه که می‌گوید: «كَانَ بَيْنَ مُصَلِّي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبَيْنَ

الْحِدَارِ مَمَرٌ الشَّاةِ» «میان محل نماز رسول الله ﷺ و دیوار، به اندازه‌ی عبور یک گوسفند (فاصله) بود». [بخاری (۴۹۶) و مسلم (۵۰۸)]. منظور از محل نماز، سجده‌گاه رسول الله ﷺ می‌باشد. و در مسند امام احمد و سنن ابوداود آمده است که «فاصله میان نمازگزار و ستره سه ذراع می‌باشد». [احمد (۶۲۳۱)، ابوداود (۲۰۲۴)؛ آلبنی در صحیح ابوداود (۲۶۳/۶) آن را صحیح می‌داند. اصل این روایت در بخاری (۵۰۶) آمده است]. و این زمانی است که چون شخص بایستد میان‌شان این فاصله خواهد بود.

۳ عبور از (پشت ستره) از جلوی نمازگزار سنت است.



به دلیل حدیث ابوسعید رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا صَلَّي أَحَدُكُمْ إِلَى شَيْءٍ يَسْتُرُهُ مِنَ النَّاسِ، فَأَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلْيُدْفَعْ فِي نَحْرِهِ، فَإِنَّ أَبِي فَلْيُقَاتِلْهُ، فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ» «هرگاه یکی از شما به سوی چیزی نماز گزارد که آنرا ستره‌ای میان خود و مردم قرار داده بود و در این حالت کسی خواست از جلوی او عبور نماید، باید

مانع وی شود؛ و اگر باز نیامد با او درگیر شود چرا که او شیطان است». [مسلم (۵۰۵)]
 - اما اگر کسی که از جلوی نمازگزار عبور می‌کند زن یا سگ سیاه یا الاغ بود، بنا بر قول صحیح باید مانع وی شود. چرا که این سه بر خلاف چیزهای دیگر باعث قطع نماز می‌شوند. چنان‌که در حدیث ابوذر رضی الله عنه آمده است. [مسلم (۵۱۰)]. و این دیدگاه استاد ما ابن عثیمین می‌باشد.

۴ مسواک زدن هنگام هر نماز سنت است.



و این سومین حالتی است که به مسواک زدن در آن تاکید شده است.

دلیل: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَوْلَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي أَوْ عَلَى النَّاسِ لَأَمَرْتُهُمْ بِالسَّوَاكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ» «اگر بر امتم یا بر مردم دشوار نمی‌شد، حتماً دستور می‌دادم در هنگام هر نماز مسواک بزنند».

ب) هنگام بلند شدن، موارد زیر سنت است:

۱ رفع الیدین (بلند کردن دست‌ها) هنگام تکبیر تحریمه.



به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که چون رسول الله صلی الله علیه و آله نماز را آغاز می‌کرد دستانش را تا برابر شانه‌هایش بالا می‌برد و نیز به هنگام تکبیر برای رکوع و هنگام برخاستن از رکوع دست‌ها را تا شانه‌ها بلند می‌نمود و می‌فرمود:
 سمع الله لمن حمده ربنا ولك الحمد. و در سجده این کار را نمی‌کرد. [بخاری (۷۳۵) و مسلم (۳۹۰)].

ابن هبیره رضی الله عنه می‌گوید: (علما) اتفاق نظر دارند که رفع الیدین هنگام تکبیر تحریمه سنت است و واجب نیست. [الإفصاح (۱۲۳/۱)].

و این نخستین جایی است که در هنگام تکبیر، رفع الیدین صورت می‌گیرد و مورد اتفاق علماست، بقیه رفع الیدین‌ها مورد اختلاف علما است.

در چهار مورد برای بلند نمودن دست‌ها نصّ وارد شده است:

بلند شدن از رکوع

هنگام رکوع

هنگام تکبیر تحریمه

که این سه مورد چنان‌که پیش‌تر گفتیم از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما در صحیحین ثابت است:

هنگام برخاستن از تشهد اول

این مورد هم از روایت ابن عمر رضی الله عنهما در بخاری ثابت است.

۲ سنت است که در هنگام رفع الیدین انگشتان راست و کشیده باشد.

بنا بر حدیث ابوهریره رضی الله عنه که می‌گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ رَفَعَ يَدَيْهِ مَدًّا» «رسول الله ﷺ هنگامی که برای نماز برمی‌خاست، دستانش را می‌کشید». [احمد (۸۸۷۵)، ابوداود (۷۵۳)، ترمذی (۲۴۰) و آلبنی هم (در ابوداود ۳/۳۴۱) آن‌را صحیح می‌دانند].

۳ سنت است، دست‌ها تا محلّ سنت، بلند شود.

نصوص وارده از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد رفع الیدین به دو گونه آمده است. از ابن عمر رضی الله عنهما در صحیحین تا برابر شانه‌ها وارد شده است. [بخاری (۷۳۵) و مسلم (۳۹۰)]. و در مسلم از حدیث مالک بن حویرث رضی الله عنه بلند کردن دست‌ها تا برابر نرمی گوش‌ها آمده است. [مسلم (۳۹۱)]. لذا نمازگزار متنوع عمل نماید. گاه این گونه و گاه به گونه‌ی دیگر.



۴ برای نمازگزار سنت است که بعد از تکبیر تحریمه دستِ راست را بر دست چپ بگذارد.

اهل علم در این مورد اجماع دارند. چنان‌که ابن هبیره رحمته نقل نموده است. [الإفصاح (۱/۱۲۴)].

۵ سنت است که با دست راست دست چپ را بگیرد.

روش اول: دست راست را بر دست چپ نهد. بنا بر حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه که می‌گوید: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ قَائِمًا فِي الصَّلَاةِ، قَبَضَ بِيَمِينِهِ عَلَى شِمَالِهِ» «پیامبر ﷺ را دیدم که وقتی در نماز ایستاده بود، با دست راستش دست چپش را می‌گرفت». [ابوداود (۷۵۵)، نسائی (۸۸۸) با تصحیح آل‌بانی رحمته].

روش دوم: اینکه دست راستش را بر ساعد دست چپ قرار دهد. به دلیل حدیث سهل بن سعد رضی الله عنه که می‌گوید: «كَانَ النَّاسُ يُؤْمَرُونَ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ الْيَدَ الْيُمْنَى، عَلَى ذِرَاعِهِ الْيُسْرَى فِي الصَّلَاةِ» «مردم امر می‌شدند که در نماز، دست راست را بر ساعد دست چپ قرار دهند». [بخاری (۷۴۰)] پس گاهی دست راست را بر مچ دست چپ و گاهی بر ساعد دست چپ بگذارد. تا به هر دو صورت وارد شده در سنت عمل کرده باشد.



۶ سنت است که دعای استفتاح (شروع نماز) را بخواند.

دعای استفتاح با چندین لفظ وارد شده است. مستحب است هر بار لفظی خوانده شود. از جمله:

أ < سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ «پاک و

منزهی ای معبود من و تو را می‌ستایم؛ نامت مبارک است و مقامت والاست و جز تو معبودی (برحق) نیست». [احمد (۱۱۷۳)، ابوداود (۷۷۶)، ترمذی (۲۴۳)، نسائی (۹۰۰) از حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه اهل علم در مورد سند این حدیث اختلاف نظر دارند اما با سندهای مختلفی وارد شده که باعث تقویت آن می‌شود. ابن حجر آن را در نتائج الأفكار (۴۱۲/۱) حَسَن می‌داند].

ب < الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ «تمام ستایش‌ها مخصوص الله [متعال]

است. ستایشی فراوان، پاک و مالا مال از برکت. در فضیلت این دعا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: دوازده فرشته را دیدم که در رساندن آن به (عالم) بالا از هم سبقت می‌گرفتند». [مسلم (۶۰۰)] از حدیث انس رضی الله عنه.

ج < «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي

مِنْ خَطَايَايَ كَمَا يُنْقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْنِي مِنْ خَطَايَايَ بِالثَّلْجِ وَالْمَاءِ وَالْبَرْدِ» «بار الها! میان من و لغزش‌هایم فاصله بینداز چنان‌که میان مشرق و مغرب فاصله انداختی. الهی! مرا از خطاهایم پاک نما چنان‌که لباس سفید را از چرک پاک می‌نمایی. ای معبود! مرا از خطاهایم با برف و آب

و تگرگ بشوی). [بخاری (۷۴۴) مسلم (۵۹۸)] از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.
د **اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا** «الله بیش از حد بزرگ است. ستایش فراوان برای الله است و در صبح و شام الله [متعال] پاک و منزّه است». رسول الله صلی الله علیه و آله در فضیلت این دعا می‌فرماید: «از آن شگفت‌زده شدم؛ درهای آسمان برایش گشوده شد». [مسلم (۶۰۱) از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما].

۷ پناه جستن (گفتن **أعوذ بالله من الشيطان الرجيم**).

پناه جستن سنت است. و سنت است الفاظ آن متنوع و مطابق با سنت گفته شود و هر بار یکی از آنها در نماز گفته شود:

أ **أعوذ بالله من الشيطان الرجيم**: از شیطان رانده شده، به الله پناه می‌جویم.
 این همان الفاظی است که جمهور علما - رحمهم الله - آن را برگزیده‌اند. چراکه الله متعال می‌فرماید: **﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾** [النحل: ۹۸] «پس هنگامی که قرآن می‌خوانی، از (شر) شیطان رانده شده به الله پناه ببر».

ب **أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم**: پناه می‌برم به الله شنوای دانا از شیطان رانده شده و دلیل آن: **﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾** [فصلت: ۳۶] «و هرگاه وسوسه (باز دارنده) از سوی شیطان تو را بازگرداند، پس به الله پناه ببر، یقیناً اوست که شنوای داناست».

۸ **بسم الله الرحمن الرحيم** گفتن.

سنت است که بعد از اعوذ بالله، بسم الله الرحمن الرحيم بگوید. به دلیل حدیث نعیم بن مجمر رضی الله عنه که می‌گوید: «صَلَّيْتُ وَرَاءَ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه فَقَرَأَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ثُمَّ قَرَأَ بِأَمِّ الْقُرْآنِ...»، و فيه: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنِّي لَأُشْبَهُكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» «پشت سر ابوهریره رضی الله عنه نماز خواندم. پس بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خواند و سپس سوره‌ی فاتحه را تلاوت کرد...». و در این حدیث آمده (که ابوهریره می‌گوید): «سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست نماز من از همه بیشتر به نماز رسول الله شباهت دارد».

[نسائی (۹۰۶)، ابن خزیمه (۲۵۱/۱) و آنرا صحیح می‌داند. دار قطنی می‌گوید: این حدیث صحیح است. تمام روایانش ثقه (مورد اعتماد) هستند. السنن (۴۶/۲)]

اما خواندن آن به این دلیل واجب نیست که رسول الله ﷺ آن را به مسیء الصلاة (صحابه‌ای که نمازش را به درستی نمی‌خواند)، آموزش نداد. بلکه او را به (خواندن) سوره فاتحه رهنمون کرد. چنان‌که در حدیث متفق علیه ابوهیریه آمده است. [بخاری (۷۵۷) و مسلم (۳۹۷)].

۹ آمین گفتن با امام.

چون امام با صدای بلند سوره‌ی فاتحه را خواند، سنت است که وقتی امام آمین گفت مقتدی به همراه وی آمین بگوید. و دلیل آن حدیث ابوهیریه ﷺ است که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا أَمَّنَ الْإِمَامُ فَأَمَّنُوا، فَإِنَّهُ مِنْ وَافِقٍ تَأْمِينُهُ تَأْمِينُ الْمَلَائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (وقتی امام آمین گفت، آمین بگویید؛ چرا که هرکس آمینش با آمین فرشتگان همراه شود، گناهی که پیش‌تر مرتکب شده آمرزیده می‌شود). [بخاری (۷۸۰) و مسلم (۴۱۰)].

۱۰ قرائت سوره بعد از فاتحه.

بنا بر حدیث ابوقتاده و اتفاق تمام علما، سنت است که در رکعت اول و دوم سوره تلاوت شود. چرا که: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُورَتَيْنِ يُطَوَّلُ فِي الْأُولَى وَيُقْصَرُ فِي الثَّانِيَةِ» (پیامبر ﷺ در دو رکعت اول نماز ظهر، سوره‌ی حمد را به همراه دو سوره می‌خواند؛ سوره‌ای که در رکعت اول می‌خواند طولانی‌تر از سوره‌ای بود که در رکعت دوم می‌خواند). [بخاری (۷۵۹) و مسلم (۴۵۱)].

و در نماز جهری مقتدی سوره‌ی بعد از فاتحه را نمی‌خواند؛ بلکه به تلاوت امام گوش می‌دهد.

ابن قدامه رحمته می‌گوید: در سنت بودن قرائت سوره‌ای بعد از فاتحه در دو رکعت اول هر نماز، اختلافی در میان اهل علم سراغ ندارم. [المغنی (۵۶۸/۱)].

﴿ج﴾ سنت‌هایی در حین رکوع:

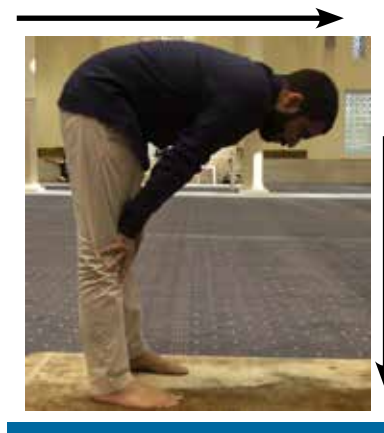
۱ سنت است دست‌ها بر زانوها قرار گیرد. چنانکه دو زانو را بگیرد و انگشتان باز باشد.



دلیل آن حدیث ابوحمید ساعدی رضی الله عنه است که می‌گوید: «أَنَا كُنْتُ أَحْفَظُكُمْ لِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ يَدَيْهِ حِذَاءَ مَنْكِبَيْهِ، وَإِذَا رَكَعَ أَمَكَّنَ يَدَيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ هَصَرَ ظَهْرَهُ...» «من از همه‌ی شما شیوه‌ی نماز خواندن پیامبر ﷺ را بهتر می‌دانم. ایشان را دیدم وقتی تکبیر می‌گفت، دستانش را تا برابر شانته‌هایش بلند می‌کرد؛ وقتی رکوع می‌نمود

دست‌ها را محکم بر زانوها قرار می‌داد و کمرش را راست می‌نمود...». [بخاری (۸۲۸)] و در حدیث ابومسعود رضی الله عنه آمده است: «وَفَرَّجَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ مِنْ وَرَاءِ رُكْبَتَيْهِ...» «روی زانوها میان انگشتان را باز می‌نمود...». [احمد (۱۷۰۸۱)؛ ابوداود (۸۶۳)؛ نسائی (۱۰۳۸) با سند حسن. در کتاب ابن خزیمه (۵۹۴) از وائل بن حجر س شاهدهی برای این روایت وارد شده است]

۲ سنت است که نمازگزار در رکوع کمرش را صاف (موازی) نماید.



به دلیل حدیث ابوحمید ساعدی رضی الله عنه که «وَإِذَا رَكَعَ أَمَكَّنَ يَدَيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ هَصَرَ ظَهْرَهُ...» «وقتی رسول الله ﷺ رکوع می‌کرد زانوها را با کف دست‌هایش محکم می‌گرفت، سپس کمرش را هموار و صاف می‌نمود (کمرش را طوری خم می‌کرد که سر و کمرش در راستای هم قرار می‌گرفت)...». [بخاری (۸۲۸)]. همچنین سنت است که سر نمازگزار مساوی (با کمرش) باشد نه

بالتر و نه پایین‌تر. به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها در صحیح مسلم که در این حدیث روش

سنت‌هایی که زمانی مشفص دارند

رکوع پیامبر ﷺ را توضیح داده و می‌گوید: «وَكَانَ إِذَا رَكَعَ لَمْ يُشْخِصْ رَأْسَهُ وَلَمْ يُصَوِّبَهُ، وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ» «وقتی رکوع می‌نمود سرش را بالا نگه نمی‌داشت و پایین هم نمی‌آورد؛ بلکه میان این دو حالت بود». [مسلم (۴۹۸)]

و «يُشْخِصُ» با ضمه‌ی یاء و سکونِ شین، یعنی بلند نمی‌نمود. «وَلَمْ يُصَوِّبَهُ» با ضمه‌ی یاء و فتحِ صاد، یعنی زیاد پایین نمی‌آورد.

۳ برای نمازگزار سنت است که در رکوع آرنج‌ها را از پهلوهایش دور نگه دارد.



به دلیل حدیث ابومسعود رضی الله عنه که گذشت. و در آن آمده است: «ثُمَّ رَكَعَ وَجَافَى يَدَيْهِ وَوَضَعَ يَدَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَفَرَجَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ...» وقال: هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي «سپس رکوع نمود و دست‌ها را (پهلوها) دور نگه داشت و دست‌ها را بر زانوها قرار داد و میان انگشتان را باز نمود... وی می‌گوید: پیامبر ﷺ را دیدم که این‌گونه نماز می‌خواند». [احمد (۱۷۰۸۱)، ابوداود (۸۶۳)، نسائی (۱۰۳۸)]

مجافاة یعنی دور نمودن. البته این مشروط به حالتی است که شخص کنار وی اذیت نشود. چرا که شایسته نیست نمازگزار به سنتی عمل کند که باعث اذیت شدن دیگر نمازگزاران شود.

نووی رحمته الله در مورد دور نگه داشتن دست‌ها می‌گوید: «در مورد مستحب بودن این عمل در میان اهل علم اختلافی را سراغ ندارم. ترمذی به صورت مطلق مستحب بودن این عمل را در حالت رکوع و سجود از علما نقل می‌کند». [المجموع (۴۱۰/۳)].

۴ سنت است که اذکار وارده در رکوع را بخواند.

سنت است که در رکوع علاوه بر (سبحان ربی العظیم) نیز اذکار دیگری که در رکوع ثابت

است بخواند. از جمله:

ا < «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» «پاک و منزّهی ای معبود (ای)

پروردگار ما! الهی! مرا ببامرز». [بخاری (۷۹۴) و مسلم (۴۸۴) از حدیث عایشه رضی الله عنها].

ب < «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ» «بسیار پاک و منزّه است پروردگار

فرشتگان و جبرئیل». [مسلم (۴۸۷) از حدیث عایشه رضی الله عنها].

ج < «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسَلْتُ، خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي، وَبَصْرِي،

وَمُخِّي، وَعَظْمِي، وَعَصَبِي» «بار الها برای تو رکوع نمودم، به تو ایمان آوردم، تسلیم

تو شدم (اسلام آوردم). شنوایی‌ام، بینایی‌ام، مغزم، استخوانم و رگهای وجودم برای تو

کرنش می‌نماید». [مسلم (۷۷۱) از حدیث علی رضی الله عنه].

د < «سُبْحَانَ ذِي الْجَبَرُوتِ وَالْمَلَكُوتِ وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ» «پاک است پروردگاری

که مالک قدرت، فرمانروایی، بزرگی و عظمت است». [احمد (۲۳۴۱۱)، ابوداود

(۸۷۳)، نسائی (۱۰۵۰) از حدیث عوف بن مالک رضی الله عنه و آلبانی رحمته الله آن را در (صحیح ابی داود

(۲۷/۴) صحیح می‌داند].

< د > سنت‌هایی در بلند شدن از رکوع:

۱ طولانی کردن این رکن.



به دلیل حدیث ثابت بنانی از انس رضی الله عنه که

می‌گوید: «إِنِّي لَا أَلُو أَنْ أَصَلِّيَ بِكُمْ كَمَا رَأَيْتُ

رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي بِنَا، قَالَ: فَكَانَ أَنَسُ يَصْنَعُ شَيْئًا

لَا أَرَاكُمْ تَصْنَعُونَهُ، كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ

انْتَصَبَ قَائِمًا، حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ: قَدْ نَسِيَ، وَإِذَا

رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ مَكَثَ حَتَّى يَقُولَ الْقَائِلُ: قَدْ

نَسِيَ» «من از اینکه برای شما نمازی بخوانم چون

نماز رسول الله که همراه ما می‌خواند، کوتاهی نمی‌کنم. راوی می‌گوید: انس عملی را

انجام می‌داد که نمی‌بینم شما آن را انجام دهید. وقتی سرش را از رکوع بلند می‌کرد،

راست می‌ایستاد چنانکه مقتدی (با خود) می‌گفت: (گویا) فراموش کرده است (به سجده

برود). و وقتی سرش را از سجده بلند می‌کرد چنان درنگ می‌کرد که گمان می‌رفت فراموش کرده است». [بخاری (۸۲۱) و مسلم (۴۷۲)].

۲ تنوع در الفاظ (رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ):

أ < «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» «بار الها ای پروردگار ما! تمام ستایش‌ها از آن توست».

[بخاری (۷۹۵) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه].

ب < «اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». [بخاری (۷۹۶)؛ مسلم (۴۰۴) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه].

ج < «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». [بخاری (۷۹۹) و مسلم (۴۱۱) از حدیث عایشه رضی الله عنها].

د < «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». [بخاری (۷۲۲) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه].

بنابراین هر بار یکی از این صیغه‌ها را بخواند.

۳ سنت است بعد از بلند شدن از رکوع اذکار وارد شده در این حالت را بخواند.

اذکاری که خواندن آنها پس از برخاستن از رکوع مشروع شده است:

أ < «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، مِلْءُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَمِْلْءُ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ، أَهْلُ السَّمَاءِ وَالْمَجْدِ، أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ، وَكُنَّا لَكَ عَبْدُ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيٍّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ» «(ای) پروردگار ما! (همه

انواع) ستایش برای توست؛ به پُری آسمان‌ها و زمین؛ و به پُری هر چیزی تو خواهی؛ (ای) سزاوار ستایش و شکوه، شایسته‌تری از آنچه بنده می‌گوید؛ همه‌ی ما بنده توایم؛ بار الها! برای آنچه تو بدهی، مانعی نیست؛ و از آنچه منع کنی، کسی را یارای دادن آن نیست. و مال و دارایی سودی ندارد، هر نفعی از هستی (از فضل و لطف) توست». [مسلم (۴۷۷)، این روایت را مسلم از ابوسعید رضی الله عنه روایت نموده است]

ب < «الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ» «مجموع ستایش، مخصوصِ الله تعالی

است؛ ستایش فراوان، پاک و لبریز از برکت». پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد این لفظ می‌گوید: «لَقَدْ رَأَيْتُ اِثْنَيْ عَشَرَ مَلَكًا يَتَدَرُّونَهَا، اَبْهُمُ يَرْفَعُهَا» «دوازده فرشته

را دیدم که در رساندن آن به (عالم) بالا از هم سبقت می‌گرفتند». [مسلم (۶۰۰) و بخاری (۷۹۹)].

ج ﴿اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي بِالثلْجِ وَالْبَرْدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا كَمَا يُنْقَى الثُّوبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْوَسَخِ﴾ «بار الها! مرا با برف و تگرگ و آب سرد پاک گردان. الهی! مرا از گناهان و لغزش‌هایم پاک نما چنانکه لباس سفید از چرک و پلیدی پاک و درخشان می‌شود». [مسلم (۴۷۶)].

و وقتی نمازگزار این اذکار را بخواند، می‌تواند این رکن را طولانی نماید.

﴿ه﴾ سنت‌هایی در سجده:

۱ برای سجده‌گزار سنت است که دو بازویش را از پهلویش دور نگه دارد و شکمش را از رانش.



به دلیل حدیث عبدالله بن بُحَیْنَه رضی الله عنه که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا صَلَّى فَرَجَ بَيْنَ يَدَيْهِ، حَتَّى يُبَدُو بِيَاضِ إِبْطَيْهِ» «وقتی رسول الله ﷺ نماز می‌خواند، میان دستانش (زیر بغل) باز بود تا آنجا که سفیدی زیر دو بغل ایشان نمایان می‌شد». [بخاری (۳۹۰) و مسلم

(۴۹۵)؛ و حدیث میمونَه رضی الله عنها که می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا سَجَدَ، لَوْ شَاءَتْ بِهِمَّةٌ، أَنْ تَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ لَمَرَّتْ» «پیامبر ﷺ وقتی سجده می‌کرد، (چنان دست‌هایش را از هم باز می‌کرد که) اگر بره‌ای می‌خواست می‌توانست از بین دست‌هایش عبور کند». [مسلم (۴۹۶)]، و این روایت بیانگر مبالغه در بازکردن دست‌ها می‌باشد. لذا سنت است نمازگزار دستانش را به اندازه‌ای باز نماید که مزاحم اطرافیان نشود. چنان‌که پیش‌تر در بحث دور نمودن دست‌ها از پهلوها در رکوع بیان شد.

همچنین سنت این است که نمازگزار در سجده ران‌هایش را از هم دور نموده و آنها را جمع نکند و شکمش را بر ران‌هایش نگذارد. بلکه ران را از شکم دور نگه دارد. به دلیل

حدیث ابی حمید رضی الله عنه در توصیف نماز رسول الله صلی الله علیه و آله که می‌گوید: «وَإِذَا سَجَدَ فَرَجَ بَيْنَ فَخْذَيْهِ غَيْرَ حَامِلٍ بَطْنُهُ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَخْذَيْهِ» (وقتی سجده می‌نمود، ران‌هایش را از هم دور نگه می‌داشت و شکم را بر هیچ قسمتی از رانش نمی‌گذاشت). [ابوداود (۷۳۵)]. و چنان‌که شوکانی و دیگران نقل می‌کنند، این عمل به اجماع علما سنت است.

شوکانی رحمته الله می‌گوید: این حدیث به مشروعیت ایجاد فاصله میان ران‌ها و بالا نگه داشتن شکم از آنها در سجده دلالت دارد، و در این زمینه اختلافی نیست. [نیل الأوطار (۲۵۷/۲)]

۲ سنت است که در سجده سرانگشتانش را به سوی قبله کند.



به دلیل حدیث ابوحمید ساعدی رضی الله عنه که می‌گوید: «أَنَا أَحْفَظُكُمْ لَصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَفِيهِ: «إِذَا سَجَدَ وَضَعَ يَدَيْهِ غَيْرَ مُفْتَرِشٍ وَلَا قَابِضَهُمَا، وَاسْتَقْبَلَ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ الْقِبْلَةَ» (من از همه‌ی شما شیوه‌ی نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله را بهتر می‌دانم. و در آن آمده است: چون سجده می‌کرد دست‌هایش

را طوری روی زمین می‌گذاشت که ساعده‌هایش نه به زمین فرش می‌شد و نه به بدنش می‌چسبید و انگشتان پاهایش را به طرف قبله می‌نمود). [بخاری (۸۲۸)].

- اما سنت است که انگشتان دو دست در اثنای سجده به هم چسبیده و به سوی قبله باشد. چرا که از ابن عمر رضی الله عنهما در مؤطای امام مالک چنین روایت شده است. همچنین در مصنف ابن ابی شیبه (۲۳۶/۱) از حفص بن عاصم رضی الله عنه روایت است که: سنت است که در نماز دو کف دست را پهن نموده و انگشتان را به هم بچسباند و آنها را به سوی قبله نماید. و از حدیث وائل بن حُجر هم برای این روایت شاهی وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی سجده می‌نمود، انگشتانش را به هم می‌چسباند. هیثمی در (مجمع الزوائد ۱۳۵/۲) آن را حسن می‌داند.

۳ سنت است اذکار وارده در سجده را بخواند.

سنت است در سجده علاوه بر (سبحان ربی الاعلی) اذکار دیگری را که در این زمینه وارد شده بخواند. از جمله:

ا < «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» «پاک و منزهی ای معبود (ای) پروردگار ما! ستایش تو را می‌گویم، الهی! مرا ببامرز». [بخاری (۷۹۴) و مسلم (۴۸۴)] از حدیث عایشه رضی الله عنها.

ب < «سُبُوْحُ قُدُوْسٍ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ» «بسیار پاک و منزّه است پروردگار فرشتگان و جبرئیل». [مسلم (۴۸۷)] از حدیث عایشه رضی الله عنها.

ج < «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَلَكَ أَسْلَمْتُ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» «بار الها برای تو سجده نمودم، به تو ایمان آوردم، تسلیم تو شدم (اسلام آوردم). چهره‌ام برای ذاتی سجده کرد که آنرا آفرید و تصویر بخشید و برای آن گوش و چشم قرار داد. چه مبارک است خداوندی که بهترین آفرینندگان است». [مسلم (۷۷۱)] از حدیث علی رضی الله عنه.

د < «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةً وَجِلَّةً، وَأَوْلَةً وَأَخْرَهُ، وَعَلَايَتَهُ وَسِرَّهُ» «بار الها! تمام گناهانم، کوچک و بزرگ، اولین و آخرین آنها و آشکار و پنهانش را ببامرز». [مسلم (۴۸۳)] از حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

هـ < «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أُحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ» «الهی! از خشمت به رضایت، از مجازاتت به عفو و بخشش‌ات، پناه می‌برم. از (عذاب) تو به تو پناه می‌جویم. ستایشت در شمار نیاید، تو آنچنان هستی که خودت ثنای خود فرمودی». [از حدیث عایشه رضی الله عنها].

لذا سنت است که در سجده به صورت متنوع هریک از این اذکار که برای وی میسر است را بخواند. و معلوم است که در رکوع گفتن یک‌بار (سبحان ربی العظیم) واجب است و بیشتر از یکبار سنت می‌باشد. و همچنین در سجده یک‌بار گفتن (سبحان ربی الاعلی) واجب و بار دوم و سوم سنت است.

۴ سنت است که در رکوع و سجده زیاد دعا شود.



به دلیل حدیث ابن عباس رضی الله عنهما در صحیح مسلم: «وَأَمَّا السُّجُودُ فَاجْتَهِدُوا فِي الدُّعَاءِ، فَقَمِنُ، أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ» «اما در سجده در دعا کردن بکوشید، که این لحظه شایسته‌ی اجابت دعاست.» [مسلم (۴۷۹)].

و > سنت است که میان دو سجده بنشینند:



۱ سنت این است که پای چپش را پهن نموده و بر آن بنشینند و پای راست را نصب نماید.

به دلیل حدیث مرفوع ابوحمید ساعدی رضی الله عنه که در آن آمده است: «فَإِذَا جَلَسَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ جَلَسَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى وَنَصَبَ الْيُمْنَى» «وقتی در پایان دو رکعت می‌نشست بر پای چپش نشسته و پای راستش را نصب می‌نمود.» [بخاری (۸۲۸)].

۲ طولانی نمودن این رکن.

بنا بر حدیث ثابت بُنّانی که پیش‌تر بیان شد.

۳ سنت است که قبل از برخاستن برای رکعت‌های دوم یا چهارم، مقداری کوتاه بنشینند.

به این عمل (جلسه‌ی استراحت) می‌گویند و در آن ذکر معینی وجود ندارد.

ثبوت آن در سه حدیث ذکر شده است. از جمله:

حدیث مالک بن حویرث رضی الله عنه که: «أَنَّهُ رَأَى النَّبِيَّ ﷺ يُصَلِّي فَإِذَا كَانَ فِي وَتَرٍ مِنْ صَلَاتِهِ، لَمْ يَنْهَضْ حَتَّى يَسْتَوِيَ قَاعِدًا» «رسول الله ﷺ را دیده چنین نماز می‌خواند: وقتی در

رکعت‌های فردِ نمازش (۳ و ۱) بود، تا درست نمی‌نشست، بلند نمی‌شد». [بخاری (۸۲۳)]، و همین مالک بن حویرث است که این فرموده‌ی رسول الله ﷺ را روایت می‌کند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» «چنان نماز بخوانید که می‌بینید نماز می‌خوانم». [بخاری (۶۳۱۳)].

در سنت بودن (جلسه‌ی استراحت) اختلاف نظر وجود دارد. اما قول صحیح این است که مطلقاً سنت است. بنا بر حدیث مالک ﷺ. کسانی که مطلقاً سنت بودن آن را ترجیح می‌دهند نووی، شوکانی، ابن باز و آل‌بانی و انجمن دائمی پژوهش‌های علمی و فتوا [رحمهم الله] هستند. فتاوی و مقالات متنوعه (۹۹/۱۱) و فتاوی اللجنة الدائمة (۴۴۵/۶-۴۴۶). نووی رحمهم الله می‌گوید: «این فتاوی درستی است که در مورد آن احادیث صحیح، ثابت شده است». [المجموع (۴۴۱/۳)].

ز < از سنت‌های تشهد:

۱ سنت است نمازگزار در تشهد پای چپش را فرش نماید و پای راست را نصب کند.



این روش را نمازگزار بعد از اینکه رکوع، سجود، قیام و نشستن رکعت دوم را به جای آورد، انجام می‌دهد. خواه در نماز چهار رکعتی باشد یا سه رکعتی و یا دو رکعتی. در هر دو رکعت در تشهد به همین روش عمل می‌کند. به دلیل حدیث مرفوع ابو حمید ساعدی رحمهم الله که در آن آمده است: «فَإِذَا جَلَسَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ جَلَسَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى وَنَصَبَ الْيُمْنَى» «چون در (پایان) دو رکعت می‌نشست، بر پای چپ

نشسته و پای راست را نصب می‌نمود». [بخاری (۸۲۸)] و دلیل دیگر حدیث عایشه رحمهم الله است که: «وَكَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ التَّحِيَّةَ، وَكَانَ يَفْرُشُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَيَنْصِبُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى» «در هر دو رکعت، التحیات می‌خواند و پای چپش را فرش کرده و پای راستش را نصب می‌نمود». [مسلم (۴۹۸)].

سنت‌هایی که زمانی مشخص دارند

- اما بیان صفت تشهد در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی، خواهد آمد.

۲ سنت است در تشهد، دست‌ها را به صورت‌های متنوعی که در حدیث وارد شده بگذارد.

گذاشتن دست‌ها در حالت تشهد به دو گونه است:

نخست:

هر دو (کف) دست را بر ران‌ها بگذارد.

روش دوم:

این که هر دو دست را بر زانوها بگذارد چنانکه با دست چپ زانوی چپ را بگیرد. اما با دست راست (انگشت سبابه) اشاره کند. چنان‌که بیان آن خواهد آمد. لیکن دست چپ تا پایان نماز باز است.



به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که می‌گوید: «كَانَ - أَي النَّبِيِّ ﷺ - إِذَا جَلَسَ فِي الصَّلَاةِ، وَضَعَ كَفَّهُ الْيُمْنَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى، وَقَبَضَ أَصَابِعَهُ كُلَّهَا، وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ الَّتِي تَلِي الْإِبْهَامَ، وَوَضَعَ كَفَّهُ الْيُسْرَى عَلَى فَخِذِهِ الْيُسْرَى» (زمانی که رسول الله ﷺ در نماز می‌نشست، کف دست راست را بر ران راستش قرار می‌داد و تمام انگشتان را جمع می‌کرد و با انگشت سبابه اشاره می‌نمود. و کف دست چپ را بر ران چپش می‌نهاد». [مسلم (۵۸۰)] و در روایتی آمده است: «وَيُلْقِمُ كَفَّهُ الْيُسْرَى رُكْبَتَهُ» (و با دست چپ زانوی چپ را می‌گرفت». [مسلم (۵۷۹)].

۳ سنت است کیفیتِ قرار دادن انگشتان در تشهد بر اساس حالت‌هایی که در سنت وارد شده متنوع باشد.

انگشتان در تشهد به دو حالت قرار می‌گیرند:

اینکه تمام انگشتان دست راست را جمع نماید (مشت کند)، و با انگشت سبابه اشاره نماید. و دست چپ (بر ران) پهن باشد.. به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که قبلاً بیان شد: «... قَبَضَ أَصَابِعَهُ كُلَّهَا، وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ الَّتِي تَلِي الإِبْهَامَ...» ... تمام انگشتان را جمع می‌کرد و با انگشت نزدیک ابهام (سبابه) اشاره می‌کرد... [مسلم (۵۸۰)].

اول:

دو انگشت کوچک (خنصر و بنصر) را جمع کند و انگشت وسط و ابهام را حلقه کرده و با سبابه اشاره نماید. ولی دست چپ (بر ران) پهن باشد.

روش دوم:



به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که گذشت: «كَانَ - أَيْ النَّبِيُّ ﷺ - إِذَا قَعَدَ فِي الشَّهَادَةِ وَضَعَ يَدَهُ الْيُسْرَى عَلَى رُكْبَتِهِ الْيُسْرَى، وَوَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِهِ الْيُمْنَى، وَعَقَدَ ثَلَاثَةً وَخَمْسِينَ، وَأَشَارَ بِالسَّبَابَةِ» (وقتی (پیامبر صلی الله علیه و آله) در تشهد می‌نشست، دست چپش را بر

سنت‌هایی که زمانی مشخص دارند

زانوی چپ می‌نهد و دست راستش را بر زانوی راست قرار می‌داد و دو انگشت کوچک و وسط را جمع کرده و انگشت ابهام را بر وسطی می‌نهد و با سبابه اشاره می‌کرد». [مسلم (۸۵۰)].

۴ سنت است نمازگزار تشهد را با الفاظ مختلف و به صورت متنوع بخواند.

و هربار یکی از الفاظی که در سنت وارد شده بخواند. و تشهدهای ثابت شده عبارتند از:

أ < «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَالصَّلَوَاتُ، وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» «سلام‌ها، درودها و پاکی‌ها مخصوص الله ﷺ است. سلام بر تو باد ای رسول الله (ﷺ)! و (نیز) رحمت و برکات الله. سلام بر ما و بر بندگان صالح الله. گواهی می‌دهم که معبود (برحقی) جز الله وجود ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی اوست». [بخاری (۱۲۰۲) و مسلم (۴۰۲) از حدیث ابن مسعود ﷺ].

ب < «التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ، الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ...» «سلام‌های مبارک، درودها و پاکی‌ها از آن الله ﷺ است. سلام بر تو باد ای پیامبر ﷺ!...». [مسلم (۴۰۳) از حدیث ابن عباس رضی الله عنه] و در ادامه مانند تشهد قبل را ذکر می‌کند.

ج < «التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ...» [مسلم (۴۰۴) از حدیث ابوموسی ﷺ]. و در ادامه همچون تشهد قبل را ذکر می‌کند.

۵ سنت است که در تشهد آخر نمازهای سه و چهار رکعتی، به حالت تَوَرُّك بنشیند.

یعنی در نمازهای سه یا چهار رکعتی، باسن خود را بر زمین نهد و بر نشیمنگاه سمت چپ بنشیند. تورک هم به چندین روش آمده است پس مستحب است که متنوع عمل نماید، از روش‌های ثابت شده:



ا > اینکه پای چپش را پهن کرده و (انگشتان) آنرا از زیر ساق پای راست بیرون نموده و پای راست را نصب نماید. و باسنش را بر زمین بگذارد. این روش را بخاری رحمته در حدیث (۸۲۸) از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت می‌کند.



ب > هر دو پا را فرش کرده و هر دو را از سمت راست (بدنش) بیرون نماید و باسنش را بر زمین بنهد.

این روش را ابوداود در حدیث (۷۳۱) روایت کرده و ابن حبان (۱۸۶۷)، بیهقی در (۱۲۸/۲)

از ابوحمید ساعدی رضی الله عنه روایت نموده‌اند. آلبانی هم آنرا صحیح می‌داند. رحمهم الله جمیعاً. باید توجه داشت که بنا بر قول صحیح در تمام تشهدهای آخر تورک ثابت نیست. بلکه فقط در تشهد آخر نمازهای سه و چهار رکعتی ثابت است نه در تشهد نمازهای دو رکعتی.

۶ سنت است نمازگزار صیغه‌ها و الفاظ درود بر رسول الله صلی الله علیه و آله را به صورت متنوع بخواند.

درود بر رسول الله صلی الله علیه و آله با چندین صیغه‌ی مختلف وارد شده است. بنابراین سنت است که به صورت متنوع ادا گردد. از جمله صیغه‌هایی که وارد شده:

ا > «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» «بار الها! بر محمد و آل محمد رحمت فرست؛ همان‌گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم رحمت نازل کرده‌ای، همانا تو ستوده و بزرگواری، الهی! خیر و برکت بر محمد و آل محمد فرست

همانگونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستاده‌ای. همانا تو ستوده و بزرگواری.»

[بخاری (۳۳۷۰) از حدیث کعب بن عُجره رضی الله عنه]

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾. [مسلم (۴۰۵) از حدیث ابو مسعود رضی الله عنه].

فِي الْعَالَمِينَ: در جهانیان.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾. [بخاری (۳۳۶۹)، مسلم (۴۰۷) از حدیث ابوحمید ساعدی رضی الله عنه].

أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ: همسران و نسلش.

۷ سنت است که نمازگزار قبل از سلام دادن و خارج شدن از نماز، از چهار چیز پناه جوید.

این دیدگاه جمهور علما [رحمهم الله] می‌باشد. به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا فَرَغَ أَحَدُكُمْ مِنَ التَّشَهُّدِ الْآخِرِ، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ أَرْبَعٍ: مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، مِنْ شَرِّ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ» «هرگاه یکی از شما از تشهد آخر فارغ شد، از چهار چیز به الله تعالی پناه جوید: از عذاب جهنم، از عذاب قبر، از شرّ و آزمایش زندگی و مرگ، و از شرّ مسیح دجال». [مسلم (۵۸۸)، بخاری (۸۳۲)]

دعاهای دیگری هم در سنت وارد است. و سنت است نمازگزار قبل از سلام، به صورت متنوع از آنها بهره برد. از جمله:

﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ﴾ «الهی از گناه و بدهکاری به تو پناه می‌برم». [بخاری (۸۳۲)، مسلم (۵۸۹)].

﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ﴾ «الهی! از تو بهشت را خواهانم و از آتش به تو پناه می‌جویم». [ابوداود (۷۹۲) و آلبنی در صحیح ابوداود (۳۷۷/۳) سندش را صحیح می‌داند].

ج ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ «بار الها! من به خویشتن ستم فراوانی نمودم و جز تو کسی گناهان را نمی‌آمرزد؛ پس با مغفرتی از سوی خود مرا ببخش و به من رحم نما که قطعاً تو بسیار آمرزنده و بی‌نهایت مهربانی.»
[بخاری (۶۳۲۶)، مسلم (۲۷۰۵)].

د ﴿اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ﴾ «بار الها! مرا بر یاد و ذکر، شکر و عبادت نیکوی خود یاری نما.» [احمد (۲۲۱۱۹)، ابوداود (۱۵۲۲)، نسائی (۱۳۰۴) و آلبانی در (صحیح الجامع ۱/۲) آن را صحیح می‌داند].

ه ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَيَّ أُرْدَلَ الْعُمَرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ﴾ «پروردگارا، از بخیلی به تو پناه می‌برم؛ از ترس به تو پناه می‌جویم؛ و از اینکه به پیری و فرتوتی برسیم به تو پناه می‌آوردم، از فتنه‌ی دنیا به تو پناه می‌جویم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم.» [بخاری (۶۳۷۰)].

و ﴿اللَّهُمَّ حَاسِبِي حِسَابًا يَسِيرًا﴾ «الهی! حسابرسی مرا آسان بگردان.» [احمد (۲۴۲۱۵) و آلبانی آن را در (تحقیق مشکاة المصابیح ۱۵۴۴/۳) صحیح دانسته است].

سپس همراه با چرخاندن سر سلام دهد. چرخاندن سر در نماز سنت است. خوب و کامل چرخاندن هم سنت است. چرا که رسول الله ﷺ طوری سر را می‌چرخاندند که سپیدی گونه‌ی مبارک‌شان از پشت سر دیده می‌شد. سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌گوید: «كُنْتُ أَرَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ يَسَارِهِ، حَتَّى أَرَى بَيَاضَ خَدِّهِ» «می‌دیدم که رسول الله ﷺ از سمت راست و چپش سلام می‌دهد تا آنجا که سپیدی گونه‌ی ایشان را می‌دیدم.» [مسلم (۵۸۲)].

ح ﴿اذکار مشروع بعد از سلام دادن از نمازهای فرض، سنت است.»

نووی رحمته الله علیه می‌گوید: «علما بر استحباب ذکر بعد از نماز اتفاق نظر دارند.» [الأذکار (ص ۶۶)].

مستحب است این ذکر بلند خوانده شود. به دلیل حدیث ابن عباس رضی الله عنه که: «أَنَّ رَفَعَ الصَّوْتُ بِالذِّكْرِ حِينَ يَنْصَرِفُ النَّاسُ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ ﷺ» «مردم در زمان رسول الله ﷺ بعد از نماز فرض بلند ذکر می‌کردند». [بخاری (۸۴۱)، مسلم (۵۳۸)].

این اذکار عبارتند از:

أ گفتن سه بار استغفرالله و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» «الهی! تو سلام هستی و سلامتی از جانب توست، با برکت هستی، ای ذات بزرگوار و با عظمت». [مسلم (۵۹۱) از حدیث ثوبان رضی الله عنه].

ب «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ، وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» «جز الله یگانه و بی‌همتا معبودی (برحق) نیست، پادشاهی و ستایش، از آن اوست و او بر هر کاری تواناست، هیچ قدرت و نیرویی جز به (وسیله‌ی) الله نیست، غیر از او معبود (برحق) نیست، فقط او را عبادت می‌کنیم، نعمت برای اوست و فضل از آن او بوده و ستایش نیک خاص اوست، غیر از او معبودی نیست، ما خالصانه او را عبادت می‌کنیم گر چه کافران را خوش نیاید». [مسلم (۵۹۶)]

ج «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ». «معبود (برحقی) جز الله نیست؛ یگانه است و شریکی برایش نیست. ملک و پادشاهی از آن اوست و ستایش مخصوص اوست. و او بر هر چیزی توانمند است. بار الها! برای آنچه تو بدهی، مانعی نیست؛ و از آنچه منع کنی، کسی را یارای دادن آن نیست. و مال و دارایی سودی ندارد، هر نفعی از هستی (از فضل و لطف) توست». [مسلم (۵۹۳)]

د سپس تسبیحی را که در روایات وارد شده بخواند که در قالب صیغه‌های مختلف ذکر شده است:

اول: سبحان الله ۳۳ مرتبه، الحمدلله ۳۳ مرتبه، الله اکبر ۳۳ مرتبه و در بار صدم بگوید: لا إله إلا الله وحده

دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَحَمَدَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ، وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، غُفِرَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» «هرکس بعد از هر نماز فرض ۳۳ بار سبحان الله و ۳۳ بار الحمدلله و ۳۳ بار الله اکبر که (جمعاً) ۹۹ مرتبه می‌شود، بگوید و برای کامل کردن صد مرتبه: «لا إله إلا الله، وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على كل شیء قدير» بگوید، گناهانش آمرزیده می‌شود؛ اگر چه همانند کف دریا باشد». [مسلم (۵۹۷)].

دوم: سبحان الله ۳۳ بار، الحمدلله ۳۳ بار و الله اکبر ۳۴ بار. و دلیل آن حدیث کعب بن عُجره رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مُعَقَّبَاتٌ لَا يَخِيبُ قَائِلُهُنَّ أَوْ فَاعِلُهُنَّ دُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ: ثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثٌ وَثَلَاثُونَ تَحْمِيدَةً، وَأَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ تَكْبِيرَةً» «در پی هر نماز واجبی اذکاری است که گوینده یا انجام دهنده آن ناکام نمی‌شود: سی و سه بار (سبحان الله)، سی و سه بار (الحمد لله)، و سی و چهار بار (الله اکبر گفتن)». [مسلم (۵۹۶)].

سوم: سبحان الله ۲۵ بار، الحمدلله ۲۵ بار، الله اکبر ۲۵ بار و لا إله إلا الله ۲۵ بار. این لفظ در حدیث عبدالله بن زید رضی الله عنه در سنن ترمذی (۳۴۱۳) آمده است. و آلبانی در (تحقیق مشکاة المصابیح ۳۰۷/۱) آن را صحیح می‌داند.

چهارم: سبحان الله ۱۰ مرتبه، الحمدلله ۱۰ مرتبه و الله اکبر ۱۰ مرتبه. این لفظ از حدیث عبدالله بن عمرو رضی الله عنه در کتاب ترمذی (۳۴۱۰) آمده است. و آلبانی در (تحقیق مشکاة المصابیح ۷۴۳/۲) آن را صحیح می‌داند.

- قاعده و قانون در مورد عباداتی که به صورت‌های گوناگون وارد شده‌اند قبلاً بیان شد چنانکه گاهی این و گاهی آن انجام می‌شود. سنت است که (شمردن) تسبیحات با

دست باشد. امام احمد و ترمذی روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمودند: «سَبَّحْنَ وَاعْفِدْنَ بِالْأَصَابِعِ، فَإِنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ مُسْتَنْطَقَاتٌ» «سبحان الله بگویند و با انگشتان حساب کنند. چرا که انگشتان سؤال می‌شوند و سخن خواهند گفت».

[احمد (۲۷۰۸۹)، ترمذی (۳۴۸۶) و آلبنی آنرا در (صحیح الجامع ۷۵۳/۲) حسن می‌دانند].



پنجم: قرائت آیه الکرسی: به دلیل حدیث ابو

امامه ﷺ که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا الْمَوْتُ» «کسی که بعد از هر نماز آیه الکرسی را بخواند، جز مرگ چیزی مانع ورود او به بهشت نمی‌شود. (یعنی چون بمیرد وارد بهشت می‌شود. مترجم)».

[نسائی در سنن کبری (۹۹۲۸)، منذری آنرا در کتاب ترغیب و ترهیب (۲۳۷۳) صحیح می‌دانند. ابن عبدالهادی (المحرر ۱۹۸/۱) و ابن قیم جوزی (زاد المعاد ۳۰۳/۱)].

ششم: خواندن معوذتین: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»:

به دلیل حدیث عقبه بن عامر ﷺ که می‌گوید: «أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوِّذَاتِ دُبْرَ كُلِّ صَلَاةٍ» «پیامبر ﷺ به من امر فرمودند که بعد از هر نماز معوذات را بخوانم». ابوداود (۱۵۲۵) و آلبنی می‌گویند: اسنادش صحیح است. و ابن خزیمه و ابن حبان آنرا صحیح می‌دانند. [صحیح ابو داود (۲۵۴/۵)].

آنچه ذکر شد مجموعه‌ای از سنت‌ها بود که انجام آنها بر نمازگزار مستحب است. و هنوز در وقت نماز فجر قرار داریم. و از این رو موارد فوق را ذکر نمودیم که در هر بخش نماز، آنرا در ذهن داشته باشیم. والله اعلم.

ط > نشستن بعد از نماز فجر در محل نماز تا طلوع خورشید سنت است.

از جابر بن سمره ﷺ روایت است: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَسَنًا» «پیامبر ﷺ وقتی نماز فجر را می‌خواند، در محل نمازش می‌نشست تا که خورشید طلوع می‌کرد (بالا می‌آمد)».

[مسلم (۶۷۰)]



◆ رسول الله ﷺ می‌فرماید: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ...» (وذكر منهم)...
...وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ» (الله، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی او وجود ندارد، هفت گروه را در زیر سایه‌ی خود، جای می‌دهد... (یکی از این گروه‌ها)، کسی که همواره به مسجد دل بسته باشد (می باشد)).»

اذکار صبح



وقت اذکار صبح از طلوع فجر آغاز می‌شود. وقتی مؤذن برای نماز صبح اذان گفت، وقت اذکار صبح شروع می‌شود. پُر واضح است که اذکار در دنیا برای بنده‌ی الله ﷻ دژی محکم است و در آخرت گنجی گران‌سنگ می‌باشد.

اذکار صبح و شب:

۱ «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، مَنْ قَالَهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ كُتِبَ لَهُ بِهَا مِائَةٌ حَسَنَةٍ، وَمُجِيَ عَنْهُ بِهَا مِائَةٌ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ عَدَلٌ رَقَبَةٍ، وَحُفِظَ بِهَا يَوْمَئِذٍ حَتَّى يُمْسِيَ، وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ حِينَ يُمْسِي كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ» «هرکس هنگام صبح ده مرتبه این ذکر را بخواند، با این ذکر صد نیکی برای او نوشته شده و صد گناه از او پاک می‌شود. و پاداشی به اندازه آزاد نمودن برده دارد. و با آن تا هنگامی که شب کند، تحت مراقبت است؛ و کسی که در هنگام شب این ذکر را ده مرتبه بخواند، همین اجر برای او خواهد بود: «لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير»: هیچ معبودی بر حقی جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، پادشاهی و ستایش سزاوار او و از آن اوست و او بر هر چیزی و هر کاری تواناست». [احمد (۸۷۱۹) و ابن باز رحمته سند آن را حسن می‌داند].

۲

«أَمْسِينَا وَأَمْسَى الْمُلْكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَالْهَرَمِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، وَفِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْقَبْرِ»، وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ ذَلِكَ أَيْضًا: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمُلْكُ لِلَّهِ... أَسْأَلُكَ خَيْرِ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرِ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ...» (ما وارد شب شدیم و همه‌ی هستی وارد شب شد که از آن الله هستند و حمد و ستایش‌ها برای الله است، نیست معبود (بحقی) مگر الله یکتایی که هیچ شریکی ندارد، پروردگارا! خیر امشب و خیر هر چه در آن است از تو می‌خواهم و به تو از شر امشب و شر هر چه در آن است، پناه می‌برم. ای پروردگارم! از سستی، پیری، از بدی کهنسالی، فتنه‌ی دنیا و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم. و هنگامی که صبح نمود این دعا را بخواند: ما صبح نمودیم و تمام کاینات برای الله ﷻ صبح نمودند... از تو خیر هر چه در امروز است و خیر بعد از آن را می‌طلبم؛ و از شر آنچه در امروز است و آنچه بعد از آن است به تو پناه می‌جویم...». [مسلم (۲۷۲۳)]

۳

سید الاستغفار: «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي، وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي فَاعْفُرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». قَالَ ﷺ: «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» سرآمد استغفار: «الهی! تو پروردگار منی، معبود برحقی جز تو وجود ندارد، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم. بر پیمان و وعده‌ی تو تا حد توان، استوارم. از بدی کارهایی که انجام داده‌ام، به تو پناه می‌برم. به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناہانی که انجام داده‌ام، اعتراف می‌کنم. پس مرا مغفرت کن زیرا کسی بجز تو، گناہان را نمی‌بخشد. رسول ﷺ می‌فرماید: هرکس در روز این دعا را بخواند و به آن یقین داشته باشد و در همان روز قبل از مغرب از دنیا برود، از بهشتیان است. و هرکس آن را در شب بخواند و به آن یقین داشته باشد و قبل از اینکه صبح کند،

از دنیا برود، از اهل بهشت است». [بخاری (۶۳۰۶)]

❖ **۴** إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ، وَإِذَا أَمْسَى فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» «هرگاه یکی از شما صبح کرد بگوید: الهی! به امر تو به بامداد رسیدیم و به امر تو به شامگاه رسیدیم، و به امر تو زندگی کرده و به دستور تو می‌میریم و بازگشت ما به سوی توست. و چون شب نمود بخواند: الها! به امر تو به شامگاه رسیدیم و به امر تو زنده می‌مانیم و به دستور تو می‌میریم و بازگشت به سوی توست». [ابوداود (۵۰۶۸)، ترمذی (۳۳۹۱)، نسائی (۹۸۳۶)، ابن ماجه (۳۸۶۸) و ابن باز رحمته سندش را صحیح می‌داند].

❖ **۵** «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ، وَأَنْ أَتَرَفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا، أَوْ أُجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ»، قال النبي ﷺ: «قُلْهَا إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ» «بار الها! ای آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین و ای دانای غیب و آشکار، معبودی به حق جز تو نیست؛ آفریدگار و مالک هر چیز، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و از اینکه نسبت به خود مرتکب بدی شوم و یا بدی را به مسلمانی روا دارم، به تو پناه می‌برم». پیامبر ﷺ فرمودند: «هرگاه صبح نموده و شب نمودی و هنگامی که بر بستر قرار گرفتی، آن را بخوان». [احمد (۶۵۹۷)، ابوداود (۵۰۷۶)، ترمذی (۳۵۲۹)، نسائی (۷۶۹۹) و ابن باز رحمته سندش را صحیح می‌داند]

❖ **۶** «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ فِي صَبَاحِ كُلِّ يَوْمٍ وَمَسَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، لَمْ يَضُرَّهُ شَيْءٌ» «هر بنده‌ای که در صبح هر روز و اول هر شب سه بار بگوید: به نام خداوندی که به نام خداوندی که نام او هیچ چیز در زمین و آسمان زیان نمی‌بیند و او شنوای داناست، هیچ چیز به او آسیب نمی‌رساند». [احمد (۴۴۶)، ترمذی (۱۰۱۷۹)، ابن ماجه (۳۸۶۹)، ابن باز رحمته می‌گوید: ترمذی آن را حسن صحیح دانسته است، و حکم حدیث چنین است].

۷ «مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَقُولُ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ نَبِيًّا، إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» «هیچ بنده‌ای نیست که وقتی صبح و شب می‌کند، سه بار بگوید: به الله ﷻ به عنوان آفریدگار و به اسلام به عنوان دین و به محمد ﷺ به عنوان پیامبرم راضی شدم، مگر اینکه الله ﷻ تعهد نموده او را در روز قیامت خشنود گرداند». [احمد (۱۸۹۶۷)، ترمذی (۳۳۸۹)، ابن ماجه (۳۸۷۰) و ابن باز رحمته سندش را حسن می‌داند].

۸ هیچ‌گاه رسول الله ﷺ این دعاها را در صبح و شام ترک نمی‌کرد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي» «الهی! عافیت دنیا و آخرت را از تو خواهانم، الهی! بخشش و عافیت در دین و دنیایم و خانواده و مالم را از تو می‌طلبم؛ معبودا! عیب‌های مرا بپوشان و پریشانی‌هایم را به امنیت تبدیل کن؛ بار الها! مرا از جلوی رویم و پشت سرم و از راست و چپم و از بالای سرم حفظ کن؛ و به عظمت تو پناه می‌برم از اینکه ناگهان از زیر پایم کشته شوم (دچار خسف و فرورفتگی در زمین شوم)». [احمد (۴۷۸۵)، ابوداود (۵۰۷۴)، نسائی در سنن کبری (۱۰۴۰۱)، ابن ماجه (۳۸۷۱) و حاکم آن‌را صحیح می‌داند]

۹ «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» «به کلمات تامه و کامل الله ﷻ پناه می‌برم از شر آنچه آفرید». [احمد (۷۸۹۸)، ترمذی (۳۴۳۷)، از حدیث ابوهریره رضی و ابن باز سندش را حسن می‌داند]

۱۰ چون رسول الله ﷺ صبح می‌نمود، می‌فرمود: «أَصْبَحْنَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ، وَكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ، وَدِينِ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَمِلَّةِ أَبِينَا إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا، وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» «بر فطرت اسلام، کلمه‌ی اخلاص (لا إله إلا الله) و دین پیامبرمان محمد ﷺ و ملت (دین) توحیدی پدرمان ابراهیم که از مشرکین نبود، صبح نمودیم». [احمد (۲۱۱۴۴، ۱۵۳۶۷)] و چون شب می‌کرد می‌فرمود: «أَمْسِينَا عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ...»

«بر فطرت و سرشت اسلام، شب نمودیم...». [و ابن باز سندش را صحیح خوانده است] تمام مطالب ذکر شده از نوشتار ابن باز تحت عنوان: (تُحْفَةُ الْأَخْيَارِ بَيَانُ جُمْلَةِ نَافِعَةٍ مِمَّا وَرَدَ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ مِنَ الْأَدْعِيَةِ وَالْأَذْكَارِ) فصلِ اذْكَارِ صَبْحٍ وَ شَامٍ گرفته شده است.

❖ «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ أَصْلِحْ لِيْ شَأْنِيْ كُلَّهُ، وَلَا تَكِلْنِيْ إِلَى نَفْسِيْ طَرْفَةَ عَيْنٍ» «ای زنده و ای پابرجا رحمتت را طلب می‌کنم. تمام امورم را اصلاح نما و به اندازه یک چشم بر هم زدن هم مرا به حال خودم وانگذار». [نسائی (۱۰۴۰۵)، بزار (۲۸۲/۲) و ابن حجر و آلبانی [رحمهما الله] در نتایج الأفكار (ص ۱۷۷) و سلسله الاحادیث الصحيحة (۴۴۹/۱) آن را حسن می‌دانند]

❖ «مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ كَفَاهُ اللهُ مَا أَهَمَّهُ» «هر کس به هنگام صبح و شام هفت مرتبه این ذکر را بگوید خداوند متعال او را در برابر هر نگرانی کفایت می‌کند: «حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» الله برای من کافی است و الهی جز او نیست، بر او توکل کردم و او آفریدگار عرش بزرگ است. [ابوداود (۵۰۸۱) از حدیث ابودرداء س، لیکن قول راجح بر موقوف بودن این روایت است؛ اما روایان آن ثقه (مورد اطمینان) هستند و حکم روایت مرفوع را دارد، چنان که آلبانی در سلسله الاحادیث الصحيحة (۴۴۹/۱۱) ذکر می‌کند].

سوم: وقت ضحی (چاشت)



سنت است که در وقت چاشت نماز ضحی خوانده شود.

دلیل:

أ < حدیث ابوهریره رضی الله عنه که می‌گوید: «أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ: صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرَكَعَتِي الضُّحَى، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنْامَ» «دوست عزیزم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرا به سه چیز وصیت کرد: سه روز از هر ماه را روزه گرفتن، دو رکعت ضحی و اینکه قبل از خواب وتر بخوانم». «همچنین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابودرداء را هم به این امر وصیت نمود». [مسلم (۷۲۲)، و در سنن کبری نسائی (۲۷۱۲) آمده است که ابودر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را هم به آن وصیت کرده است. آلبانی در سلسله الأحادیث الصحيحة (۲۱۶۶) آن را صحیح دانسته است]

ب < حدیث ابودر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «يُصْبِحُ عَلَيَّ كُلُّ سَلَامِي مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةً، فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَيَجْزِيءُ، مِنْ ذَلِكَ، رَكَعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى» «بامداد هر روز بر هر مفصلی از مفصل بدن تان صدقه‌ای است؛ هر سبحان الله صدقه‌ای است و هر الحمدلله صدقه‌ای

سنت‌هایی که زمانی مشخص دارند

است و هر لا إله إلا الله صدقه‌ای است و هر الله اکبر صدقه‌ای است و هر امر به معروفی یک صدقه است و هر نهی از منکری صدقه است و به جای همه‌ی اینها ادای دو رکعت نماز ضحی کفایت می‌کند». [مسلم (۷۲۰). سُلَامَى: مفصل]

در صحیح مسلم از عایشه رضی الله عنها روایتی مبنی بر این آمده است که در بدن هر انسان سیصد و شصت مفصل وجود دارد. و هرکس به این تعداد صدقه بدهد، روز را در حالی سپری کرده است که خویشتن را از آتش جهنم رهانیده است.

◆ وقت آن:

از بالا آمدن خورشید به اندازه‌ی یک نيزه شروع می‌شود. یعنی بعد از اتمام وقت نهی شده.

و کمی قبل از زوال خورشید یعنی تقریباً ده دقیقه قبل از وقت ظهر پایان می‌یابد.

دلیل: حدیث عمرو بن عبسه رضی الله عنه: «صَلِّ صَلَاةَ الصُّبْحِ، ثُمَّ أَقْصِرْ عَنِ الصَّلَاةِ حِينَ تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَتَّى تَرْتَفِعَ...، ثُمَّ صَلِّ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ مَشْهُودَةٌ مَحْضُورَةٌ، حَتَّى يَسْتَقِلَّ الظَّلُّ بِالرُّمْحِ، ثُمَّ أَقْصِرْ عَنِ الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ حِينَئِذٍ تُسَجَّرُ جَهَنَّمُ...» «نماز صبح را بخوان، سپس در هنگام طلوع خورشید دست از نماز بردار تا که (خورشید) بالا آید... سپس نماز بخوان، چرا که (فرشتگان) در نماز شاهد و حاضرند؛ تا که سایه‌ی نيزه گم شود (وقت استوا). سپس از نماز دست بکش که در این وقت جهنم شعله‌ور و برافروخته می‌گردد...». [مسلم (۸۳۲)].

◆ و بهترین وقت آن:

آخر وقت آن است؛ و آن زمانی است که پای بچه شترها بر اثر گرما داغ شود.

دلیل: حدیث زید بن ارقم رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ حِينَ تَرْمُضُ الْفِصَالُ» «نماز اوّابین (ضحی یا چاشت)، زمانی است که پای بچه شترها از شدت گرما بسوزد». [مسلم (۷۴۸)].

ابن باز رحمته الله می‌گوید: «ترمض» یعنی گرمای خورشید بر آن زیاد می‌گردد. «الفصال» یعنی بچه شتر. و این نماز (ضحی) از نمازهایی است که انجام آن در آخر وقتش بهتر

است. [فتاوی اسلامیة (۵۱۵/۱)].

تعداد رکعت‌های آن:

کمترین تعداد رکعات نماز ضحی دو رکعت است. و دلیل آن حدیث ابوهریره رضی الله عنه در صحیحین می‌باشد که: «دوست صمیمی‌ام مرا به سه مورد وصیت نمود...»؛ که یکی از آنها را دو رکعت ضحی ذکر می‌کند. بخاری (۱۹۸۱)، مسلم (۷۲۱).

اما بر اساس قول صحیح، بیشترین تعداد رکعات آن حد مشخصی ندارد. بر خلاف کسی که حداکثر تعداد رکعات آن را هشت رکعت می‌داند. و می‌توان آن را بیش از هشت رکعت بخواند. و دلیل آن حدیث عایشه رضی الله عنها است که می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي الضُّحَى أَرْبَعًا، وَيَزِيدُ مَا شَاءَ اللَّهُ» «رسول الله ﷺ نماز ضحی را چهار رکعت می‌خواند و هر چه الله می‌خواست بر آن اضافه می‌نمود». [مسلم (۷۱۹)].



♦ فضیلت نماز ضحی آنقدر زیاد است که رسول الله آن را به اصحابش وصیت می‌کردند.

چهارم: وقت ظهر



شامل سنت‌های ذیل می‌باشد:

اول: نماز سنت قبل و بعد از فرض

پیش‌تر در بحث سنت‌های رواتب گفته شد که قبل از ظهر چهار رکعت و بعد از آن هم دو رکعت سنت است. همان‌گونه که حدیث عایشه، ام حبیبه و ابن عمر رضی الله عنهما بر آن دلالت دارد.

دوم: سنت است که رکعت اول نماز ظهر طولانی شود.

بنا بر حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه که می‌گوید: «لَقَدْ كَانَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ تُقَامُ، فَيَذْهَبُ الدَّاهِبُ إِلَى الْبَقِيعِ، فَيَقْضِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ، ثُمَّ يَأْتِي وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى، مِمَّا يُطَوَّلُهَا» «نماز ظهر اقامه می‌شد و شخص به بقیع می‌رفت و بعد از قضای حاجتش



وضو می‌گرفت، سپس می‌آمد درحالی که رسول الله ﷺ در رکعت اول بود؛ چنین آن را طولانی می‌نمود». [مسلم (۴۵۴)].

بر این اساس سنت است که امام رکعت اول ظهر را طولانی کند. همچنین کسی که به تنهایی نماز می‌خواند. زن نیز در نماز ظهر چنین کند. این از سنت‌هایی است که از بین رفته است. از الله ﷻ می‌خواهیم که تطبیق سنت به نحو احسن و حرص بر آن را توفیق نماید.

سوم: در هنگام شدت گرما، سنت است که نماز ظهر تاخیر شود تا گرما برطرف شود.

به دلیل: حدیث مرفوع ابوهریره رضی الله عنه که: «إِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ أُبْرِدُوا بِالصَّلَاةِ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ» «وقتی گرما شدت یافت نماز ظهر را زمانی بخوانید که هوا اندکی سردتر شود. چرا که شدت گرما از تنفس جهنم است». فیح: جوشش و پخش شدن شعله‌های آن است. [بخاری (۵۳۳، ۵۳۴) و مسلم (۶۱۵)].

علامه ابن عثیمین رحمته الله می‌گفت: «بنابر این اگر فرض کنیم خورشید در ایام تابستان در ساعت ۱۲ زوال می‌کند و وقت عصر حدود ساعت چهار و نیم باشد، سردی تقریباً در ساعت چهار رخ می‌دهد». [الممتع (۱۰۴/۲)].

در سردی خواندن برای کسی که با جماعت یا تنها نماز می‌خواند، عام است. دیدگاه شیخ ابن عثیمین رحمته الله نیز همین است. این حکم زنان را هم شامل می‌شود. خواندن نماز ظهر در سردی هوا به هنگام شدت گرما، برای آنان هم سنت است. بنا بر عموم حدیث ابوهریره رضی الله عنه.

پنجم: وقت عصر



در بحث سنن رواتب در این مورد صحبت شد. قبل از وقتِ عصر هیچ سنتِ راتبه‌ای وجود ندارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله علیه می‌گوید: «در مورد قبل از عصر، هیچکس نگفته که رسول الله صلی الله علیه و آله قبل از عصر نماز می‌خوانده است، مگر اینکه روایت ضعیف است، و شخص اشتباه کرده است». [فتاوی (۱۲۵/۲۳)].

قول درست - والله اعلم -: این است که سنتِ مقید و مشخصی قبل از عصر، وارد نشده است. بنابراین می‌توان دو رکعت یا بیشتر به نیت نفل مطلق خواند. چنان که در وقت‌های دیگر جز اوقات نهی شده می‌خواند. اما سنتِ مشخص شده‌ای قبل از عصر وجود ندارد.

◆ اذکار صبح و شب.

وقت اذکار صبح و شب از چه ساعتی شروع می‌شود.

◆ وقت اذکار صبح:

از ابتدای فجرِ صادق که وقتِ نماز صبح است شروع می‌شود. وقتی مؤذن برای نماز صبح اذان داد، از آن لحظه وقت اذکار صبح شروع می‌شود. و این دیدگاه اغلب علما رحمهم الله می‌باشد.

◆ وقت اذکار شب:

آشکارتر - والله اعلم - این است که: وقت آن بعد از عصر و تا مغرب می‌باشد. و نیز جایز است که بعد از مغرب گفته شود.



◆ رسول الله ﷺ فرموده است: «الصَّلَاةُ نُورٌ» نماز نور است، نور دنیا و آخرت.

ششم: وقت مغرب



شامل مباحث ذیل:

اول: سنت است که در ابتدای وقت مغرب از بیرون رفتن کودکان جلوگیری شود.

دوم: سنت است که ابتدای وقت مغرب، درب‌ها بسته شود و بسم الله گفته شود (یعنی هنگام بستن درها بگوییم: بسم الله).

انجام این دو آداب باعث محفوظ ماندن (از شر) شیاطین و جن‌ها می‌شود. نگهداری بچه‌ها در ابتدای مغرب، باعث می‌شود از شیاطینی که در آن ساعت پخش می‌شوند محفوظ بمانند. همچنین در هنگام بستن درب‌ها در این ساعت و بسم الله گفتن. چه بسیار کودکان و خانه‌هایی که شیطان‌ها در این ساعت بر آنها مسلط می‌شوند. براستی چقدر اسلام رعایت حال فرزندان و خانه‌های ما را می‌کند!



دلیل آن: حدیث جابر رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا كَانَ جُنْحُ اللَّيْلِ - أَوْ أَمْسَيْتُمْ - فَكُفُّوا صَبِيَانَكُمْ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْتَشِرُ حَيْثُ دَا، فَإِذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ اللَّيْلِ فَخَلُّوهُمْ، وَأَغْلِقُوا الْأَبْوَابَ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَابًا مُغْلَقًا» «هر وقت که تاریکی شب فرا رسد، کودکان‌تان را از بیرون رفتن منع کنید، چون شیاطین در این هنگام منتشر می‌شوند، وقتی که

ساعتی از شب گذشت آنان را رها کنید و درب‌های منزل را ببندید و بسم الله بگویید چون شیطان‌ها در بسته‌شده‌ای را باز نخواهند کرد». [بخاری (۳۳۰۴) و مسلم (۲۰۱۲)].

- بازداشتن کودکان و بستن درها در اول مغرب، از باب استحباب است. [فتاوی اللجنة الدائمة (۳۱۷/۲۶)].

سوم: دو رکعت قبل از مغرب:

دلیل آن حدیث عبدالله بن مغفل رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «صَلُّوا قَبْلَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ» «قبل از نماز (فرض) مغرب نماز بخوانید». بار سوم فرمود: «لِمَنْ شَاءَ» «هرکس که می‌خواهد. دوست نداشت مردم آن را سنت (مؤکد یا یک روش همیشگی) بدانند». [بخاری (۱۱۸۳)].

- همچنین خواندن دو رکعت نماز میان هر اذان و اقامه‌ای، سنت است. فرقی ندارد که آن دو رکعت سنت راتبه‌ای مثل فجر یا ظهر باشند. چرا که شخص با ادای سنت راتبه این دو رکعت را ادا نموده است. و اگر در مسجد نشسته بود و مؤذن اذان عصر یا عشاء را گفت، سنت است که برخیزد و دو رکعت بخواند.

دلیل: میان هر دو اذان (اذان و اقامه) نمازی است. سه بار این را فرمود و در بار سوم فرمود: برای «لِمَنْ شَاءَ» «برای هرکس که بخواند». [بخاری (۶۲۴)، مسلم (۸۳۸)].

و بدون شک دو رکعت قبل از مغرب یا نماز میان اذان و اقامه همانند سنت‌های

رواتب تاکید نشده‌اند. و گاهی ترک می‌شوند. به همین منظور رسول الله ﷺ در بار سوم فرمودند: «لِمَنْ شَاءَ»؛ برای هرکس که بخواهد. زیرا دوست نداشتند مردم آن را سنت (موکد و دائمی) قرار دهند.

◆ چهارم: خوابیدن قبل از عشاء مکروه (ناپسند) است.

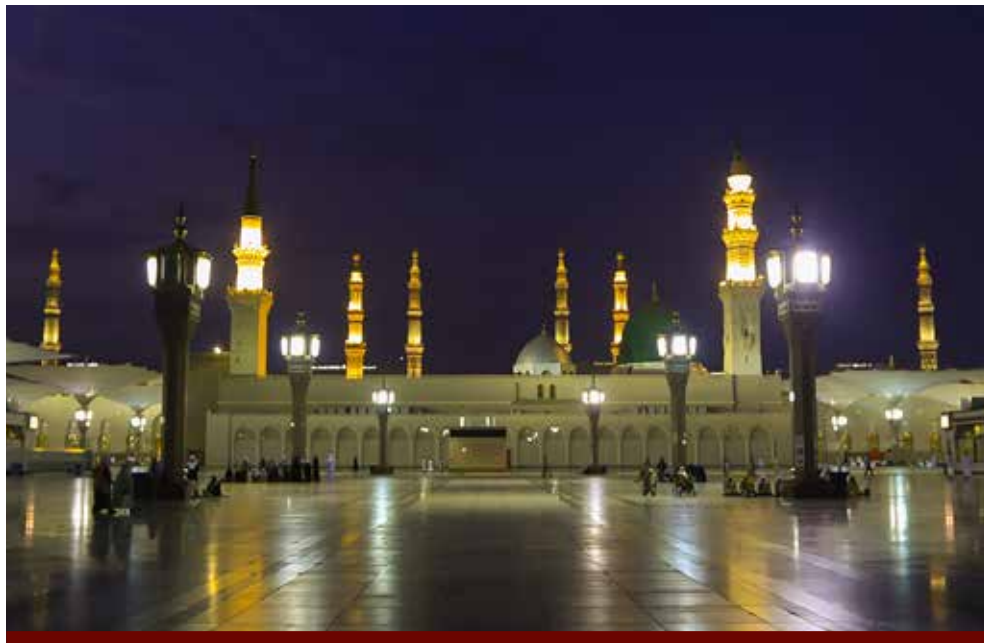
بنا بر حدیث ابی برزه اسلمی رضی الله عنه که می‌گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ يَسْتَحِبُّ أَنْ يُؤَخَّرَ الْعِشَاءَ، قَالَ: وَكَانَ يَكْرَهُ النَّوْمَ قَبْلَهَا، وَالْحَدِيثُ بَعْدَهَا» «پیامبر ﷺ دوست داشتند عشاء به تأخیر افتد؛ و می‌گوید: خواب قبل از عشاء و صحبت کردن (شب نشینی) بعد از آن را مکروه می‌دانستند». [بخاری (۵۹۹)، مسلم (۶۴۷)].

علت کراهیت خواب قبل از عشاء این است که خوابش سبب از دست رفتن نماز عشاء می‌شود.



◆ توبه شبانه روزی راهگشایی برای بنده است و باعث تصحیح مسیر به سوی الله می‌گردد، رسول الله فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَسُطُّ يَدَهُ بِاللَّيْلِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ النَّهَارِ، وَيَسُطُّ يَدَهُ بِالنَّهَارِ لِيَتُوبَ مُسِيءُ اللَّيْلِ» «خداوند دست خویش را در شب می‌گستراند تا توبه کسی را که در روز گناه کرده، قبول نماید. و دست خویش را در روز می‌گستراند تا توبه گناهکار شب را بپذیرد تا آفتاب از مغرب طلوع کند».

هفتم: وقت عشاء



شامل موارد ذیل:

نخست: سخن گفتن و شب‌نشینی بعد از آن، مکروه است.

بنا بر حدیث ابی برزه اسلمی رضی الله عنه که قبلاً گذشت و در آن آمده بود، خواب قبل از عشاء و صحبت کردن (شب‌نشینی) بعد از آن را مکروه می‌دانستند. اما اگر سخن گفتن وی به دلیل نیازی باشد کراهتی متوجه آن نخواهد بود.

علت کراهیت - والله اعلم -: این است که خواب به تأخیر می‌افتد و ترس فوت شدن نماز صبح یا فوت شدن اول وقت آن می‌رود. یا قیام اللیل کسی که به آن پایبند است، فوت می‌شود.

دوم: بهتر است نماز عشاء با تأخیر خوانده شود؛ البته مادامی که بر مقتدیان سخت نباشد.

دلیل:

أ- حدیث عایشه رضی الله عنها که می‌گوید: «شبِ پیامبر صلی الله علیه و آله (نماز عشاء) را تأخیر نمود؛ چنانکه اکثر شب گذشت و نمازگزاران در مسجد خوابیدند؛ سپس رسول خدا حاضر شده و نماز خواند و فرمود: «إِنَّهُ لَوْ قُتِلَ، لَوْلَا أَنْ أُشِقَّ عَلَى أُمَّتِي» اگر بر امتم مشکل و دشوار نبود، این وقت نماز عشاء است». [مسلم (۶۳۸)].

و از آنجا که زنان به جماعت نمی‌آیند، سنت در مورد آنها هم این است که اگر برای وی سخت نیست نماز عشاء را با تأخیر بخواند. همچنین مردی که بر اثر مسافرت یا مسئله‌ای دیگر به جماعت شرکت نمی‌کند، چنین نماید.



سنت‌های خواب

خواب و سنت‌های آن:

۱ بستن درها هنگام خواب:



به دلیل حدیث جابر رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَطْفِئُوا الْمَصَابِيحَ إِذَا رَقَدْتُمْ، وَغَلِّقُوا الْأَبْوَابَ وَأَوْكُوا الْأَسْقِيَةَ، وَخَمِّرُوا الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ» «وقتی خوابیدید، چراغ‌ها را خاموش کنید و درها را ببندید و ظرف‌های آب را بپوشانید و سر غذا و نوشیدنی را ببندید». [بخاری (۵۶۲۴)، مسلم (۲۰۱۲)].

علت بستن درها: ممانعت از ورود شیطان‌ها به خانه است. چنانکه قبلاً در حدیث جابر رضی الله عنه بیان شد. و در روایت دیگری آمده است: «وَأَغْلِقُوا الْأَبْوَابَ، وَأَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَابًا مُغْلَقًا» «درها را ببندید، بسم الله بگویید، زیرا شیطان در بسته شده را باز نمی‌کند». [بخاری (۵۶۲۳)، مسلم (۲۰۱۲)].

۲ خاموش کردن آتش قبل از خواب:



به دلیل حدیث جابر رضی الله عنه که گذشت. و در آن آمد: «أَطْفِئُوا الْمَصَابِيحَ إِذَا رَقَدْتُمْ» «وقتی خوابیدید، چراغ‌ها را خاموش کنید».

نیز به دلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَتْرُكُوا النَّارَ فِي بَيْتِكُمْ حِينَ تَنَامُونَ» «وقتی می‌خوابید آتش را در خانه‌های تان رها نکنید». [مسلم (۲۰۱۵)].

و هر چیزی که باعث آتش‌سوزی شود، بر آتش قیاس می‌شود. مثلاً باید مراقب چیزهایی بود که گاهاً بر وسایل گرمایشی تأثیر می‌گذارند و به علت نزدیکی به آن باعث

اشتعال می‌شوند و مواردی از این قبیل؛ چرا که علت یکی است. و چنان که پیامبر ﷺ فرمودند، آتش دشمن است.

بنابراین اگر روشن ماندن آتش خطری به دنبال نداشته باشد و چیزی که سبب اشتعال و انتشار آن گردد وجود نداشته باشد، در این صورت خاموش نکردن آن اشکالی ندارد. چرا که مدار حکم، وجود و عدم علت می‌باشد و در واقع حکم وابسته به وجود و عدم علت می‌باشد.



۳ وضو قبل از خواب:

در حدیث براء بن عازب رضی الله عنه آمده است که: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ...» «وقتی خواستی بخوابی همانند وضوی نماز، وضو

بگیر. سپس بر پهلوئی راست بخواب، سپس بگو: بار اله! چهره‌ام را تسلیم تو نمودم...».
[بخاری (۲۴۷) و مسلم (۲۷۱۰)].



۴ تکاندنِ بستر قبل از خوابیدن بر آن:

به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَنْفُضْ فِرَاشَهُ بِدَاخِلَةِ إِزَارِهِ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا خَلَفَهُ عَلَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ: بِاسْمِكَ رَبِّ وَصَعْتُ جَنِّي...» «هرگاه، یکی از

شما به رختخواب رفت، بسترش را از طرفی که روی او قرار می‌گیرد تکان دهد. زیرا نمی‌داند که بعد از او چه اتفاقی در آن رخ داده است. سپس بگوید: ای پروردگار! با نام تو پهلویم را بر زمین نهادم (خوابیدم)...».
[بخاری (۶۳۲۰) و مسلم (۲۷۱۴)].

داخله‌ی ازار قسمتی است که با بدن در تماس است.

از آنچه بیان شد، مشخص می‌شود که تکاندن بستر از طرفی که با بدن تماس دارد

سنت‌هایی که زمانی مشفص دارند

سنت است. و تکاندن سه مرتبه باشد. و هنگام تکاندن بسم الله بگوید.

بهتر است این عمل از طرفی انجام شود که با بدن وی در تماس است. برخی از اهل علم گویند به هر شیوه‌ای که باشد جایز است چون مهم این است که بستر تکانده شود. از جمله: شیخ ابن جبرین رحمته الله که می‌گوید: «تکان دادن آن از طرفی که با بدن در تماس است شرط نمی‌باشد بلکه اگر تمام بستر را تکان داد، یا با عمامه و دستار یا همانند آن هم اگر این کار را کرد، هدف برآورده شده است». [فتوی ابن جبرین (۲۶۹۳)].

۵ بر پهلوئی راست خوابیدن:



۶ دست راست را زیر گونه‌ی راست نهادن:

حدیث براء بن عازب رضی الله عنه بر این دو سنت دلالت دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وَضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ...»

«وقتی خواستی بخوابی همانند وضوی نماز، وضو بگیر. سپس بر پهلوئی راست بخواب و بگو: بار الها! چهره‌ام را تسلیم تو نمودم...». [بخاری (۲۷۱۰) و مسلم (۲۴۷)].

و حدیث حذیفه رضی الله عنه که می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَضَعَ يَدَهُ تَحْتَ خَدِّهِ...» «پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی در شب می‌خوابید، دستش را زیر گونه‌اش قرار می‌داد...». [بخاری (۶۳۱۴)].

۷ خواندن اذکار خواب:

در کتاب الله و سنت رسول الله اذکاری برای خواب آمده است:



۱ از قرآن:

ا < قرائت آیه الكرسي:

خواندن آیه الكرسي در هنگام خواب سنت است. با خواندن آن، شخص تا صبح از شر شیطان محفوظ خواهد ماند.

دلیل آن: داستان ابوهریره رضی الله عنه با دزد زکات می‌باشد. در حدیث آمده است که «قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا فَعَلَ أُسَيْرُكَ الْبَارِحَةَ؟، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! زَعَمَ أَنَّهُ يَعَلِّمُنِي كَلِمَاتٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا، فَخَلَيْتُ سَبِيلَهُ، قَالَ: مَا هِيَ؟ قُلْتُ: قَالَ لِي: إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ أَوَّلِهَا حَتَّى تَخْتَمَ الْآيَةَ (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ)، وَقَالَ لِي: لَنْ يَزَالَ عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرَبُكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تَصْبِحَ، وَكَانُوا أَحْرَصَ شَيْءٍ عَلَى الْخَيْرِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَمَا إِنَّهُ قَدْ صَدَقَكَ وَهُوَ كَذُوبٌ، تَعْلَمُ مَنْ تُحَاطَبُ مِنْذُ ثَلَاثِ لَيَالٍ يَا أَبَا هُرَيْرَةَ؟، قَالَ: لَا، قَالَ: ذَاكَ شَيْطَانٌ» [ابوهریره می‌گوید: رسول الله ﷺ به من فرمود: اسیرت دیشب چه کرد؟ گفتم: پنداشت کلماتی را به من می‌آموزاند که الله جل و بالا آن به من سود می‌رساند. لذا رهاش کردم. فرمود: آن چیست؟ گفتم: به من گفت: وقتی بر بستر قرار گرفتی، آیه الكرسي را از اول تا آخر «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ...» بخوان. در این صورت نگهبانی از جانب الله بر تو گمارده خواهد شد و شیطان تا صبح به تو نزدیک نمی‌شود. گفتمی است که یاران رسول الله برای انجام اعمال نیک، علاقه‌ی فراوانی داشتند. پیامبر ﷺ فرمود: اما او به تو راست گفت و خود دروغ‌گوست. می‌دانی در طول سه شب با چه کسی صحبت می‌کردی ای ابو هریره؟ گفت: خیر. گفت: او شیطان بوده است». [بخاری به صورت معلق (۲۳۱۱) و نسائی به صورت متصل در سنن کبری (۱۰۷۹۵)].

ب < قرائت دو آیهی آخر سورهی بقره:

در حدیث ابومسعود انصاری رضی الله عنه آمده است که رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ قَرَأَ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ، فِي لَيْلَةٍ، كَفَتَا» «کسی که در شب این دو آیه از آخر سورهی بقره را بخواند، او را کفایت می‌کنند». [بخاری (۴۰۰۸)، مسلم (۸۰۷)]. دو آیهی آخر سورهی بقره فقط مخصوص اذکار خواب نیست؛ لیکن ذکر است که در شب خوانده می‌شود.

سنت‌هایی که زمانی مشفص دارند

کسی که آن دو آیه را در شب نخواند و هنگام خواب یادش آمد، همان لحظه بخواند.

در معنای (کفته) اختلاف شده است:

چنانکه برخی گفته‌اند: به جای قیام اللیل برایش کافی است. و برخی گفته‌اند: از شر شیطان کفایتش می‌کند.

و برخی گفته‌اند: از آفات کفایتش می‌کند. و احتمال دارد که همه را در بر گیرد همان‌گونه که نووی رحمته گفته است. [شرح نووی بر مسلم: (۸۰۸) باب فضل الفاتحة و خواتیم سورة البقرة ...].

ج < سه بار خواندن سوره‌ی اخلاص، معوذتین و دمیدن آن بر دو کف دست و مسح بدن با دست‌ها:

دلیل: ام المومنین عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله هر شب چون بر بستر خوابش قرار می‌گرفت، دو کف دست را جمع نموده و در آن دو می‌دمید و بر آن دو «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» می‌خواند. سپس با دستانش تا هر جا از بدنش که می‌توانست، مسح می‌کرد؛ از سر و صورت و جلوی بدن شروع می‌کرد و این کار را سه بار انجام می‌داد. [بخاری (۵۰۱۷)].

از این حدیث استنباط می‌شود که: پیامبر صلی الله علیه و آله هر شب این سنت را انجام می‌داد. چنانکه ام المومنین عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «كُلَّ لَيْلَةٍ»: هرشب. حال هرکس می‌خواهد این سنت را انجام دهد، دو کف دستش را جمع نموده، سپس سوره‌ی اخلاص

و معوذتین (را خوانده و) در آن دو بدمد، سپس تا هر جا از بدنش که می‌تواند مسح کند. از سر و صورتش آغاز کرده و این کار را سه بار انجام دهد.

د < خواندن سوره‌ی کافرون:

به دلیل حدیث عروة بن نوفل رضی الله عنه از پدرش که پیامبر صلی الله علیه و آله به نوفل فرمود: «اقْرَأْ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ثُمَّ نَمَّ عَلَي خَاتِمَتِهَا، فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنْ



الشركِ» «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» را بخوان؛ سپس در پایان آن، بخواب. چرا که این سوره برائت جستن از شرک است». [احمد (۲۱۹۳۴) و ابوداود (۵۰۵۵)، ترمذی (۳۴۰۳) و آلبانی رحمته آن را حسن می‌داند].

۲ در سنت هم دعاهای فراوانی آمده است؛ از جمله:

أ < «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَأَحْيَا» «بار الها با نام تو می‌میرم و زنده می‌شوم». [بخاری (۶۳۲۴) از حدیث حذیفة رضی الله عنه].

ب < «اللَّهُمَّ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوَفَّاهَا، لَكَ مَمَاتُهَا وَمَحْيَاهَا، إِنَّ أَحْيَيْتَهَا فَاحْفَظْهَا، وَإِنْ أَمَتَهَا فَاعْفِرْ لَهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ» «پروردگارا! تو مرا آفریدی و تو آن را می‌میرانی، مرگ و زندگیش برای توست، اگر او را زنده نمودی حفظش کن و اگر او را میراندی بیمارزش. الهی! از تو عافیت می‌خواهم». [مسلم (۲۷۱۲)]

ج < «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ» «الهی! ای پروردگار آسمان‌ها و زمین و ای پروردگار عرش بزرگ، ای پروردگار ما و پروردگار همه چیز، ای شکافنده‌ی دانه و هسته، ای نازل کننده تورات و انجیل و فرقان؛ به تو پناه می‌آورم از شر تمام موجودات که افسارشان در دست توست. بار الها! تو اول هستی و قبل از تو چیزی نبوده و تو آخر هستی و بعد از تو چیزی وجود ندارد و تو ظاهر هستی و (و در ظهور) بالای تو چیزی نیست و تو باطن هستی و فروتر از تو چیزی نیست؛ از من قرضم را برطرف کن و از فقر بی‌نیازم گردان». [مسلم (۲۷۱۳)].

د < «بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتَ جَنبِي وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا، وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ» «پروردگارا! با نام تو پهلویم را (بر زمین) می‌نهم. و با نام تو بلندش می‌کنم، اگر جانم را گرفتی، به آن رحم کن، اگر آزادش کردی (و زنده ماندم) مرا چنان محفوظ دار که صالحان و درستکاران را محفوظ می‌داری».

[بخاری (۶۳۰۲) و مسلم (۲۷۱۴)].

هـ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا، كَفَانَا وَأَوَانَا، فَكَمْ مِمَّنْ لَا كَافِيَ لَهُ وَلَا مُؤَيِّ﴾
 «ستایش مخصوص ذاتی است که ما را غذا داد و ما را نوشاند؛ و کفایت‌مان کرد و ما را جای داد. چه بسیارند آنان که نه کفایت‌کننده‌ای دارند و نه جای دهنده‌ای. از حدیث انس رضی الله عنه که می‌گوید: چون رسول الله صلی الله علیه و آله بر بستر خواب قرار می‌گرفت، می‌فرمود: ﴿الحمد لله...﴾. [مسلم (۲۷۱۵)].

و ﴿اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ﴾. الهی! روزی که بندگانت را محشور می‌کنی، مرا از عذابت محافظت فرما. [احمد: (۱۸۶۶۰)، آلبانی رحمته الله علیه در (صحیح الجامع ۸۶۹/۲) آن را صحیح می‌داند؛

ز ﴿سبحان الله و الحمد لله هرکدام ۳۳ بار و الله اکبر ۳۴ بار.

سنت است که هنگام خواب ۳۳ بار سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۴ بار الله اکبر بگوید. این کار دارای فضیلت بسیاری است. و آن اینکه در آن روز باعث افزایش نیروی بدنی وی می‌شود.

دلیل آن: حدیث علی رضی الله عنه می‌باشد که فاطمه به دلیل مشقت کار با آسیاب‌دستی نزد رسول خدا شکایت نمود. و این پس از آوردن اسیرانی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بود. فاطمه رضی الله عنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و وی را نیافت. عایشه رضی الله عنها را دید و به او خبر داد. و چون پیامبر صلی الله علیه و آله تشریف آورد و عایشه رضی الله عنها از آمدن فاطمه به ایشان خبر داد. (علی رضی الله عنه می‌گوید) پیامبر صلی الله علیه و آله نزد ما آمد و ما بر بستر خواب بودیم. خواستیم برخیزیم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «عَلَىٰ مَكَانِكُمَا» «در جای‌تان بمانید (راحت باشید)». میان ما دو نفر نشست تا جایی که سردی پای مبارک را بر سینه‌ی خود احساس کردم. سپس فرمود: «أَلَا أَعْلَمُكُمْ خَيْرًا مِّمَّا سَأَلْتُمَا؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعَكُمْ، أَنْ تُكْبِرَا اللَّهَ أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ، وَتُسَبِّحَاهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، وَتَحْمَدَاهُ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ، فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ خَادِمٍ» «آیا به شما چیزی بهتر از آنچه خواستید نیاموزم. و آن اینکه وقتی در بستر خواب قرار گرفتید، سی و چهار بار الله اکبر بگویید، سی و سه بار سبحان الله بگویید و سی و سه بار الحمد لله بگویید. این برای شما از خادم بهتر است». [بخاری (۳۷۰۵) و مسلم (۲۷۲۷)].

و در روایتی آمده است که علی رضی الله عنه چنین گفته است: «از زمانی که آن را از رسول صلی الله علیه و آله شنیدم، عمل به آن را ترک نکردم. به وی گفته شد: حتی شب صفین؟ گفت: حتی شب صفین». [بخاری (۵۳۶۲) و مسلم (۲۷۲۷)].

ح ﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ﴾ «پروردگارا! با خوف و رجاء، چهره‌ام را بسوی تو برمی گردانم و تمام امورم را به تو می سپارم و تو را پشت و پناه خود می دانم. و یقین دارم که هنگام خشم و غضبت، پناهی جز تو ندارم. پروردگارا! به کتابی که نازل فرمودی و پیامبری که مبعوث نمودی، ایمان آوردم». [بخاری (۲۴۷)، مسلم (۲۷۱۰)].

و در آخر حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَأَجْعَلُهُنَّ مِنْ آخِرِ كَلَامِكَ، فَإِنْ مِتَّ مِنْ لَيْلَتِكَ، مِتَّ وَأَنْتَ عَلَى الْفِطْرَةِ» «اینها را در آخر کلامت قرار بده؛ پس اگر آن شب از دنیا رفتی، بر فطرت از دنیا رفته‌ای».

و در روایتی از مسلم آمده است: «وَإِنْ أَصْبَحْتَ، أَصْبَحْتَ عَلَى خَيْرٍ» «و اگر صبح کردی بر خیر و نیکی صبح کردی».



◆ ذکر پناهگاه محکمی است، و مایه سرزندگی قلب است، پس از ذکر کنندگان باش، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَثَلُ الَّذِي يَذْكُرُ رَبَّهُ وَالَّذِي لَا يَذْكُرُ رَبَّهُ، مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ» «مثال کسی که پروردگارش را ذکر می کند و آن که او را یاد نمی کند، مانند زنده و مرده است».

این حدیث بیانگر سنت دیگری هم هست و آن: اینکه این ذکر باید آخرین کلماتی باشد که در هنگام خواب بر زبان می‌آورد. و در آن پاداش بزرگ دیگری هم نهفته است و آن اینکه اگر فرضاً در آن روز از دنیا برود، بر سرشت و فطرت وفات یافته است. یعنی: یکتاپرست و بر اساس دین ابراهیمی وفات نموده است. و اگر صبح نمود با خیر در رزق و روزی و کارش صبح نموده است. و این کلماتی شامل و کامل است که این فضایل را به دنبال دارد. - والله اعلم -.

شایان ذکر است که: ذکر بزرگی وجود دارد که باعث فضل بزرگی می‌شود که الله متعال آن را ارزانی می‌دارد. و آن حدیثی است که در صحیح بخاری از شداد بن اوس رضی الله عنه روایت شده است که: «سَيِّدُ الْإِسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، قَالَ: وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا فَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُمْسِيَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ وَهُوَ مُوقِنٌ بِهَا فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» «سرآمد استغفار این است که بگویی: الهی! تو پروردگار منی، بجز تو معبود بر حقی وجود ندارد، مرا آفریدی و من بنده‌ی تو هستم. بر پیمان و وعده‌ی تو تا حد توان، استوارم. از بدی کارهایی که انجام داده‌ام، به تو پناه می‌برم. و به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهیانی که انجام داده‌ام، اعتراف می‌کنم. پس مرا مغفرت کن زیرا کسی بجز تو، گناهان را نمی‌بخشد. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس در روز این دعا را بخواند و به آن یقین داشته باشد و در همان روز قبل از مغرب از دنیا برود، از بهشتیان خواهد بود. و هرکس آن را در شب بخواند و به آن یقین داشته باشد و قبل از اینکه صبح کند، از دنیا برود، از اهل بهشت خواهد بود». [بخاری (۶۳۰۶)].

۸ خواندن سوره اخلاص در هر شب سنت است:

از ابو دَرْدَاء رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَيُّعِزُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِي لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟» قَالُوا: وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ» «آیا یکی از شما نمی‌تواند در یک شب، یک سوم قرآن را بخواند؟» صحابه عرض کردند: چگونه

یکی از ما می‌تواند یک سوم قرآن را بخواند؟ فرمود: «(قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) برابر با یک سوم قرآن است». [مسلم (۸۱۱) و بخاری از حدیث ابو سعید رضی الله عنه (۵۰۱۵)].



سنت‌هایی در باب خواب دیدن:

هر خوابی از سه حالت خارج نیست چنانکه در حدیث ابوهریره رضی الله عنه در صحیح مسلم آمده است:

۱) رویای صالحه می‌باشد. و آن عبارت است

از خواب نیکی که بشارت و مزده‌ای از جانب الله تعالی است و آدابی دارد که بیان آنها خواهد آمد.

۲) خواب‌های غم‌انگیز که از سوی شیطان است. که اگر انسان به آداب خواب پایبند باشد به او ضرر نمی‌رساند. این آداب خواهد آمد.

۳) چیزی را خواب ببیند که قبل از خوابیدن در مورد آن سخن بگوید. که این نوع خواب مهم نیست.

از سنت‌های این باب، مطالبی است که در این احادیث آمده است:

از ابوسلمه رضی الله عنه روایت است که: گاهی خواب‌هایی می‌دیدم که مرا بیمار می‌کرد؛ می‌گویند: با ابوقتاده ملاقات کردم و گفت: من هم خواب‌هایی می‌بینم که بیمارم می‌کرد تا اینکه از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا

يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وَإِنْ رَأَى مَا يَكْرَهُ فَلْيَتْفَلَّ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهَا، وَلَا يُحَدِّثُ بِهَا أَحَدًا فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ» «خواب نیک از (جانب) الله ﷻ است؛ اگر کسی از شما خوابی خوشایند دید، آن را برای کسی جز آنکه دوستش دارد، تعریف نکند. و اگر خواب ناپسندی دید، به سمت چپش سه بار تف کند و از شیطان و شر شیطان به الله ﷻ پناه ببرد. (بگوید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم). و با هیچکس در مورد آن حرف نزنند، چراکه این خواب آسیبی به او نمی‌رساند».

ابوسلمه رضی الله عنه می‌گوید: «خواب‌هایی می‌دیدم که از کوه بر من سنگین‌تر بود؛ از زمانی که این حدیث را شنیدم توجهی به چنین خواب‌هایی ندارم». [بخاری (۵۷۴۷) و مسلم (۲۲۶۱)]. و در روایتی آمده است: «الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ، وَالْحُلْمُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا حَلَمَ أَحَدُكُمْ حُلْمًا يَخَافُهُ فَلْيَبْصُقْ عَنْ يَسَارِهِ وَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ» «خواب نیک از طرف الله ﷻ است و خواب بد از سوی شیطان. هرگاه یکی از شما خواب پریشانی دید و ترسید، به سمت چپش آب دهان بیندازد و از شر آن به الله ﷻ پناه ببرد آنگاه ضرری به او نمی‌رسد». [بخاری (۳۲۹۲) و مسلم (۲۲۶۱)].

و در حدیث جابر رضی الله عنه که در صحیح مسلم آمده است، رسول الله ﷺ می‌فرماید: «و لِيَسْتَعِذَّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثًا، وَلِيَتَحَوَّلَ عَنْ جَنْبِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ» «باید سه بار از شیطان به الله ﷻ پناه ببرد و بر پهلوئی دیگر بخوابد». [مسلم (۲۲۶۲)].

و در بخاری از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ الرُّؤْيَا يُحِبُّهَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ فَلْيُحَمِّدْ اللَّهَ عَلَيْهَا» «هرگاه یکی از شما خوابی دید که آن را دوست داشت، آن خواب از جانب الله ﷻ است. و باید به پاس آن الله ﷻ را ستایش کند». [بخاری (۷۰۴۵)].

از این احادیث چنین برداشت می‌شود که:

۱) هرکس خواب نیکی دید، سنت است این کارها را انجام دهد:

اول: الله را به پاس آن ستایش کند که این خواب از سوی او ﷻ است.

دوم: آن را تعریف کند؛ البته برای کسی که او را دوست می‌دارد.

۲ و کسی که خواب ناپسندی دید، سنت است کارهای زیر را انجام دهد:

اول: سه بار به سمت چپ خود آب دهان بیندازد.

دوم: سه بار از شیطان و شرّ خوابی که دیده به الله [تعالی] پناه ببرد. یعنی بگوید:

اعوذ بالله من الشیطان و من شرّها.

سوم: این خواب را برای هیچکس تعریف نکند. در این صورت بنا به رهنمود نبوی

ضرری متوجه او نمی‌شود. و اگر خواست علاوه بر این چنین عمل کند:

چهارم: بر پهلوئی دیگر بخوابد. و اگر بر پشت دراز کشیده به پهلو بخوابد و به طور کلی

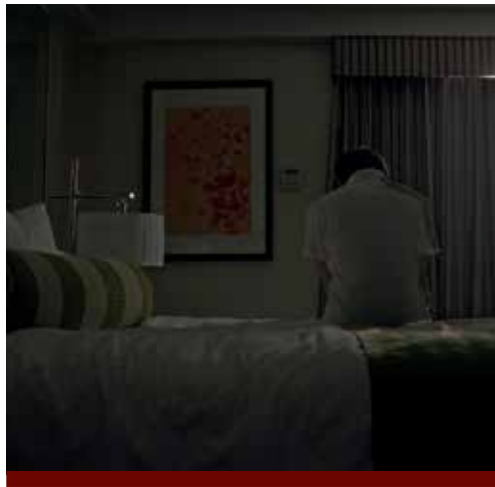
حالت خود را تغییر دهد.

پنجم: برخیزد و دو رکعت نماز بخواند.

از این احادیث چنین برداشت می‌شود که: خواب انسان مؤمن بخشی از نبوت است.

و خواب کسی از همه راست‌تر است که در بیداری راستگوترین باشد. و این از تاثیرات و برکات راستگویی برای انسان مسلمان است حتی در حالت خواب.

کسی که شبانه از خواب برخاست، سنت است این ذکر را بخواند:



و این مطلبی است که در حدیث

عبادة بن الصامت رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله

روایت است که فرمود: «مَنْ تَعَارَّ مِنْ

اللَّيْلِ فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ،

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، أَوْ

دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ

صَلَاتُهُ» (کسی که در شب برخاست، پس بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِفِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، أَوْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلَاتُهُ: معبودی (برحق) به جز الله نیست یگانه‌ی بی‌شریک است. او پادشاهی از آن اوست. و ستایش مخصوص اوست. و او بر هر چیز قادر است. حمد و ستایش مخصوص الله است، الله پاک منزّه است، معبودی به حق جز او نیست. الله (از همه) بزرگ‌تر است. و هیچ چاره و قوتی جز با الله وجود ندارد. سپس بگوید: بارالها مرا بیامرز، یا دعا کند، اجابت می‌شود. و اگر وضو گرفت و نماز خواند، نمازش قبول می‌گردد». [بخاری (۱۱۵۴)].

ابن اثیر رحمته می‌گوید: «من تعار باللیل» یعنی از خوابش برخاست. [النهاية في غريب الأثر، نوشته‌ی ابن اثیر (ص ۱۰۸)].

در این حدیث دو مژده‌ی بزرگ موجود است. و آن زمانی است که کسی از خواب برخاسته و این ذکر را بخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» دو مژده برای اوست:

اول: اگر بگوید: «بارالها مرا بیامرز، یا دعا کند، دعایش اجابت می‌شود».

دوم: «اگر برخاست و وضو گرفت و نماز خواند، نمازش قبول است».

پس ستایش از آن خداوندی است که با این فضایل بر ما منت نهاد؛ و از او توفیق و عمل را خواهیم.

و با ذکر این سنت، به پایان بیان سنت‌های مقرر در اوقات خاص می‌رسیم. چرا که پس از آن به سنت‌های بیدار شدن از خواب پرداختیم و اولین آن مسواک زدن است و نیز گفتن: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» «ستایش مخصوص خداوندی است که بعد از اینکه ما را میراند، زنده نمود و محشور شدن به سوی اوست».



سنت‌هایی که مقید به وقت خاصی نیستند

این بخش دوم از سنت‌های روزمره است و میدان این بخش از سنت‌ها بسیار وسیع و گسترده است. این سنت‌ها فراوانند و برخی از آنها با تغییر موقعیت‌ها، اشخاص، اماکن و وقت‌ها تغییر می‌کند.

تلاش ما بر این است که در ادامه سنت‌هایی را که روزانه تکرار می‌شوند بیان کنیم. از الله متعال توفیق و رهنمون شدن به حق را خواهانم.

اولین سنت‌ها در این بخش: سنت‌های غذا خوردن



نخست: سنت‌هایی در مورد غذا خوردن



۱ بسم الله گفتن در ابتدای غذا:

از عمر بن ابی سلمه رضی الله عنه روایت است که: من کودکی تحت سرپرستی رسول الله صلی الله علیه و آله بودم که دستم در هر جای بشقاب می‌چرخید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا غُلَامُ سَمِّ اللَّهَ، وَكُلْ بِيَمِينِكَ، وَكُلْ مِمَّا يَلِيكَ» «ای پسر (جان) بسم الله بگو، با دست راست بخور و از جلوی خودت بخور. از آن به بعد روش غذا خوردنم همین‌گونه بود». [بخاری (۵۳۷۶) و مسلم (۲۰۲۲)].
و اگر بسم الله گفتن فراموش شد، سنت است هرگاه به یاد آورد، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ أَوْلَهُ وَآخِرَهُ».

و دلیل آن حدیث عایشه رضی الله عنها است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ، فَإِنْ نَسِيَ أَنْ يَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ فِي أَوَّلِهِ، فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ أَوْلَهُ وَآخِرَهُ» «هرگاه یکی از شما غذا خورد، باید نام الله را ذکر کند (بسم الله بگوید). و اگر بسم الله گفتن

در ابتدای غذا را فراموش کرد باید بگوید: بسم الله اوله و آخره». [ابوداود (۳۷۶۷)، ترمذی (۱۸۵۸)؛ و چنان که پیش‌تر گذشت، آلبانی رحمته آن را صحیح می‌داند].

و حدیث نبوی بر این دلالت دارد که انسان با دست راستش بخورد تا مشابهت به شیطان نکرده باشد. چون وقتی مسلمان بسم الله نکند، شیطان با او در غذایش شریک می‌شود و اگر با دست چپ بخورد یا بیاشامد، عملی چون شیطان انجام داده است. زیرا شیطان با دست چپ خورد و نوش می‌کند.

دلیل: حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَأْكُلَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ بِسْمَالِهِ، وَلَا يَشْرَبَنَّ بِهَا، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِسْمَالِهِ وَيَشْرَبُ بِهَا» «هرگز یکی از شما با دست چپش نخورد و با آن ننوشد؛ چرا که شیطان با (دست) چپش می‌خورد و می‌نوشد. راوی می‌گوید: نافع بر روایت افزوده و می‌گفت: و با آن (چیزی را) نگیرد و ندهد». [مسلم (۲۰۲۰)].

شیطان بسیار حریص است که وارد منازل شود. تا شب در آنجا بماند و با اهل منزل در خورد و نوش شریک شود. از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده است: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَيْتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيْتَ وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْمَيْتَ وَالْعَشَاءَ» «هنگامی که کسی وارد خانه‌اش شود و در هنگام ورود و خوردن، نام الله را بر زبان آورد (بسم الله بگوید)، شیطان (به همراهانش) می‌گوید: نه محل استراحت دارید و نه شام. و اگر وارد شد و در هنگام ورود بسم الله نگفت: شیطان می‌گوید: محل استراحت پیدا کردید. و اگر نام الله صلی الله علیه و آله را هنگام غذایش نگیرد، (شیطان) می‌گوید: به خوابگاه و غذا دست یافتید». [مسلم (۲۰۱۸)].

۲ خوردن از جلوی رو:

به دلیل حدیث عمر بن ابوسلمه رضی الله عنه که پیش‌تر ذکر شد. و در آن رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «وَكُلُّ مِمَّا يَلِيكَ» «از جلوی خودت بخور».



۳ برداشتن لقمه‌ای که افتاده است و پاک نمودن آن و خوردنش:

جابر رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضِرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ، حَتَّى يَحْضِرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمْ اللَّقْمَةُ فَلْيُمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَدَى، ثُمَّ لْيَأْكُلْهَا، وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ، فَإِذَا فَرَعَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبَرْكَةُ» «همانا شیطان موقع هر کار و عملی حتی موقع خوردن نیز نزد شما می‌آید، لذا هرگاه لقمه‌ای از دست شما افتاد، باید آلودگی‌های آن زدوده شود و خورده شود و برای شیطان گذاشته نشود. وقتی از خوردن طعام فارغ شدید، انگشت‌های تان را بوسیله زبان پاک کنید، یعنی غذای روی انگشت‌ها را بخورید، زیرا معلوم نیست برکت و خیر در کدام قسمت غذا نهفته است». [مسلم (۲۰۳۳)].

کسی که در حدیث تامل کند در خواهد یافت که شیطان بر مشارکت با انسان در تمام کارهایش، حریص است. تا برکت را از زندگی‌اش بگیرد و موجب بسیاری از کارهای وی شود. و از مواردی که دلالت بر طمع وی برای مشارکت در تمام کارهای بندگان [الله صلی الله علیه و آله] دارد، این فرموده رسول الله صلی الله علیه و آله است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضِرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ» «همانا شیطان موقع هر کار و عملی نزد شما می‌آید».

۴ لیسیدن انگشتان:

سنت است که انگشتان لیس زده شود. یا شخصی دیگر همانند همسر آن‌را بلیسد. بلکه سنت این است که نباید با پارچه یا چیز دیگری دستانش را پاک کند تا اینکه آنها را بلیسد.

دلیل: حدیث جابر رضی الله عنه است که پیش‌تر بیان شد.



در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَمْسَحُ يَدَهُ حَتَّى يَلْعَقَهَا، أَوْ يُلْعَقَهَا» «هرگاه یکی از شما غذا خورد، دستش را پاک نکند تا خودش یا دیگری آن‌را بلیسد». [بخاری (۵۴۵۶)، مسلم (۲۰۳۳)].

۵ تمیز کردن ظرف غذا با انگشت:

مثلاً کسی که برنج می‌خورد، سنت است که ظرف غذايش را چنان تمیز کند که چیزی باقی نماند. و با انگشت آنچه را در ظرف مانده پاک نموده و بخورد. چه بسا که برکت در همین غذای باقی مانده در ظرف باشد.



دلیل: حدیث انس رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول خدا به ما دستور داد که ظرف غذا را با انگشتان پاک کنیم. [مسلم (۲۰۳۴)]. و امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که: «وَلَيْسَتْ أَحَدُكُمْ الصَّحْفَةَ» (باید هر یک از شما سینی (یا بشقاب یا ظرف غذايش) را با انگشت پاک کند). [مسلم (۲۰۳۵)].

استاد ما شیخ ابن عثیمین رحمته الله می‌گوید: «ظرفت را با انگشت پاک کن و انگشتت را لیس بزن». و با تأسف باید گفت: این هم از سنت‌هایی است که بسیاری از مردم از آن غافل شده‌اند؛ حتی برخی از طلاب علم. [شرح ریاض الصالحین (۸۹۲/۱)].

۶ غذا خوردن با سه انگشت:

سنت است که با سه انگشت غذا بخورد. و این در مورد غذاهایی است که با سه انگشت قابل حمل هستند؛ همانند خرما. لذا سنت است که چنین غذاهایی با سه انگشت تناول گردد.



دلیل: حدیث کعب بن مالک رضی الله عنه که می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَأْكُلُ بِثَلَاثِ أَصَابِعٍ، وَيَلْعَقُ يَدَهُ قَبْلَ أَنْ يَمْسَحَهَا» (رسول الله ﷺ با سه انگشت غذا می‌خورد. و دستش را قبل از پاک کردن لیس می‌زد). [مسلم (۲۰۳۲)].



۷ تنفس بیرون غذا:

سنت است که نوشیدنی با سه نَفَس خورده شود. و بعد از هر نوشیدن نفس کشیده شود.

دلیل: حدیث انس رضی الله عنه است که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله آب و هر نوشیدنی دیگر را با سه نفس می‌خورد. و می‌فرمود: «إِنَّهُ أَرَوَى، وَأَبْرَأُ، وَأَمْرًا» (اینگونه سیرآب‌کننده‌تر، برطرف کننده تشنگی و خوش‌گوارتر است). [بخاری (۵۶۳۱)، مسلم (۲۰۲۳)].

منظور از تنفس در ظرف: تنفس به هنگام نوشیدن از ظرف است. یعنی بیرون از ظرف نفس می‌کشید. چرا که نفس کشیدن در ظرف مکروه است. به دلیل حدیث ابوقتاده رضی الله عنه در صحیحین که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا شَرَبَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ» (وقتی یکی از شما (آب یا هر نوشیدنی) نوشید در ظرف تنفس نکند). [بخاری (۵۶۳۰)، مسلم (۲۶۶۷)].

۸ الحمد لله گفتن بعد از غذا:



دلیل این سنت: حدیث انس بن مالک رضی الله عنه است که می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الْأَكْلَةَ فَيَحْمَدُهُ عَلَيْهَا، أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدُهُ عَلَيْهَا» (به راستی الله [متعال] راضی می‌شود از بنده‌ای که لقمه‌ای می‌خورد و او (الله) را به خاطر آن شکر می‌کند. یا نوشیدنی می‌نوشد و به سبب آن او تعالی را شکر می‌کند). [مسلم (۲۷۴۳)].

برای حمد و شکر خداوند الفاظ مختلفی به کار رفته است؛ از جمله:

أ- «الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ غَيْرَ مَكْفِيٍّ، وَلَا مُودَعٍ، وَلَا مُسْتَعْنَى عَنْهُ رَبَّنَا» (حمد و ستایش بسیار فراوان و پاک و پر از برکت برای الله صلی الله علیه و آله) که نعمت‌هایش جبران

سنت‌هایی که مقید به وقت فاصی نیستند

ندارد و پایان‌ناپذیر است و انسان از او بی‌نیاز نیست». [بخاری (۵۴۵۸)]

ب- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَانَا وَأَرْوَانَا غَيْرَ مَكْفِيٍّ، وَلَا مَكْفُورٍ» «حمد و ستایش از آن‌ خدایی است که ما را کفایت کرده و سیراب نموده است و نعمت‌هایش برگردانیده نمی‌شود و مورد ناسپاسی قرار نمی‌گیرد». [بخاری (۵۴۵۹)].

(غیر مکفی): یعنی محتاج هیچکس نیستیم و اوست (الله ﷻ) که بندگانش را می‌خوراند و کفایت‌شان می‌کند. (ولا مودع) ترک‌کننده‌ی آن نیستیم. (کفانا) از کفایت گرفته شده است. (أروانا) به معنای سیرآبی است. (و لا مكفور) بدون انکار فضل و نعمتش.

۹ غذا خوردن دسته‌جمعی:



سنت است با هم و گروهی غذا بخوریم و پخش و پراکنده و تنها نباشیم.

دلیل: حدیث جابر رضی الله عنه است که می‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: «طَعَامُ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ، وَطَعَامُ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الْاَرْبَعَةَ، وَطَعَامُ الْاَرْبَعَةِ يَكْفِي الثَّمَانِيَةَ» «غذای یک نفر برای دو نفر کفایت می‌کند، و غذای دو نفر چهار نفر را کافی است و غذای چهار نفر هشت نفر را کفایت می‌کند». [مسلم (۲۰۹۵)].

۱۰ تعریف کردن از غذا اگر رضایت‌بخش بود:

سنت است اگر غذایی رضایت‌بخش بود، از آن تعریف و تمجید نماید. و بدون شک نباید چیزی جز آنچه را در غذا هست تعریف نمود.

دلیل: حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه که رسول الله ﷺ از خانواده‌اش غذای آبکی تقاضا نمود. گفتند: جز سرکه چیزی نداریم. آن‌را خواست. از آن می‌خورد و می‌فرمود: «نِعْمَ الْأُدْمُ الْخَلُّ. نِعْمَ الْأُدْمُ الْخَلُّ» «سرکه عجب شوربایی است! سرکه عجب شوربایی است!». [مسلم (۲۰۵۲)]. و این سرکه غذایی معروف نزد آنان بوده است و شیرین بوده و مانند سرکه‌ی امروزی که در اختیار ماست، ترش نبوده است.

شیخ ابن عثیمین رحمته اللہ علیہ می‌گوید: «این هم از روش رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم است که اگر از غذایی خوشش می‌آمد، آن‌را تعریف می‌نمود. مثلاً اگر خواستی نانِ کسی را تعریف کنی بگو: بهترین نان، نان فلان خانواده است. یا سخنی شبیه این. این هم سنت رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم است.» [شرح ریاض الصالحین (۱۰۵۷/۲)].

هر کس نگاهی به وضعیت کنونی ما داشته باشد متوجه می‌شود چه زیاد مردم دچار امور خلاف سنت می‌شوند؛ نه تنها به ترک سنت اکتفا نمی‌کنند، بلکه با آن مخالفت هم می‌کنند. یعنی از غذا عیب و ایراد گرفته و گاهی از آن به بدی یاد می‌کنند؛ و این خلاف روش رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم است. در صحیحین از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت است که: «هرگز پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم از غذایی عیب و ایراد نمی‌گرفت؛ اگر دوست داشت می‌خورد و گرنه از خوردنش صرف نظر می‌کرد.» [بخاری (۳۵۶۳) و مسلم (۲۰۶۴)].

۱۱) دعا کردن برای صاحب غذا (میزبان):

دلیل: حدیث عبدالله بن بسر رضی اللہ عنہ است که می‌گوید: «پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم مهمان پدرم شد. برای‌شان یک نوع غذا و حلوا آوردیم. از آن خوردند. مقداری خرما آورده شد و از آن خوردند و هسته خرما را میان انگشتان‌شان قرار می‌دادند و سیابه و انگشت وسط را جمع می‌نمودند. سپس یک نوشیدنی آورده شد و نوشیدند. سپس آن‌را به شخصی که در سمت راست بود دادند، عبدالله می‌گوید: پدرم افسار سواری پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را گرفت و گفت: برایمان نزد الله دعا کن. فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِي مَا رَزَقْتَهُمْ، وَاعْفِرْ لَهُمْ، وَارْحَمْهُمْ» بار الها! در آنچه روزی‌شان نمودی برکت بده، آنان را بیامرز و به آنان رحم نما». [مسلم: (۲۰۴۲)]، وطبة: نوعی حلوا که از خرما و کشک خرد شده و روغن تهیه می‌گردد.

۱۲) مستحب است کسی که نوشیدنی می‌نوشد، قبل از سمت چپ به



شخص سمت راستش تعارف نماید:

یعنی وقتی چیزی نوشید، سنت است نوشیدنی را قبل از اینکه به افراد سمت چپ دهد به کسی که در سمت راستش قرار دارد، بدهد.

دلیل: حدیث انس بن مالک رضی الله عنه است که می‌گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه‌ی ما تشریف آوردند. نوشیدنی طلبیدند. گوسفندی را برای‌شان دوشیدیم. سپس از آبِ چاهِ خود با آن (شیر) مخلوط کردم. انس می‌گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله دادم و ایشان نوشیدند. ابوبکر سمت چپ ایشان نشسته بود و عمر روبرویش و یک اعرابی سمت راستش. وقتی نوشیدن پیامبر صلی الله علیه و آله پایان یافت، عمر گفت: این ابوبکر است ای رسول الله صلی الله علیه و آله و او را نشان داد، ولی رسول الله صلی الله علیه و آله آن‌را به اعرابی داد. و ابوبکر و عمر را رها کرد. و فرمود: «الْأَيْمُنُونَ، الْأَيْمُنُونَ، الْأَيْمُنُونَ» راستی‌ها (افراد سمت راست)، راستی‌ها، راستی‌ها. انس رضی الله عنه می‌گوید: این سنت است، این سنت است، این سنت است. [بخاری (۲۵۷۱)، مسلم (۲۰۲۹)].

۱۳ کسی که به دیگران می‌نوشاند، خود آخرین نفر است که می‌نوشد:

سنت است کسی که به دیگران می‌نوشاند، خود از همه دیرتر بنوشد.

دلیل آن: حدیث طولانی ابوقتاده رضی الله عنه می‌باشد که در آن آمده است: «... پیامبر صلی الله علیه و آله شروع به ریختن کرد و من به آنان می‌دادم، تا اینکه جز من و رسول الله صلی الله علیه و آله کسی دیگر باقی نماند. راوی می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله ریخت و به من فرمود: بنوش. گفتم: تا شما ننوشید من نمی‌نوشم. فرمود: «إِنَّ سَاقِي الْقَوْمِ آخِرُهُمْ شَرِبًا» کسی که به دیگران می‌نوشاند از همه دیرتر بنوشد. گفت: پس نوشیدم و رسول الله صلی الله علیه و آله هم نوشید...». [مسلم (۶۸۱)].

تذکر:

سنت است کسی که شیر می‌نوشد بعد از آن دهانش را با آب بشوید. تا چربی موجود در شیر از دهانش پاک شود.

دلیل آن: حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است که: پیامبر صلی الله علیه و آله شیر نوشید. سپس آب خواست و آن‌را مضمضه کرد و فرمود: «إِنَّ لَهُ دَسْمًا» (شیر، چربی دارد). [بخاری (۲۱۱) و مسلم (۳۵۸)].

۱۴ پوشیدن سرِ ظرف‌ها و بسم الله گفتن هنگام غروب:

سنت است در ظرف‌های باز هنگام غروب بسته شود. و دهانه‌ی ظرف‌های آب، بسته و همان وقت بسم الله گفته شود.

دلیل: حدیث جابر رضی الله عنه است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «عَطُّوا الْإِنَاءَ، وَأَوْكُوا السَّقَاءَ، فَإِنَّ فِي السَّنَةِ لَيْلَةً يَنْزِلُ فِيهَا وَبَاءٌ، لَا يَمُرُّ بِإِنَاءٍ لَيْسَ عَلَيْهِ غَطَاءٌ، أَوْ سِقَاءٍ لَيْسَ عَلَيْهِ وَكَاءٌ، إِلَّا نَزَلَ فِيهِ مِنْ ذَلِكَ الْوَبَاءِ» «ظرف‌ها را بپوشانید و دهانه‌ی ظرف آب را ببندید؛ زیرا در سال شبی است که در آن وبا نازل می‌شود. از ظرفی عبور نمی‌کند که سرش پوشیده نباشد یا مشک‌ی که دهانه‌اش بسته نباشد، مگر اینکه وارد آن می‌شود». [مسلم (۲۰۱۴)] و در صحیح بخاری از جابر رضی الله عنه روایت است: «وَأَوْكُوا قَرَبَكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، وَحَمَرُوا آيَتِكُمْ، وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ، وَلَوْ أَنْ تَعْرَضُوا عَلَيْهَا شَيْئًا» «(دهانه‌ی) مشک‌های‌تان را با نخ ببندید و بسم الله بگویید، دهنه ظرف‌های‌تان را ببندید و بسم الله بگویید. حتی اگر شده بر آن چیزی بگذارید». [بخاری (۶۵۲۳)].



سنت‌هایی در مورد سلام، ملاقات و هم‌نشینی



۱ یکی از سنت‌ها، سلام کردن است:

ادله در این زمینه بسیار و مشهور هستند. از جمله: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ»، قِيلَ: مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «إِذَا لَقَيْتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ، وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ، وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانصَحْ لَهُ، وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَشَمِّتْهُ، وَإِذَا مَرِضَ فَعُدَّهُ، وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ» «حق مسلمان بر مسلمان، شش چیز است». گفته شد، آنها کدامند ای رسول الله صلی الله علیه و آله؟ فرمود: «وقتی ملاقتش نمودی بر او سلام کنی، چون تو را دعوت نمود دعوتش را بپذیری، وقتی از تو درخواست نصیحت نمود نصیحتش کنی، وقتی عطسه کرد و الحمد لله گفت، جوابش را بدهی (بگویی: یرحمک الله)، وقتی بیمار شد به عیادتش بروی و چون فوت نمود، در تشییع جنازه‌اش شرکت کنی». [۲۱۶۲].

- اما جواب سلام واجب است: به دلیل: فرموده الهی که: ﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ [النساء: ۸۶] «و چون شما را تحیت (و سلام) گویند، پس پاسخی بهتر و یا همانند آن بدهید، الله بر همه چیز حساب‌رس است». اصل، در لفظ امر این است که بر وجوب دلالت دارد مادامی که دلیلی آن را از وجوب به غیر آن بازنگرداند. و در مورد وجوب پاسخ سلام، بسیاری از علما اجماع را نقل نموده‌اند از جمله: ابن حزم، ابن عبد البر، شیخ تقی الدین و ... رحمهم الله. الآداب الشرعية (۳۵۶/۱). چاپ مؤسسة الرسالة.

بهترین لفظ سلام و جواب آن و کامل‌ترین آن، این است: (السلام علیکم و رحمة الله و برکاته). این بهترین و کامل‌ترین روش سلام دادن است.

ابن قیم رحمته می‌گوید: «روش رسول الله صلی الله علیه و آله این بود که سلام‌شان، با (و برکاته) پایان می‌یافت». [زاد المعاد (۴۱۷/۲)].

انتشار سلام: سنت است بلکه سنتی که در آن فضل بزرگی است. بنا بر حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ تُوْمِنُوا، وَلَا تُوْمِنُوا حَتَّىٰ تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَسُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» «قسم به ذاتی که جانم در دست اوست، تا ایمان نیاورید وارد بهشت نمی‌شوید. و ایمان نمی‌آوردید تا اینکه یکدیگر را دوست بدارید. آیا شما را به چیزی رهنمون نکنم که اگر انجامش دادید، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام (کردن) را در میان خود منتشر (فراگیر) کنید». [مسلم (۵۴)].

۲ اگر نیاز بود، سه بار سلام کردن مستحب است:

مثلاً در شنیدن شخصی که بار اول بر او سلام شده، شک دارد، مستحب است دوباره تکرار کند و اگر نشنید، بار سوم. همچنین وقتی وارد جمع بزرگی مثل یک مجلس شد، اگر یک بار سلام کند فقط آنان که در اول مجلس قرار دارند، خواهند شنید، لذا نیاز است که سه بار سلام نماید تا همه‌ی افراد داخل مجلس را شامل شده و در برگیرد.

دلیل آن: حدیث انس رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله است که: «أَنَّهُ كَانَ إِذَا تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ أَعَادَهَا ثَلَاثًا؛ حَتَّى تُفْهَمَ عَنْهُ، وَإِذَا أَتَى عَلَى قَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ، سَلَّمَ عَلَيْهِمْ ثَلَاثًا» «ایشان وقتی سخنی می‌گفتند، آن را سه بار تکرار می‌کردند؛ تا کلام‌شان فهمیده شود. و وقتی نزد قومی می‌آمد و بر آنها سلام می‌کرد، سه بار سلام می‌کرد». [بخاری (۹۵)].

از حدیث انس رضی الله عنه برداشت می‌شود که در صورت لزوم تکرار کلمه سنت است. مثلاً سخن می‌گوید و کلامش مفهوم نیست؛ در این صورت سنت است تکرار گردد. باز هم اگر فهمیده نشد، برای بار سوم تکرار گردد.

۳ سلام کردن به صورت عمومی بر کسی که او را می‌شناسی یا نمی‌شناسی:

به دلیل حدیث جابر رضی الله عنه که می‌گوید: شخصی از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید: چه کاری در اسلام از همه بهتر است؟ فرمود: «تُطْعِمُ الطَّعَامَ، وَتَقْرَأُ السَّلَامَ عَلَى مَنْ عَرَفْتَ، وَمَنْ لَمْ تَعْرِفْ» «غذا دادن به دیگران، اینکه بر کسی که می‌شناسی و نمی‌شناسی سلام کنی؟» [بخاری (۱۲)، مسلم (۳۹)].

۴ سنت این است که کسی ابتدا سلام کند که احادیث بدان اشاره دارد:

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُسَلِّمُ الرَّاَكِبُ عَلَى الْمَاشِي، وَالْمَاشِي عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ» «سواره بر پیاده سلام می‌کند و عابر بر کسی که نشسته است و (افراد) کم بر (افراد) زیاد». [بخاری (۶۲۳۳)، مسلم (۲۱۶۰)].

و در روایت بخاری آمده است: «يُسَلِّمُ الصَّغِيرُ عَلَى الْكَبِيرِ، وَالْمَارُّ عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلُ عَلَى الْكَثِيرِ» «کوچک بر بزرگ سلام می‌کند، عابر بر نشسته و کم بر زیاد». [بخاری (۶۲۳۴)]. و این سخن به این معنا نیست که مخالفت با کار بهتر، کراهیت دارد، بلکه فقط خلاف اولی است. مثل اینکه بزرگ‌تر به کوچک‌تر سلام کند و عابر بر سواره. و به همین منوال.

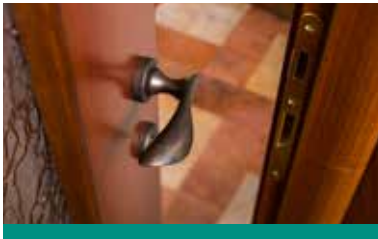


۵ سلام نمودن بر کودکان سنت است:

بنا بر حدیث انس بن مالک رضی الله عنه: «أَنَّه كَانَ يَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَمَرَّ بِصَبِيَّانٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمَا» «که او با رسول الله ﷺ قدم می‌زده و (پیامبر ﷺ) از کنار کودکانی گذر کرده و بر آنان سلام کرده است». [بخاری (۶۲۴۷)، مسلم (۲۱۶۸)].

حکمت سلام کردن بر کودکان، تمرین تواضع و عادت دادن نفس بدان و آموزش آن به کودکان و زنده کردن آن در دل آنان است.

۶ سلام نمودن هنگام ورود به خانه، سنت است:



این سلام هم، در عموم سلام کردن داخل است. آن هم بعد از مسواک زدن. چرا که مسواک زدن هنگام ورود به منزل سنت است. و این چهارمین جایی است که مسواک زدن تأکید شده است. بنا بر حدیث عایشه رضی الله عنها در مسلم

که می‌گوید: وقتی پیامبر ﷺ وارد خانه می‌شد، ابتدا مسواک می‌زد. [مسلم (۲۵۳)]، پس زمانی که با مسواک زدن وارد خانه شد بر اهل بیت سلام کند. حتی برخی از علما می‌گویند: سنت است وقتی وارد خانه شدی، مسواک بزنی؛ هر خانه‌ای که باشد، حتی اگر کسی در آن نباشد. چون الله متعال فرموده‌اند: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۶۱﴾ [النور: ۶۱] «پس هنگامی که به خانه‌ها وارد شدید بر خویشتن سلام کنید که تحیتی مبارک (و) پاکیزه از سوی الله (مقرر) است، این‌گونه الله آیات (خود) را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما خرد ورزید».

ابن حجر رحمته الله می‌گوید: «سلام نمودن به خود وقتی وارد مکانی می‌شود که کسی در

سنت‌هایی که مقید به وقت خاصی نیستند

آنجا نیست، نیز در عموم سلام نمودن داخل است. زیرا الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ..﴾ «پس هنگامی که به خانه‌ها وارد شدید بر خویشتن سلام کنید». [فتح الباری (۶۲۳۵)، باب افشاء السلام].

تذکر:

از مطالب بیان شده چنین فهمیده می‌شود که هنگام ورود به منزل سه چیز سنت است:

بسم الله گفتن؛ خصوصاً هنگام شب.

اول

بنا بر حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که می‌فرماید: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ وَلَا عَشَاءَ. وَإِذَا دَخَلَ فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَدْرَكْتُمُ الْمَبِيتَ، وَالْعَشَاءَ» «وقتی شخص وارد خانه‌اش شد و در هنگام ورود و هنگام غذا نام الله را گرفت، شیطان (به همراهانش) می‌گوید: نه محل خواب دارید و نه شام. و چون وارد شده و هنگام ورود بسم الله نگویید: شیطان می‌گوید: محل خواب را دریافتید؛ و اگر هنگام غذا بسم الله نگویید: (شیطان) می‌گوید: محل خواب و شام را به دست آوردید». [مسلم (۲۰۱۸)].

مسواک زدن. به دلیل حدیث عایشه رضی الله عنها که قبلاً با سند، بیان شد.

دوم

سلام کردن بر اهل خانه.

سوم

۷ سنت است وقتی نزد گروهی می‌رویم که برخی خواب هستند، آهسته سلام کنیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله هم همین کار را می‌کرد. چنان که در حدیث مقداد بن اسود رضی الله عنه اینگونه

آمده است: «...فَكُنَّا نَحْتَلِبُ فَيَشْرَبُ كُلُّ إِنْسَانٍ مِنَّا نَصِيْبَهُ، وَتَرْفَعُ لِلنَّبِيِّ ﷺ نَصِيْبَهُ، قَالَ: فَيَجِيءُ مِنَ اللَّيْلِ فَيَسْلَمُ تَسْلِيمًا لَا يُوقِظُ نَائِمًا، وَيُسْمَعُ الْيَقْظَانَ» «... ما شیر می دوشیدیم و هرکس سهم خودش را می خورد؛ و سهم پیامبر ﷺ را به ایشان تقدیم می کردیم؛ راوی می گوید چون پیامبر ﷺ شب تشریف می آورد، طوری سلام می کرد که خوابیده بیدار نمی شد و بیدار سلامش را می شنید». [مسلم (۲۰۵۵)].

۸ (ابلاغ) رساندن سلام به دیگران:

ابلاغ سلام سنت است. مثلاً شخصی به تو بگوید: فلانی را سلام کن. سنت است این سلام را به صاحبش برسانی.

دلیل آن: حدیث عایشه رضی الله عنها است که پیامبر ﷺ به او گفت: «إِنَّ جَبْرِيلَ يَفْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ قَالَتْ: فَقُلْتُ: وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ» «جبریل تو را سلام می‌رساند. عایشه رضی الله عنها گفت: من گفتم: و علیه السلام و رحمة الله». [بخاری (۳۲۱۷)، مسلم (۲۴۴۷)]. پیام این حدیث، رساندن سلام به شخص موردنظر است. چنان که رسول الله ﷺ سلام جبرئیل علیه السلام را به عایشه رضی الله عنها ابلاغ نمود. همچنین استنباط می‌شود که سنت است توسط یک شخص، به دیگری سلام رساند.

۹ سلام کردن هنگام ورود به مجلس و هنگام خروج از آن:



بنا بر حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا انْتَهَى أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَجْلِسِ فَلْيُسَلِّمْ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ فَلْيُسَلِّمْ، فَلْيَسِتِ الْأُولَى بِأَحَقِّ مِنَ الْآخِرَةِ» «وقتی یکی از شما به مجلسی رسید، سلام کند و چون خواست مجلس را ترک کند، سلام کند. سلام کردن بار اول (به هنگام ورود به

مجلس) از بار دوم (به هنگام ترک مجلس) برتر نیست». [احمد (۹۶۶۴)، ابوداود (۵۲۰۸)، ترمذی (۲۷۰۶)؛ و آل‌بانی رحمته الله در صحیح الجامع (۱۳۲/۱) آن را صحیح دانسته است].



۱۰ هنگام ملاقات، مصافحه کردن همراه

با سلام گفتن سنت است:

عملکرد صحابه رضی الله عنهم چنین بوده است؛ به دلیل حدیث قتاده رضی الله عنه که می‌گوید: به انس گفتیم: آیا در میان صحابه‌ی رسول الله صلی الله علیه و آله مصافحه هم (رسم) بود؟ گفت: آری. [بخاری (۶۲۶۳)].

۱۱ تبسم و خوش‌رویی هنگام ملاقات، سنت است:



بنا بر حدیث ابوذر رضی الله عنه که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «لَا تَحْقِرَنَّ مِنَ الْمَعْرُوفِ شَيْئًا، وَلَوْ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ طَلِقٍ» «هیچیک از کارهای نیک را کوچک نشمار؛ حتی اگر با برادرت با چهره‌ی باز روبرو شوی». [مسلم (۲۶۲۶)]؛ و در کتاب ترمذی از ابوذر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ» «تبسمات در چهره‌ی برادرت، صدقه‌ای است برای تو». [ترمذی (۱۹۵۶)؛ آلبنی رحمته الله علیه در الصحیحة (۵۷۲) آنرا صحیح می‌داند].

۱۲ سخن نیک و شایسته سنت است و صدقه می‌باشد:

فرقی ندارد هنگام ملاقات باشد، یا در وقت نشستن یا در هر وضعیتی، سخن نیک سنت است و صدقه.

دلیل: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ» «سخن نیک صدقه است». [بخاری (۲۹۸۹)، مسلم (۱۰۰۹)].

بسیار دیده شده که کلام نیکو بر زبان مردم جاری می‌شود که اگر به نیت کسب ثواب باشد، اجر و پاداش فراوانی کسب خواهند کرد و از این صدقات بهره و نصیب فراوانی کسب می‌کنند.

علامه شیخ ابن عثیمین رحمته می‌گوید: «مثال کلمه‌ی نیک این است که بگویی: چطور می‌باشی؟ حالت چطور است؟ برادرانت چطور هستند؟ خانواده چطور هستند؟ و همانند اینها. اینها کلمات نیکه‌ی هستند که شادمانی را برای دوستت به ارمغان دارد. هر سخن نیکه‌ی نزد الله تعالی یک صدقه و اجر و ثواب است». [شرح ریاض الصالحین (۲/۹۹۶)، باب: استحباب طیب الکلام، و طلاقة الوجه عند اللقاء].

۱۳ استحباب ذکر الله تعالی در جلسه:



احادیث در فضایل مجالس ذکر و تشویق بر آن فراوان است. از جمله: حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَيْنَا حَاجَتِكُمْ، قَالَ فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا...» «الله فرشته‌هایی دارد که در راه‌ها

[ای زمین] می‌گردند و در پی اهل ذکر می‌باشند. پس هرگاه گروهی را دیدند که الله را یاد می‌کنند، یکدیگر را صدا می‌زنند: بیایید آنچه به دنبال آن بودید اینجاست. (پیامبر صلی الله علیه و آله) فرمودند: فرشتگان با بال‌های‌شان اطراف آنها را تا آسمان دنیا می‌پوشانند». [بخاری (۶۴۰۸) و مسلم (۲۶۸۹)]

۱۴ سنت است مجلس را با (کفاره‌ی مجلس) به پایان رساند:

به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ جَلَسَ فِي مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِيهِ لَغَطُهُ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِلَّا عُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِي مَجْلِسِهِ ذَلِكَ» «هرکس در مجلسی بنشیند و لغزش وی - اعم از همه‌ی یا شوخی و سخنان بی‌موردش - در آن مجلس زیاد باشد اما قبل از برخاستن و ترک مجلس، این دعا را بگوید همه‌ی اشتباه‌هایی که در آن مجلس از او سر زده است، آمرزیده می‌شود: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ» پاک و منزهی ای الله! و تو را می‌ستایم، گواهم جز تو معبودی (برحق) وجود ندارد، از تو آمرزش می‌خواهم و به سویت توبه می‌کنم». [ترمذی (۳۴۳۳)، و البانی رحمته هم آن را صحیح می‌داند (صحیح الجامع (۲/۱۰۶۵)].

سوم: سنت‌هایی در باب لباس و آرایش



۱ پوشیدن کفش از پای راست سنت

است:

سنت است وقتی مسلمانی کفش می‌پوشد از راست شروع نماید. و در هنگام درآوردن کفش، از پای چپ آغاز کند.

دلیل: حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که رسول

الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا انْتَعَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالْيَمِينِ وَإِذَا نَزَعَ فَلْيَبْدَأْ بِالشَّمَالِ لِيَكُنَ الْيُمْنَى أَوْلَهُمَا تُنْعَلُ وَآخِرُهُمَا تُنْزَعُ» «هرگاه یکی از شما کفش پوشید، از راست شروع کند و آنگاه که (از پا) درآورد، از چپ شروع کند؛ چون اولین عمل (از دو عمل پوشیدن و درآوردن) از راست باشد و آخرین عمل (از دو عمل پوشیدن و درآوردن) هم از راست باشد». [بخاری (۵۸۵۶)].

و در لفظی دیگر از مسلم آمده است: «لَا يَمْشِي أَحَدُكُمْ فِي نَعْلٍ وَاحِدَةٍ، لِيُنْعِلَهُمَا جَمِيعًا، أَوْ لِيَخْلَعَهُمَا جَمِيعًا» «هیچیک از شما با یک (لنگه) کفش راه نرود؛ یا باید هر دو

را بپوشد، یا هر دو را درآورد». [مسلم (۲۰۹۷)].

◆ در این دو حدیث، سه سنت موجود است:

۱. هنگام پوشیدن کفش از راست شروع کند.
۲. هنگام درآوردن کفش‌ها از چپ شروع کند.
۳. هر دو را بپوشد، یا هر دو را درآورد. یعنی با یک لنگه راه نرود.

◆ ۲ پوشیدن لباس سفید سنت است:



یعنی در بین لباس‌هایش لباسی که رنگ سفید دارد بپوشد؛ زیرا این کار سنت است. بنا بر حدیث ابن عباس رضی الله عنه که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْبُسُوءُ مِنْ ثِيَابِكُمُ الْبَيَاضُ فَإِنَّهَا مِنْ خَيْرِ ثِيَابِكُمْ، وَكَفُّنَا فِيهَا مَوْتَانُكُمْ» «از میان لباس‌های تان رنگ سفید را بپوشید چرا که لباس سفید از بهترین لباس‌های تان است. و

مرده‌های تان را در لباس سفید کفن کنید». [احمد (۲۲۱۹)، ابو داود (۳۸۷۸)، ترمذی (۹۹۴) و آلبانی رحمته الله آن‌را در صحیح الجامع (۲۶۷/۱) صحیح می‌داند].

ابن عثیمین رحمته الله می‌گوید: «و این شامل پوشیدن لباس سفید همانند: پیراهن‌ها، ازارها (لنگ)، شلوار می‌شود. شایسته است همه این لباس‌ها سفید باشند. چرا که این بهتر است. البته اگر رنگ دیگری هم پوشید اشکالی ندارد. به شرطی که از نوع لباسی که خاص خانم‌هاست نباشد». [شرح ریاض الصالحین (۱۰۸۷/۲)].

◆ ۳ استعمال خوشبویی سنت است:



به دلیل حدیث انس رضی الله عنه که می‌گوید رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا النَّسَاءُ وَالطِّيبُ وَجُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» «از دنیا دو چیز نزد من محبوب شده است، زنان و خوشبویی.

و خنکی چشمانم در نماز است». [احمد (۱۲۲۹۳)، نسائی (۳۹۴۰) و آل‌بانی رحمتهما در صحیح نسائی گفته است: حَسَنٌ صَحِيحٌ].

- اما لفظ: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ» ضعیف است.

پیامبر صلی الله علیه و آله ناپسند می‌دانست که از ایشان بوی نامطبوعی به مشام برسد: در صحیح بخاری حدیثی طولانی از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که می‌گوید: بر پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار سخت می‌گذشت که بویی (نامطبوع) از ایشان احساس شود. [بخاری (۶۹۷۲)].

قبول نکردنِ عطر، مکروه است.

به دلیل حدیث انس رضی الله عنه که می‌گوید: «أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ لَا يَرُدُّ الطِّيبَ» «پیامبر صلی الله علیه و آله عطر را رد نمی‌کردند». [بخاری (۲۵۸۲)].

۴ هنگام شانه زدن از راست شروع کردن سنت است:



سنت است انسان در هنگام شانه زدن اول از راست شروع کند، سپس سمت چپ را شانه کند.

دلیل: عایشه رضی الله عنها می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يُعَجِبُهُ التَّيْمُنُ فِي تَنْعَلِهِ وَتَرَجُّلِهِ وَطُهُورِهِ وَفِي شَأْنِهِ كُلِّهِ» «پیامبر صلی الله علیه و آله شروع کردن از راست را در

پوشیدن کفش، شانه زدن، وضو و در تمام کارهایش دوست می‌داشت». [بخاری (۱۶۸)، مسلم (۲۶۸)].

چهارم: سنت‌هایی در باب عطسه و خمیازه



سنت‌های عطسه:

۱ سنت است عطسه کننده، «الحمد لله» بگوید.

به دلیل حدیث ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمودند: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلْيَقُلْ لَهُ أَخُوهُ أَوْ صَاحِبُهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ، فَإِذَا قَالَ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ، فَلْيَقُلْ يَهْدِيكُمْ اللَّهُ، وَيُصَلِّحُ بِالْكُمِّ» «هرگاه یکی از شما عطسه کرد باید بگوید: الحمد لله؛ و برادر یا دوستش باید بگوید: يَرْحَمُكَ اللَّهُ، وقتی به او گفت: یرحمک الله (الله به تو رحم کند)، او بگوید: یهدیکم الله و یصلح بالکم (الله هدایت‌تان کند و حالتان را نیک و اصلاح گرداند)». [بخاری (۶۲۲۴)].

و سنت است که گاه‌ها متنوع عمل نماید و بگوید: الحمد لله علی کل حال: الله را در همه حال شکر و سپاس). در روایت ابو داود آمده است: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى

کُلِّ حَالٌ «هرگاه یکی از شما عطسه کرد بگوید: الحمدلله علی کل حال». [ابوداود (۵۰۳۱)، ابن قیم رحمته در زاد المعاد (۴۳۶/۲) در مورد این حدیث گوید: سندش صحیح است].

کسی که جواب عطسه را می‌دهد، بگوید: «یرحمک الله»، الله به تو رحم کند. و سنت است که عطسه کننده در جوابش بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللهُ، وَيُصْلِحُ بِالْكُمِّ» «الله شما را هدایت کرده و حالتان را نیک و اصلاح گرداند». حدیث ابوهریره رضی الله عنه بر تمام این موارد دلالت دارد.

۲ سنت است اگر عطسه کننده الحمدلله نگفت، جوابش داده نشود.

اگر عطسه کننده الحمدلله نگفت، سنت نیست که جوابش را بدهیم؛ بلکه سنت این است که جوابش داده نشود. به دلیل حدیث انس رضی الله عنه که گفته است: «دو نفر در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله عطسه کردند؛ [پیامبر صلی الله علیه و آله] جواب یکی را داد و دیگری را جواب نداد؛ آن شخص گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله! جواب این یکی را دادی و جواب مرا خیر؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَمِدَ اللهِ، وَلَمْ تَحْمَدِ اللهُ» «این فرد الحمدلله گفت و تو الحمدلله نگفتی». [بخاری (۶۲۲۵)]، این عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ و سخن ایشان در روایت مسلم از ابوموسی رضی الله عنه ثابت است که می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَحَمِدِ اللهُ، فَشَمَّتْهُ، فَإِنَّ لَمْ يَحْمَدِ اللهُ، فَلَا تُشَمَّتْهُ» «هرگاه یکی از شما عطسه کرد و الحمدلله نگفت، جوابش را بدهید؛ و اگر الحمدلله نگفت: جوابش ندهید». [مسلم (۲۹۹۲)].

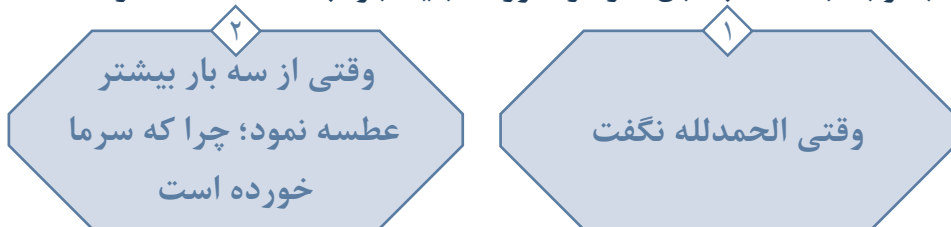
اما اگر برای تعلیم و تربیت باشد، مثلاً پدر فرزندش را و یا معلم شاگردانش را تعلیم می‌دهد، به او بگوید که: بگو «الحمدلله» تا او را از این سنت که بدان جاهل است آگاه کند و چنین در تربیت او نقش داشته باشد.

همچنین کسی که سرماخوردگی دارد، بعد از بار سوم جواب عطسه را نباید داد لیکن تا سه بار جوابش را بدهد.

دلیل: ابوداود در سنن خود (۵۰۳۴) از ابوهریره رضی الله عنه به صورت موقوف و مرفوع روایت می‌کند که: «شَمَّتْ أَخَاكَ ثَلَاثًا فَمَا زَادَ فَهُوَ زَكَاةٌ» «(در عطسه) سه بار جواب برادرت را بده؛ بیشتر از آن سرماخوردگی است». آلبنی رحمته می‌گوید: این روایت به صورت مرفوع و موقوف، حَسَن است: [صحیح ابو داود (۳۰۸/۴)].

این روایت را حدیث سلمه بن اکوع که مسلم رحمه الله روایت کرده است تأیید می‌کند که شنیده است چون شخصی در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله عطسه کرد پیامبر به او فرمود: «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» «الله به تو رحم کند». سپس بار دیگر عطسه کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود: «الرَّجُلُ مَرْكُومٌ» «این شخص سرما خورده است». [مسلم (۲۹۹۳)].

با توجه به مطالب قبل، در دو صورت نباید جواب عطسه کننده را داد:



سنت‌های خمیازه

سنت است در حد توان جلوی خمیازه را گرفت، یا با دست جلوی دهان را بست.

دلیل: حدیث ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ، وَيَكْرَهُ التَّثَاؤُبَ، إِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ، فَحَقَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ سَمِعَهُ أَنْ يُسَمِّتَهُ، وَأَمَّا التَّثَاؤُبُ فَإِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَلْيُرِدْهُ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِذَا قَالَ هَا ضَحِكٌ مِنْهُ الشَّيْطَانُ» «الله صلی الله علیه و آله عطسه را دوست دارد و خمیازه را ناپسند می‌داند. اگر عطسه کرد و الحمد لله گفت: وظیفه‌ی هر مسلمانی که آن را شنید این است که جوابش را بدهد. و اما خمیازه از شیطان است و تا می‌تواند آن را رد نماید. وقتی می‌گوید: ها (باز شدن دهان در حالت خمیازه) شیطان بدان می‌خندد». [بخاری (۲۶۶۳)].

در صحیح مسلم از ابوسعید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ، فَلْيُمْسِكْ بِيَدِهِ عَلَى فِيهِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ» «هرگاه یک از شما خمیازه کشید، دستش را بر دهانش گذارد، چرا که شیطان وارد (دهانش) می‌شود». [مسلم (۲۹۹۵)]. می‌توان با محکم بستن دهان و فشار دندان‌ها بر هم و یا با گذاشتن دست بر دهان مانع خمیازه شد.

- همچنین بهتر است شخص در حال خمیازه، صدایش را بالا نبرد. مثلاً بگوید: (هااااا) یا (آآآآه) و چنین صداهایی. چرا که این عمل منجر به خنده‌ی شیطان می‌گردد.

و دلیل آن: حدیث ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «التَّائِبُ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا تَنَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُرِدْهُ مَا اسْتَطَاعَ؛ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَالَ «هَا» ضَحِكَ الشَّيْطَانُ» «خمیازه از شیطان است؛ پس هرگاه یکی از شما خمیازه کشید، تا می‌تواند مانع آن شود، زیرا وقتی یکی از شما می‌گوید: «ها» شیطان می‌خندد». [بخاری (۳۲۹۸) و مسلم (۲۹۹۴)].

تذکر: برخی مردم بدون دلیل بر گفتن آعوذ بالله بعد از خمیازه، عادت کرده‌اند. بلکه این کار مخالف روش رسول الله صلی الله علیه و آله است. چون که ذکری را بیان داشته که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نگفته است.





پنجم: دیگر سنت‌های روزمره



گفتن ذکر ثابت شده هنگام ورود و خروج از توالت.



سنت است کسی که وارد توالت شد، دعایی که در صحیحین آمده است بخواند: انس رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی وارد توالت می‌شدند می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ» (بار الها! از شیطان‌های نر و ماده به تو پناه می‌برم). [بخاری (۶۳۲۲) و مسلم (۳۷۵)].

خُبْثٌ: شیاطین نر و خبائث: شیاطین ماده را

گویند. پس باید از شیطان‌های نر و ماده به الله عَلَيْهِ السَّلَام پناه برد.

و (خُبْث) با سکون روی حرف باء، به معنای بدی و پلیدی ارواح شرور می‌باشد. لذا در این صورت از شرارت و اهل شرّ پناه جسته می‌شود. خواندن با ساکن، عام‌تر و شامل‌تر است.

◆ سنت است کسی که از توالت بیرون می‌شود، بگوید: **غُفْرَانُكَ**:

در مسند احمد، سنن ابو داود، ترمذی از عایشه رضی الله عنها در این مورد روایت شده و شیخ آلبانی رحمته الله هم آن را صحیح دانسته است. می‌گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از توالت خارج می‌شدند، می‌فرمود: «**غُفْرَانُكَ**» «آمرزش تو را خواهانم (ای الله)». [احمد (۲۵۲۲۰)، ابوداود (۳۰)، ترمذی (۷) و شیخ آلبانی در (تحقیق مشکاة المصابیح ۱۱۶/۱) آن را صحیح می‌داند].



◆ نوشتن وصیت‌نامه سنت است:

نوشتن وصیت برای هر مسلمان در حالت بیماری و سلامت، سنت است. چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «**مَا حَقُّ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ، لَهُ شَيْءٌ يُرِيدُ أَنْ يُوصِيَ فِيهِ، يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ، إِلَّا وَوَصِيَّتَهُ مَكْتُوبَةً عِنْدَهُ**» «هر مسلمانی که چیزی برای وصیت دارد، حق ندارد دو شب (متوالی) را سپری کند مگر اینکه، وصیتش نوشته شده نزدش باشد». [بخاری (۲۷۸۳)، مسلم (۱۶۲۶) از حدیث ابن عمر رضی الله عنهما]. ذکر دو شب در حدیث برای تعیین وقت نیست؛ منظور این است که نباید وقت زیادی بر او بگذرد مگر اینکه وصیتش نوشته شده باشد. چرا که نمی‌داند چه وقت خواهد مُرد. و این یک سنت عمومی برای تمام مردم است.

- اما وصیت در آنچه مربوط به حقوق الله صلی الله علیه و آله است از قبیل: زکات، حج، کفاره، حقوق انسان‌ها از قبیل: قرض و ادای امانات، واجب است نه سنت. زیرا اینها در زیر مجموعه‌ی حقوق واجب قرار دارند. خصوصاً اگر کسی از این حقوق آگاه نباشد [آنچه انجام یک واجب بدون آن صورت نمی‌گیرد، خودش هم واجب است].



◆ تسامح و انعطاف در خرید و فروش:

یعنی سزاوار است که فروشنده و خریدار در اثنای معامله به آسان‌گیری و انعطاف در خرید و فروش مزین باشند، نباید هر کدام با دیگری در قیمت‌گذاری، سخت‌گیری و جدل نمایند. بلکه با

تسامح با یکدیگر برخورد کنند.

دلیل آن: حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «رَحِمَ اللهُ رَجُلًا سَمَحًا؛ إِذَا بَاعَ، وَإِذَا اشْتَرَى، وَإِذَا اقْتَضَى» «الله صلی الله علیه و آله به شخصی که در هنگام خرید و فروش و مطالبه قرض، آسان گیر است، رحم نماید. [بخاری (۲۰۷۶)].»

همین‌طور اگر طلبش را تقاضا نمود، سنت است به نرمی و بر مبنای آسان‌گیری طلب نماید. زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وَإِذَا اقْتَضَى» «و هنگامی که طلبش را تقاضا کرد».



خواندن دو رکعت نماز بعد از وضو:

و این از سنت‌های روزمره است که پاداش بزرگی به همراه دارد. و آن ورود به بهشت است. از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله به هنگام نماز صبح به بلال فرمود: «يَا بِلَالُ حَدِّثْنِي

بَأَرْجَى عَمَلٍ عَمِلْتَهُ فِي الْإِسْلَامِ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ دَفَّ نَعْلَيْكَ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الْجَنَّةِ» «ای بلال! به امیدوار کننده‌ترین عملی که در اسلام انجام داده‌ای مرا خبر ده، که من صدای کفش‌هایت را قبل از خودم در بهشت شنیدم. گفت: عملی انجام ندادم که در نزد امیدوار کننده‌تر از این باشد که در ساعتی از شبانه روز وضو نمی‌گرفتم مگر اینکه با آن وضو هر آنچه الله برایم مقدر نموده بود، نماز (نافله) می‌خواندم». [بخاری (۱۱۴۹)، مسلم (۲۴۵۸)]. «دَفَّ نَعْلَيْكَ»: یعنی صدای کفش‌هایت.

انتظار کشیدن برای نماز:

انتظار برای نماز از سنت‌هایی است که اجر بزرگی به دنبال دارد.



دلیل آن: حدیث ابوهریره رضی الله عنه است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَتِ الصَّلَاةُ تَحْبِسُهُ، لَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْقَلِبَ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ» «هریک از شما مادامی که نماز او را (در مسجد) نگه دارد و چیزی جز نماز مانع بازگشت وی

نزد خانواده‌اش نشود، گویا همچنان در نماز است. (یعنی اگر فقط به انتظار نماز در مسجد بنشیند. مترجم). [بخاری (۶۵۹)، مسلم (۶۴۹)]. پس او با انتظار خود، اجر نماز را می‌برد.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيَّ أَحَدُكُمْ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ، مَا لَمْ يُحَدِّثْ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا دَامَتْ الصَّلَاةُ تَحْبِسُهُ، لَا يَمْنَعُهُ أَنْ يَنْقَلِبَ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا الصَّلَاةُ» «فرشتگان بر هر یک از شما تا وقتی که در نمازگاه خویشتان است، مادامی که بی‌وضو نشود، آمرزش می‌طلبند. (می‌گویند): الهی! او را ببامرز، الهی! به او رحم نما. و مادامی که نماز کسی را نگه دارد و جز نماز چیزی مانع بازگشت وی نزد خانواده‌اش نشود در نماز است». [بخاری (۶۵۹)، مسلم (۶۴۹)] و اینکه فرمودند: تا وقتی بی‌وضو نشود؛ یعنی کاری که باعث شکستن وضویش شود را مرتکب نشود. و در روایت مسلم آمده است: «مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ، مَا لَمْ يُحَدِّثْ فِيهِ» «تا وقتی در آنجا باعث اذیت نشود، تا وقتی که در آنجا بی‌وضو نشود». [مسلم (۶۴۹)]. یعنی این ثواب مشروط به این است که در مجلس خود، کسی را اذیت نکند و وضویش را نشکند.

◇ مسواک زدن:



مسواک زدن از سنت‌های مطلق است که در هر زمان انجام می‌شود. و پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن تشویق زیادی نموده‌اند. تا جایی که فرمودند: «أَكْثَرْتُ عَلَيْكُمْ فِي السَّوَاكِ» «شما را به مسواک زدن زیاد توصیه می‌کنم». [بخاری (۸۸۸) از حدیث انس رضی الله عنه] و

پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مسواک فرموده‌اند: «السَّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْصَاةٌ لِلرَّبِّ» «مسواک پاک‌کننده‌ی دهان است و باعث خوشنودی آفریدگار می‌گردد». [احمد (۷)، نسائی (۵) از حدیث عایشه رضی الله عنها و آلبانی رحمته الله در إرواء الغلیل (۱۰۵/۱) آن را صحیح می‌داند].

- و سنت بودن آن در مواردی که پیش‌تر بیان شد تأکید شده است. خصوصاً در مواردی که در روز و شب، تکرار می‌گردد مانند قیام اللیل، وضو هنگام هر نماز و ورود به منزل - والله اعلم -.

وضو گرفتن برای هر نماز:



سنت است انسان مسلمان برای هر نماز، وضو بگیرد. مثلاً چون برای مغرب وضو گرفته است با وارد شدن وقت عشاء سنت است دوباره وضو بگیرد؛ حتی اگر وضو هم داشته باشد. لذا سنت است برای هر نماز وضوی جدید گرفته شود.

دلیل: حدیث بخاری است که می‌گوید: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَوَضَّأُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ» (پیامبر ﷺ برای هر نمازی وضو می‌گرفت). [بخاری (۲۱۴)]. همچنین سنت است انسان در طول روز، با وضو باشد. بنا بر حدیث ثوبان رضی الله عنه که پیامبر ﷺ فرمودند: «وَلَا يُحَافِظُ عَلَى الْوُضُوءِ إِلَّا الْمُؤْمِنُ» «جز مؤمن کسی پایبند وضو نیست». [احمد (۲۲۴۳۴)، ابن ماجه (۲۷۷)، دارمی (۶۵۵)، و آلبنی رضی الله عنه هم آن را در صحیح الجامع (۲۲۵/۱) صحیح می‌دانند].

دعا کردن:

بیان سنت‌هایی است که انسان به هنگام دعا رعایت کند از جمله:

أ< با وضو دعا نماید.

بنا بر حدیث ابوموسی رضی الله عنه در صحیحین و داستان او با عمویش ابو عامر رضی الله عنه هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم او را امیر لشکر اوطاس نمود. در این حدیث می‌خوانیم: ابو عامر رضی الله عنه کشته شد؛ به ابوموسی رضی الله عنه وصیت کرد که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سلام برساند و برایش دعا نماید. ابوموسی می‌گوید: جریان خود و ابو عامر را به ایشان رضی الله عنه خبر دادم. و گفتم: ابو عامر گفت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگو برایم آموزش بخواهد. ایشان رضی الله عنه آب طلبید و از آن وضو گرفت؛ سپس دستانش را بلند نموده و فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَبِيدِ، أَبِي عَامِرٍ» «بارها! بنده‌ات ابو عامر را ببامرز». تا جایی که سفیدی زیر بغلش را دیدم. سپس فرمود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَوْقَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ مِنْ النَّاسِ» «بارها! او را در روز قیامت برتر از بسیاری از مخلوقات یا مردم، قرار بده». [بخاری (۴۳۲۳)، مسلم (۲۴۹۸)].

ب) روی آوردن به قبله.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که می‌گوید: عمر بن خطاب رضی الله عنه به من گفت: وقتی جنگ بدر فرا رسید، پیامبر صلی الله علیه و آله به مشرکین که هزار نفر بودند نگاه کرد؛ و یاران او سبید و نوزده نفر بودند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله رو به قبله نمود، سپس دستانش را بالا برد و به پروردگارش می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ آتِ مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ إِنْ تَهْلِكُ هَذِهِ الْعِصَابَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ لَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ» «بار الها! آنچه به من وعده نمودی کامل بده، الهی آنچه را وعده نمودی رقم بزن، بار الها! اگر این گروه اندک مسلمان نابود شوند، در زمین عبادت نخواهی شد». پیوسته درحالی که دستانش را بلند کرده و به قبله رو کرده بود، با پروردگارش مناجات می‌کرد؛ تا این که عبایش از دوش‌هایش افتاد. ابوبکر رضی الله عنه نزدش آمد و عبایش را برداشته و بر شانه‌هایش نهاد. سپس از پشت او را بغل نمود و گفت: ای رسول الله صلی الله علیه و آله مناجات با پروردگارت کافی است؛ به زودی هرچه را به شما وعده نموده عملی خواهد کرد...». [مسلم (۱۷۶۳)].

ج) بلند نمودن دست‌ها.



دلیل آن حدیث ابن عباس رضی الله عنهما است که گذشت چنانکه در آن آمده بود: «پیامبر صلی الله علیه و آله رو به قبله نمود و دست‌هایش را بالا برد». احادیث وارده در این مورد فراوانند.

د) آغاز کردن دعا با ستایش الله عز وجل و درود فرستادن به رسول الله صلی الله علیه و آله.

به دلیل روایت ترمذی از فضالة بن عبید رضی الله عنه که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که فردی آمد و نماز خواند و گفت: الهی! مرا بیامرز و به من رحم نما. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «عَجِلْتَ أَيُّهَا الْمُصَلِّي، إِذَا صَلَّيْتَ فَقَعِدْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَصَلِّ عَلَيَّ، ثُمَّ ادْعُهُ» «ای نمازگزار عجله کردی. وقتی نماز خواندی و نشستستی، الله عز وجل را آن‌گونه که لایق است، ستایش کن؛ و بر من درود بفرست، سپس دعا کن». [ترمذی (۳۴۷۶)، و آلبنی رضی الله عنه در صحیح الجامع (۱/۱۷۲)].



هـ) خواندن الله [تعالی] را با نام‌های نیکش.

از نام‌های نیک الله ﷻ آنچه با دعا و خواسته‌اش مناسبت دارد، انتخاب نماید. مثلاً وقتی از الله روزی می‌طلبید، بگوید: یا رزاق، وقتی رحمتش را می‌طلبید، بگوید: یا رحمان و یا رحیم، وقتی از الله ﷻ عزت می‌خواهد، بگوید: یا عزیز؛ وقتی از الله ﷻ آمرزش می‌خواهد، بگوید: یا غفور، و وقتی شفای او تعالی را می‌طلبید، بگوید: یا شافی.

و این‌گونه هر چه را که با دعایش هم‌خوانی دارد، بخواهد. زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ [الأعراف: ۱۸۰] «الله دارای نام‌های نیک است؛ او را با آنها بخوانید».

و) تکرار دعا و پافشاری بر آن.

دلیل آن: حدیث ابن عباس رضی الله عنهما که قبلاً بیان شد، بر آن دلالت می‌کند که رسول الله ﷺ در آن فرموده بود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، اللَّهُمَّ آتِ مَا وَعَدْتَنِي» «بار الها! آنچه به من وعده کرده بودی محقق گردان؛ الهی! هرچه به من وعده نمودی را بده». و مدام مناجات می‌کرد تا عبایش از دوش‌های مبارک افتاد. و ابوبکر رضی الله عنه او را در آغوش گرفت و گفت: «يَا نَبِيَّ اللَّهِ كَفَاكَ مُنَادَتَكَ رَبَّكَ» «ای رسول الله ﷺ مناجات با پروردگارت کافی است». [مسلم (۱۷۶۳)].

و در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که: زمانی که رسول الله ﷺ برای دوس دعا نمود: فرمود: «اللَّهُمَّ اهْدِ دَوْسًا وَائْتِ بِهِمْ، اللَّهُمَّ اهْدِ دَوْسًا وَائْتِ بِهِمْ». بار الها! (قبیله) دوس را هدایت کرده و آنان را بیاور. بار الها! (قبیله) دوس را هدایت کرده و آنان را بیاور. [بخاری (۲۹۳۷)، مسلم (۲۵۲۴)].

و روایتی که در کتاب مسلم با این مضمون آمده است: «الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ، أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ، يَا رَبِّ» «شخصی سفری طولانی می‌کند؛ ژولیده موی و غبارآلود؛ دستانش را به سوی آسمان کرده و (می‌گوید): یا رب یا رب». [مسلم (۱۰۱۵)] و این تکرار دعا و پافشاری در آن است.

سنت است که سه بار دعا نماید. به دلیل حدیث ابن مسعود رضی الله عنه در صحیحین که در آن آمده است: وقتی (رسول الله ﷺ) دعا می‌نمود، سه بار دعا می‌کرد؛ و وقتی طلب

می‌کرد سه بار طلب می‌کرد. سپس سه بار می‌فرمود: «اللَّهُمَّ عَلَيكَ بِقُرَيْشٍ» «الهی! به حساب قریش برس». [بخاری (۲۴۰)، مسلم (۱۷۹۴)].

زک‌پنهانی و آهسته دعا کردن.

بنا بر فرموده الله ﷻ: ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ [الأعراف: ۵۵] «پروردگارتان را با تضرع (و زاری) و در پنهانی بخوانید». دعای پنهانی به اخلاص نزدیک‌تر است. از این رو الله ﷻ زکریا علیه السلام را می‌ستاید آنجا که فرمود: ﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا﴾ [مریم: ۳] «چون پروردگارش را به ندایی پنهان (به دعا) خواند» بنا بر یکی از اقوال مفسرین برای حصول اخلاص چنین نمود.



◆ نکته: شاید برخی بپرسند: در دعایم

چه بگویم؟

جواب: در امور دنیا و آخرت هر چه می‌خواهی دعا کن؛ اما سعی کن دعاهایی مختصر و جامع باشد. و آن دعاهایی است که در قرآن و حدیث آمده و خیر

دنیا و آخرت را در بر دارند. در پاسخ رسول الله ﷺ به این سوال تامل کن که در بردارنده با کلماتی بزرگ می‌باشد که خیر دنیا و آخرت مسلمان را در خود جای داده است. برآستی چه مژده‌ی بزرگی است و چه بخشوده‌ی گران‌قدری است! به آنان چنگ بزن و در آنها تفکر کن.

از ابو مالک اشجعی رضی الله عنه روایت است که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده چون کسی از ایشان سوال کرد: ای رسول الله ﷺ وقتی از پروردگارم طلب می‌کنم چه بگویم؟ فرمود: «قُلِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي» «بگو: ای الله ﷻ مرا بیامرز؛ به من رحم نما؛ معافم کن و مرا روزی بده». و رسول الله به جز دو انگشت ابهام، تمام انگشتانش را جمع نمود و فرمود: «فَإِنَّ هُوَ لَأَجْمَعُ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتَكَ» «چرا که این دعاها خیر دنیا و آخرت را برایت دربردارند». [مسلم (۲۶۹۷)].

و در روایتی آمده است: وقتی کسی مسلمان می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به او تعلیم می‌داد؛ سپس او را دستور می‌داد با این کلمات دعا کند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي،

وَأَرْزُقْنِي «الهی! مرا بیمارز، به من رحم نما، هدایت‌م کن و روزی‌ام بده». [مسلم (۲۶۹۷)].

برداشتی دیگر:

سنت است انسان پشت سر برادرش برای او دعا نماید. چرا که با اذن الله ﷻ چنین دعایی مستجاب است. و برای دعا کننده فضیلتی بس بزرگ است. و دلیل آن روایت صحیح مسلم است. ابو درداء رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «دَعْوَةُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، مُسْتَجَابَةٌ، عِنْدَ رَأْسِهِ مَلَكٌ مُّوَكَّلٌ، كُلَّمَا دَعَا لِأَخِيهِ بِخَيْرٍ، قَالَ الْمَلَكُ الْمُوَكَّلُ بِهِ: آمِينَ، وَلَكَ بِمِثْلِ» «دعای شخص مسلمان برای برادرش در غیاب (وی)، اجابت می‌شود. بالای سرش فرشته‌ای مامور است که هرگاه برای برادرش دعای خیر نماید، فرشته‌ی مسئول می‌گوید: آمین و برای تو هم مثل آن». [مسلم (۲۷۳۳)].



◆ چقدر برایت ضروری است که با خودت خلوت کنی و خود را محاسبه کنی، و پروردگارت را به یاد داشته باشی خصوصاً در زمانی که مشغولیت‌ها و غفلت از دیداد یافته است.

و از سنت‌های روزمزه ذکر الله ﷻ است:

و والاترین ذکر: تلاوت قرآن است. عبادت کردن به وسیله تلاوت قرآن، خواب را از چشمان سلف گرفته بود و پهلوی‌شان را از زمین دور کرده بود ﴿كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ﴾

مَا يَهْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿١٨﴾ [الذاریات: ۱۷-۱۸] «آنها بخش اندکی از شب را می‌خوابیدند (و به نماز و نیایش مشغول بودند). و در سحرگاهان آموزش طلب می‌کردند؛ لذا در شب تلاوت آیات قرآن و سایر اذکار ثابت از رسول الله ﷺ را با هم جمع می‌کردند. وای! خوشا به آن شیئی که با شب‌زنده‌داری‌اش خوش و خرم است. و وای! بر خسران و سستی ما و کوتاهی ما در مورد شب‌ها و سحرهای‌مان! امید است از نافرمانی پروردگاران در امان بمانیم. لیکن، مگر این که پروردگاران رحم نماید.

از حماد بن زید، از عطاء بن سائب روایت است که ابوعبدالرحمان گفت: «قرآن را از گروهی آموختیم که به ما خبر دادند چون ده آیه از قرآن می‌آموختند، به ده آیه دیگر نمی‌پرداختند تا اینکه مفاهیم نهفته در ده آیه را که فراگرفته بودند، بدانند. لذا ما قرآن و عمل به آن‌را با هم می‌آموختیم. و بعد از ما کسانی آن‌را خواهند آموخت که همانند آب (گوارا و با تجوید و درست) می‌خوانند ولی از گلوی‌شان پایین‌تر نمی‌رود». [سیر اعلام النبلاء (۲۶۹/۴)].

◆ ذکر حیات قلب است:



بسیاری از ما خصوصاً در این زمان که مشغله‌ها زیاد است، از زنگار گرفتن دل و غفلت آن شکوه می‌کنند. درحالی‌که حیات قلب وابسته به ذکر است. در صحیح بخاری از ابوموسیٰ رضی الله عنه روایت است که: پیامبر ﷺ فرمودند: «مَثَلُ الَّذِي يُذَكِّرُ رَبَّهُ

وَالَّذِي لَا يُذَكِّرُ رَبَّهُ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ» «مثال کسی که ذکر پروردگارش را می‌گوید و کسی که ذکر پروردگارش را ذکر نمی‌کند همانند زنده و مرده است». و در لفظ مسلم پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَثَلُ الْبَيْتِ الَّذِي يُذَكِّرُ اللَّهَ فِيهِ، وَالْبَيْتِ الَّذِي لَا يُذَكِّرُ اللَّهَ فِيهِ، مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ» «مثال خانه‌ای که در آن ذکر الله ﷻ می‌شود و خانه‌ای که در آن الله ﷻ یاد نمی‌شود، همانند زنده و مرده است». [بخاری (۶۴۰۷)، مسلم (۷۷۹)].

◆ الله ﷻ در آیات زیادی بر یاد و ذکر خویش تشویق می‌نماید. از جمله:

۱) الله ﷻ بندگان را تشویق می‌کند که او را زیاد یاد کنند. می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۖ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۱-۴۲] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، الله را بسیار یاد کنید. و صبح و شام او را تسبیح گوید».

۲) الله ﷻ مردان و زنان ذاکر را وعده‌ی مغفرت و اجر و ثواب فراوان داده است. می‌فرماید: ﴿وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۳۵] «و مردانی که الله را بسیار یاد می‌کنند و زنانی که الله را بسیار یاد می‌کنند، الله برای (همه) آنان آمرزش و پاداش عظیمی آماده کرده است».

۳) و ما را از صفات منافقین بر حذر داشته است. آنان هم الله ﷻ را یاد می‌کنند اما مقدار ذکرشان را ببین. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۲] «بی‌شک منافقان (بگمان خودشان) الله را فریب می‌دهند، در حالی که او آنها را فریب می‌دهد و چون به نماز برخیزند با سستی و کاهلی بر می‌خیزند، در چشم مردم خودنمایی می‌کنند و (در نمازشان) الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند».

۴) الله ﷻ ما را از مشغول شدن به اموال و فرزندان در مقابل ذکر الله ﷻ می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [المنافقون: ۹] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال‌تان و فرزندان‌تان شما را از یاد الله غافل نکند و هرکس چنین کند، پس آنان زیانکارانند».

۵) به این فضیلت و شرف بزرگ بیندیش! الله ﷻ می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾ «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم»؛ و در حدیث قدسی می‌فرماید: «أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ، ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلَأٍ، ذَكَرْتُهُ فِي مَلَأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ» «من با بنده‌ام بر اساس گمانی که به من دارد، رفتار می‌نمایم و من

سنت‌هایی که مقید به وقت فاصی نیستند

با اویم وقتی مرا یاد می‌کند، پس اگر مرا در دلش یاد کند، او را در دلم یاد می‌کنم و اگر در جمعی یادم کند، او را در گروهی بهتر از آنان یاد می‌کنم». [بخاری (۷۴۰۵) و مسلم (۲۶۷۵) از ابوهریره رضی الله عنه].

۱ و از اذکاری که در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده‌اند بسیارند از جمله:

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عِدْلٌ عَشْرِ رِقَابٍ، وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَمُحِيتَ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ، يَوْمَهُ ذَلِكَ، حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلَّا أَحَدٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ، وَمَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» «هرکس روزی صد بار بگوید معبودی به حق نیست مگر الله یکتا، یگانه است و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست و ستایش از آن اوست و او بر هر چیز تواناست، پاداش آزاد کردن ده برده برای او خواهد بود و صد نیکی برای او نوشته می‌شود و صد گناه از او پاک می‌شود و آن روز تا شب، باعث حفظ وی از شیطان می‌شود و هیچکس کاری بهتر از او انجام نداده، مگر کسی که بیشتر از آن عمل کند. و کسی که در هر روز صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، گناهانش محو می‌شود هرچند هم که همانند کف دریا باشد». [بخاری (۳۲۹۳) و مسلم (۲۶۹۱)].

از ابوایوب رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، عَشْرَ مَرَارٍ، كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ أَرْبَعَةَ أَنْفُسٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ» «کسی که ده بار بگوید: معبودی برحق جز الله وجود ندارد؛ یگانه است و شریکی ندارد؛ پادشاهی از آن او است و ستایش برای اوست و او بر هر چیز تواناست، همانند کسی است که چهار نفر از فرزندان اسماعیل علیه السلام را آزاد کرده است». [بخاری (۶۴۰۴) و مسلم (۲۶۹۳)].

سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه می‌گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که فرمودند: «أَبْعِزْ

أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ، كُلَّ يَوْمٍ، أَلْفَ حَسَنَةٍ؟» «آیا یکی از شما نمی‌تواند روزی هزار نیکی به دست آورد؟» یکی از هم‌نشینانش پرسید: چگونه یکی از ما هزار نیکی به دست می‌آورد؟ فرمود: «يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ، فَيَكْتُبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ. أَوْ يُحَطُّ عَنْهُ أَلْفُ خَطِيئَةٍ» «صد بار سبحان الله می‌گوید، برایش هزار نیکی نوشته می‌شود. یا هزار گناه از او پاک می‌گردد». [مسلم (۲۶۹۸)].

۴ ابوهیره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ، مِائَةَ مَرَّةٍ، حُطَّتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ، وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» «هرکس روزی صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، گناهانش پاک می‌شود گر چه همانند کف دریا باشد». [بخاری (۶۴۰۵) و مسلم (۲۶۹۲)] و در روایتی از مسلم آمده است: «مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ وَحِينَ يُمَسِّي: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، مِائَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يَأْتِ أَحَدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَفْضَلٍ مِمَّا جَاءَ بِهِ، إِلَّا أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَيْهِ» «هرکس هنگامی که وارد صبح و شب می‌شود صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، روز قیامت هیچکس بهتر از آنچه او آورده، نمی‌آورد مگر کسی که همانند آنچه او گفته بگوید و یا بر آن بیفزاید». [مسلم (۲۶۹۲)].

احادیث در انواع ذکر و فضیلت آن فراوانند. آنچه بیان گردید، از مشهورترین و صحیح‌ترین اذکاری بود که دارای فضیلت بودند. غیر از این اذکار، اذکار فراوان دیگری هم وجود دارد. از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟» فَقُلْتُ: بَلَى. فَقَالَ: «قُلْ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» «آیا تو را بر گنجی از گنجینه‌های بهشت، راهنمایی کنم؟ گفتم: آری. فرمودند: بگو: لا حول و لا قوة إلا بالله: هیچ نیرو و قدرتی جز با (قدرت) الله وجود ندارد». [بخاری (۴۲۰۲) و مسلم (۲۷۰۴)].

ابوهیره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَأَنْ أَقُولَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ» «اگر بگویم: سبحان الله و لا إله إلا الله و الله أكبر، برایم از آنچه خورشید بر آن تابیده است، محبوب‌تر است». [مسلم (۲۶۹۵)].

استغفار هم از انواع ذکر محسوب می‌شود. از اغز مزن رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهُ لَيَغَانُ عَلَى قَلْبِي، وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ» «گاه بر دلم - لحظه‌ای - سایه

غم و غفلت قرار می‌گیرد؛ و روزانه ۱۰۰ بار از الله ﷻ آمرزش می‌خواهم». [مسلم (۲۷۰۲)].

این عمل رسول الله ﷺ بود؛ و با این سخن خویش بر استغفار تشویق می‌کند. چنان‌که در صحیح مسلم از اعر مزنی ﷺ آمده است که رسول الله ﷺ فرمود: «يا أَيُّهَا النَّاسُ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ، فَإِنِّي أَتُوبُ فِي الْيَوْمِ إِلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ» «ای مردم! به سوی الله توبه نمایید که من روزی صد بار به سوی توبه می‌کنم». [مسلم (۲۷۰۲)].

بخاری از ابوهریره ﷺ روایت کرده است که از پیامبر ﷺ شنیدم: «وَاللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ أَكْثَرَ مِنْ سَبْعِينَ مَرَّةً» «به الله سوگند من روزی هفتاد بار بیشتر استغفار کرده و به سوی رجوع می‌کنم». [بخاری (۶۳۰۷)]. شایسته است مسلمان از استغفار کردن غافل نشود.

سنتِ ذکر و همین‌طور سنت‌های روزمره را با ذکرِ بزرگ که در صحیحین آمده است، پایان می‌دهم، ابوهریره ﷺ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ» «دو کلمه هستند که بر زبان بسیار سبک هستند و در میزان اعمال سنگین‌اند و نزد الله رحمان محبوب هستند: سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم». [بخاری (۶۴۰۶) و مسلم (۲۶۹۴)].

ستایش مخصوص الله است که به نعمت او کارهای نیک پایان می‌یابد.

Persian

مقدمه و پیشگفتار

سنت‌های
قبل از فجر

سنت‌های
وقت سپیده‌دم

سنت‌های
وقت ضحی (چاشت)

سنت‌های
وقت کجر و عصر

سنت‌های
وقت مغرب

سنت‌های
وقت عشاء

سنت‌های
غذا خوردن

سنت‌هایی در مورد
سلام، ملاقات و هم نشینی

سنت‌هایی در باب
لباس و آرایش

سنت‌هایی در باب
عطسه و خمیازه

دیگر سنت‌های
روزمره

سنت‌ها و اذکار روزمره نبی اکرم

صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ



اللغة الفارسية
PERSIAN
LANGUAGE



جميع لغات المشروع
ALL LANGUAGES